

امپریالیسم ژاپن متحد اصلی امریکا در قاره آسیا

• امپریالیسم ژاپن جزئی از پیگر امپریالیسم جهانی است. این واقعیتی است که علیرغم دیدگاه برخی از مسئولین جمهوری اسلامی واقعیات کنونی جهان با قوت هرچه بیشتر به خلقها و مبارزینی که پای در راه مبارزه با امپریالیسم می‌گذارند، نشان می‌دهد. خلق قهرمان ایران در همین دو سال و اندی که از انقلاب می‌گذرد به‌گرات دشمنی مشترک امپریالیست‌های امریکائی، اروپائی و ژاپنی را با اهداف استقلال‌طلبانه و خلقی انقلاب خود تجربه کرده است. متأسفانه علیرغم واقعیات عینی، زنده و ملموس جهان ما که شناخت و درک آن هم احتیاج به دانش زیادی ندارد، برخی مقامات دولت جمهوری اسلامی همچنان به‌تکرار نظریه زنگار گرفته و ارتجاعی "دوا بر قدرت" اصرار می‌ورزند.

ما وظیفه انقلابی خود می‌دانیم در تقابل با این دیدگاه انحرافی و برای روشن کردن مسئله، مقالاتی در این زمینه منتشر نمائیم. آنچه در این شماره و شماره آینده کار مطالعه می‌کنید، گامی است در این راه. در صفحه ۱۱

از کوشش‌های امام‌خه‌ینی در راه حفظ آرامش
و اجرای قانون اساسی حمایت کنیم

در تظاهرات غیرقانونی شرکت نکنید

• دولت نیز اکیدا موظف است مانع آن شود که عناصر و دستجات غیر مسئول و خودسر، تحت پوشش دفاع از جمهوری اسلامی به گسترش تشنج و ناآرامی‌های سیاسی دامن‌زنند. دولت موظف است آزادی اجتماعات و تظاهرات قانونی را موکدا تضمین نماید.

هم‌میهنان مبارز!
دشمنان خارجی و داخلی
انقلاب از هر سو برای شکست
انقلاب و درهم شکستن
صفوف خلق و تحمیل یک
رژیم ضد خلقی و نوکـر
امپریالیسم، تمام نیروی
اهریمنی خود را به کار
انداخته‌اند. امپریالیسم
امریکا و رژیم جنایتکار صدام
که این جنگ خونین را بر
ملت ما تحمیل کرده‌اند،
جسم‌انتظار تشدید اختلافات
داخلی و منحرف شدن ذهن
بقیه در صفحه ۲

مجتمع فولاد اهواز چرا تعطیل شده است؟

• مجتمع فولاد اهواز یکی از بزرگترین واحدهای صنعتی ایران با بیش از ۱۰ هزار کارگر و کارمند و سرمایه‌ای بالغ بر ۲۱ میلیارد تومان توسط مقامات جمهوری اسلامی تعطیل شد.

تعطیل این مجتمع بیش از هر چیز نشانه تشنج و بی‌برنامگی در سیاست اقتصادی دولت و بی‌انگیز موفقیت‌نسبی لیبرالها و دیگر دوستان امپریالیسم در به استیصال کشاندن مسئولین خط‌امامی جمهوری اسلامی است. ما در تأیید قاطعانه و پیگیرانه نظر اکثریت کارکنان انقلابی و زحمتکش صنایع فولاد، تعطیل این مجتمع صنعتی را که به بهانه قطع وابستگی انجام یافته و عملاً به بی‌کار شدن بیش از ده‌هزار نفر از کارگران انقلابی میهنمان منجر گشته است، به زیان انقلاب می‌دانیم.

در این شماره به ارزیابی تحلیلی از وضعیت عمومی صنایع فولاد اهواز و تأثیراتی که در رابطه با تعطیل کردن آن به وجود خواهد آمد، می‌پردازیم. در صفحه ۲۰

در این شماره

درد مشترک
لیبرالهای ایرانی و
فئودالهای افغانی!

رژه پاسداران در برابر قانون اساسی نشانه پایبندی آنان

باند فاجعانه جلوی نوطنه‌ها و

جاباب فئودال‌ها گرفته شود

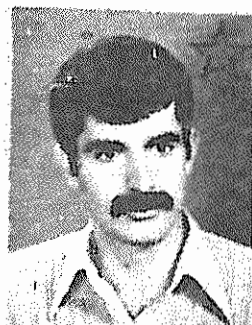
بند قانون

در صفحه ۲۶

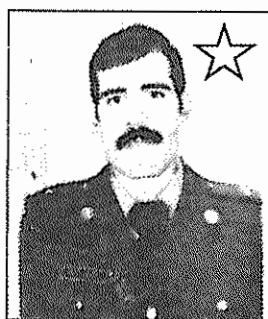
رفیق "محمد رضا اکبری اسبق" در جریان فتح ارتفاعات الله اکبر به شهادت رسید

روزی که رفیق اکبری در جبهه مقاومت به شهادت رسید، رفیق عبدالباسط توسط جمهوری اسلامی

به جوخه اعدام سپرده شد



فدائی خلق رفیق شهید
عبدالباسط احمدی



فدائی خلق رفیق شهید
محمد رضا اکبری اسبق

★ هزاران رزمنده فدائی از نخستین لحظات تجاوز ارتش صدام به خاک میهن، جان برکف در راه استقلال و آزادی ایران و در راه رهایی زحمتکشان علیه تجاوزگران به نبرد برخاستند و به سنت انقلابی فدائیان خلق تا به امروز دهها شهید به انقلاب تقدیم داشته‌اند.

تاریخ خونین و افتخارآمیز سازمان ما، دفاع پیگیر سازمان از انقلاب و جانبازی‌های حماسی رفیقان ما در جبهه‌های مقاومت بیش از هر زمان به توده‌های مردم میهن معلوم داشته است که هر فدائی نمونه بارزی از دفاع پیگیر و خستگی ناپذیر در راه خلق و در مبارزه علیه امپریالیسم، متحدان داخلی آن و همه دشمنان خلق است.

با اینهمه محافل قشری جمهوری اسلامی در شرایطی که مردم میهن ما بیش از هر زمان به اتحاد عمل در برابر دشمن متجاوز نیاز دارند، در شرایطی که سینه هر فدائی سدی است در برابر دشمنان خلق و انقلاب، بارها سینه‌های پرشور فدائیان خلق را به اتهامات واهی و بی‌اساس آماج گلوله ساخته‌اند.

بی‌تردید قضاوت مردم و تاریخ درقبال چنین اقدامات تکان‌دهنده‌ای بسیار سخت خواهد بود. رفقای ما همیشه زنده‌اند و هیچ‌مانعی ما را از نبرد در راه خلق باز نخواهد داشت. در صفحه ۲۵

متحد شویم

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

از کوشش‌های امام خمینی در راه حفظ آرامش و اجرای قانون اساسی ... بقیه از صفحه ۱

مردم از مسئله جنگ و توطئه‌های پلیدشان نشسته‌اند. هم‌میهنان! علیرغم توصیه‌ها و تلاش‌های مکرر امام خمینی در جهت استقرار قانون اساسی و حل اختلافات میان مقامات قانونی جمهوری اسلامی که از طریق هیئت سه‌نفره حل اختلاف صورت گرفته است، متأسفانه در روزهای اخیر در تهران و برخی نقاط دیگر تلاش‌هایی برای برهم‌زدن نظم و موازین قانونی، انجام راهپیمایی‌های غیرقانونی، تهدید مردم به بستن مغازه‌ها و دامن‌زدن به شایعات ضدانقلابی را شاهد بوده‌ایم.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در این شرایط خطیر که میهن ما مورد هجوم ددمنشانه رژیم صدام و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا قرار دارد، در این شرایط خطیر که حفظ وحدت و اتحاد همه ما در برابر دشمنان شرط حتمی پیروزی ماست، رئیس جمهور را به درک مسئولیت‌های خویش در قبال هر یک از اقدامات خود فراموشی خواند.

همچنین سازمان ما، سازمان مجاهدین خلق ایران را به درک مسئولیت‌های تاریخی خویش در قبال انقلاب و خلق زحمتکش میهن فرا می‌خواند. امروز وقت آن است که مردم به استقامت در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام دعوت شوند. زمان آن است که مردم به اتحاد با یکدیگر و حفظ آرامش و پایبندی به قانون دعوت شوند. امروز هر نوع تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اجتماعات قانون‌شکنانه بر ضد نهادهای جمهوری اسلامی، عملی است در خدمت اهداف امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی و خارجی آن. همه اعضاء و هواداران سازمان و همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و استقلال طلب باید مردم را به عدم شرکت در اینگونه تظاهرات دعوت کنند و بطور فعال زبان‌های ایجاد تشنج و درگیری‌های خیابانی را به هر وسیله‌ای که می‌توانند برای همگان توضیح دهند. دولت نیز اکیدا موظف است مانع آن شود که عناصر

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۰

نمایشگاه عکس



متجاوز صدام و توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، ارج می‌نهیم.

از ۲۳ اردیبهشت نمایشگاه عکسی در موزه هنرهای معاصر به همت گروهی از عکاسان میهنمان: منوچهر دقتی، سعید صادقی، بهمن جلالی، رضا دقتی، بهرام محمدی‌فرد، کاوه گلستان، کامران جبرئیلی، کاوه کاظمی و... دایر شده است. نمایشگاه تصاویری زنده و ملموس از تجاوز رژیم صدام و حماسه مقاومت و پایداری نیروهای خلق و رزمندگان میهنمان در دفاع از استقلال و آزادی میهن ارائه می‌دهد. حماسه‌ای که خود را در چشمان پر امید و شکوفائی لبخند ظفرنمون رزمنده جوانی جلوه‌گر می‌سازد که یک دستش را در اثر هجوم وحشیانه تجاوزگران رژیم صدام از دست داده و با دست دیگر خود پیروزی را نوید می‌دهد.

تصاویر آوارگان جنگ تحمیلی که در اثر این هجوم وحشیانه وادار به ترک دیار شده‌اند، ابعاد گسترده و غیرانسانی این تجاوز را نمایان می‌سازد.

ما برگزاری اینگونه نمایشگاه‌ها را که هدف آن افشای جنایات رژیم

پیرامون اطلاعیه مورخه ۱۴ خرداد ... بقیه از صفحه ۲۸

ریز و درشت آن است همچنان در محاق توقیف می‌باشد و پس از دو ماه که از انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای می‌گذرد، هنوز اجازه انتشار علنی و آزاد نیافته است؟ چرا آزادی مطبوعاتی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند، محترم شمرده نمی‌شود؟ چرا عناصر قشری و اوباشی که به کتابفروش‌ها حمله می‌کنند، مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند؟ اینها و دیگر موارد نقض صریح و آشکار بیانیه ۱۰ ماده‌ای که متأسفانه در اغلب موارد با سکوت دولت مواجه می‌شود، به حق نگرانی مردم مبارز و زحمتکش ما را برانگیخته است.

با اینهمه تردیدی نیست که گروه‌های ماجراجو، چپ‌ها و هر ج و مرج طلب با عدم استقبال از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای و ادامه اقدامات امپریالیسم شادکن خود هنوز هم نیروی بازدارنده مهمی در جهت اجرای اطلاعیه دادستانی و گسترش آزادی‌های سیاسی در سطح جامعه به شمار می‌آیند. ما بار دیگر همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست و نیز جریاناتی را که بنا بر ماهیتشان علیرغم هم‌آوازی آنان با ضدانقلاب در جبهه مردم قرار دارند، به استقبال از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای و اطلاعیه اخیر دادستانی فرا می‌خوانیم.

تضمین آزادی‌های سیاسی به جلو برداشته شود. این گرایش‌های انحصار طلبانه که به طرق گوناگون می‌کوشند زمینه فعالیت نیروهای طرفدار انقلاب را محدود و مسدود سازند، عملاً علیه مصالح انقلاب و خلاف رهنمودهای امام خمینی رفتار می‌کنند. همین گرایش‌های تنگ‌نظرانه که متأسفانه دارای نفوذ و قدرت نیز هستند، با نقض مکرر قانون عملاً وحدت خلق را تخریب کرده و مستقیم و غیرمستقیم علیه انقلاب عمل می‌کنند.

آیا برآستی آن‌گونه که در اطلاعیه ۱۴ خرداد دادستان کل انقلاب انعکاس یافته است "دستگاه‌های قضائی کشور و دولت" در دو ماه گذشته "تا آنجا که در توان داشتند در اجرای مفاد مندرج در اطلاعیه و تضمین آزادی‌های قانونی مذکور در آن کوشش نمودند."؟

سازمان ما می‌پرسد: اگر چنین است دولت و دستگاه‌های انتظامی چه اقدامی در جهت دستگیری و محاکمه حمله‌کنندگان به میتینگ میدان آزادی به عمل آورده‌اند؟ چرا نشریه کار "اکثریت" که سلاحی در دست انقلاب در جهت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و همه ایادی و متحدان

سازمان ما با همه نیروی خود در جهت اجرای این بیانیه کوشش کرده و هر حرکت و اقدامی را که در چهارچوب اطلاعیه فوق به اجرا درآمده مورد پشتیبانی جدی قرار داده است. بر همین اساس اطلاعیه اخیر دادستان کل انقلاب که در ۱۴ خردادماه جاری صادر شده است نیز علیرغم برخی ابهامات، مورد تأیید سازمان ماست.

با اینهمه یادآور می‌شویم برای تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی تنها صدور بیانیه و اطلاعیه کافی نیست و مفاد اطلاعیه باید در عمل و از سوی همه گروه‌ها و نیروها بطور جدی اجرا گردد. اکنون که نزدیک به دو ماه از صدور اطلاعیه دادستانی می‌گذرد، متأسفانه شاهد نقض مکرر مفاد این بیانیه هستیم. دولت، دادستانی انقلاب و همه مسئولین امر برای به‌اجرا نهادن طرح فوق به حد کافی اقدام نکرده و پیگیری و قاطعیت لازم را به خرج نداده‌اند. سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های گاه غیر مسئولانه بالاترین مقامات مسئول کشور و گرایش‌های انحصار طلبانه، تاکنون مانع از آن شده است که طرح فوق به نحو جدی به اجرا درآمده و گام مهمی در حل یکی از مشکلات اساسی انقلاب یعنی



بانگ و رشکستگی جبهه ملی

جبهه ملی ایران با صدور تراکتی از "مردم" در روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه برای شرکت در میتینگ و راهپیمایی دعوت به عمل آورده است. در این میتینگ که محل اجتماع آن بعدا اعلام خواهد شد، از "هموطنان شرافتمند، مردم غیور و آزادیخواه ایران" خواسته شده است تا در شرایطی که "استقلال مملکت در معرض خطرات جدی قرار دارد"، "اختناق بیداد می‌کند"، "انقلاب بزرگ ملت را از کلیه هدف‌های بنیادی خود منحرف کرده‌اند"، "بانگ اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند".

ورشکستگی سیاسی سران جبهه ملی حقیقتی است قدیمی و آشکار و به همین دلیل هم نیازی به تشریح بیشتر نیست. اما بد نیست ببینیم که چگونه این سازشکاران، از موضع معامله و سازش با شاه امریکائی به موضع قاطعیت در برابر جمهوری اسلامی و خطا امام رسیده‌اند؟! آنها در دوران شاه دیکتاتور همواره گوش به زنگ بودند که با جایجائی روسای جمهور امریکا شرایط مطلوب فرا رسد تا از سوراخ‌های خود بیرون خزیده و گدائی "آزادی" را آغاز کنند. اما هنگامی که انقلاب آغاز شد، نخست کوشیدند تا با سوار شدن بر موج اعتراضات توده‌ها به مراد دیرین خود یعنی تحقق شعار "شاه سلطنت کند و نه حکومت" برسند ولی آن هنگام که کار را از دست رفته دیدند، به سازش آشکار با شاه دست زدند. آنها با گمارده شدن "بختیار" به نخست‌وزیری یکبار دیگر بخت خود را آزمودند که از بخت بد آنها زمانه با آنان یاری نکرد و روز طوفانی ۲۲ بهمن فرا رسید. پس از پیروزی انقلاب بخش عمده‌ای از این رهبران خیانت‌پیشه راه فرار را درپیش گرفتند و عده‌ای از سران آنها که با انقلاب به اصطلاح همراهی کرده بودند، کوشیدند تا در کنار و به کمک دوستان دیرینه خود آقایان بازرگان و کابینه دولت موقت، وضع مطلوب را اعاده کنند. اما توده‌های مردم با کنار گذاردن دولت موقت، برای چندمین بار حکم ورشکستگی را پیش روی آقایان گذاشتند و آنها را از میدان به‌در کردند.

از آن موقع به بعد بود که جبهه ملی تصمیم به "مبارزه قاطع" با مستبدین حاکم گرفت و تنها مترصد لحظه مناسب بود تا "قاطعیت" خود را نشان دهد و برای اولین بار هم که شده از همگان رفیع شبهه کند که سران جبهه ملی همیشه هم سازشکار نیستند و اگر پایش بیفتد، در "قاطعیت" نظیر ندارند!

اکنون مدتی است سران خائن جبهه به اصطلاح ملی اعتقاد پیدا کرده‌اند که لحظه اعلام "مبارزه قاطع" فرا رسیده است. اینک که تمام دوستانشان مسئله "بن‌بست" را پیش کشیده‌اند و اینک که اختلاف بین آقای بنی‌صدر با خط امام تشدید یافته دیگر سکوت و تردید همیشگی جایز نیست! باید مجدداً از سوراخ‌ها بیرون خزید و در سردادن "بانگ اعتراض" همراه قافله گردید! آری! آقایان بر این خیال هستند و ما نیز بر این باور که برآستی لحظه پایان حیات حقیر آنها فرا رسیده است و از این پس دیگر به عیان می‌توان نفس شوم آنان را از مرداب صدانقلاب در پاریس، لندن و واشنگتن شنید!

امیرانتظام مردم و انتظار

اکنون چندین هفته از آغاز شور قضات دادگاه امیرانتظام می‌گذرد. در این مدت بالنسبه طولانی نشریات لیبرالی به‌انحاء مختلف کوشیده‌اند تا امیرانتظام را به عنوان یک شخصیت بی‌گناه، ملی و وطن‌پرست "جا" زنند و خرابکاری‌ها و جاسوسی‌های او را به عنوان "خدمات" معرفی کنند. وقفه طولانی در اعلام رای دادگاه امیرانتظام که نشانه نفوذ لیبرالها و تردید و تزلزل دادگاه در محکوم ساختن قاطع یک‌جاسوس امریکا است بیش از هر چیز به حیثیت انقلاب ایران لطمه وارد می‌آورد. مردم خواهان آنند که دادگاه قاطعانه رای خود را مبنی بر محکومیت امیرانتظام جاسوس صادر نماید. رای که شایسته انقلاب و نشانه پایبندی این دادگاه‌ها به مردم و مصالح انقلاب است.

رنجبری‌ها و تاکتیک برون مرزی!

جدیدترین تاکتیک حزب سه‌جهانی رنجبران برای "سرنوشتی مستبدین حاکم" و "بر سر کار آوردن یک دولت امریکا پسند تشدید و توسعه فعالیت در خارج کشور است. بدین ترتیب ضد انقلاب به خارج گریخته و محافل فعال سلطنت طلب و وابسته در شهرهای نظیر نیویورک، پاریس و لندن اینک از همکاری فعال و علنی رنجبری‌ها برخوردارند و این وحدت عمل حداقل شمره تز سه‌جهان و کینه‌توزی آشکار با سوسیالیسم است. نمونه زنده پیاده‌شدن این تاکتیک اشغال دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل توسط کنفدراسیون "سیس" است. کنفدراسیون سیس که سالهاست با سوءاستفاده از نام کنفدراسیون و مبارزات ضد امپریالیستی دانشجویان خارج کشور مرکز تجمع رنجبری‌های خارج کشور شده است با اشغال دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل، میزان نفرت و خشم خود را از مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران نشان داد و ثابت کرد که ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی نئوری سه‌جهان چگونه این دار و دسته را به دامان امریکا سوق داده است.

از میان نامه‌ها
حرف‌های زحمتکشان

با درود به نشریه محترم "کار" من در قسمت نقطیر چوب کارخانه چوب و کاغذ ایران (چوکا) واقع در طوالش کار می‌کنم. وسایل تولید کارخانه ما سالها پیش، از کشور بلغارستان خریداری شده است. کارشناسان بلغاری مشغول راه‌اندازی کارخانه و جاگذاری ماشین‌آلات بودند که برنامه‌شان با انقلاب مصادف شد. بعد از انقلاب سعی شد که دوباره کارخانه راه بیفتد. ابتدا شرکت تکنولوگ پذیرفت که در امر راه‌اندازی کارخانه اقدام نماید اما چون مهندسین و مسئولین آن عمدتاً غربی و غرب‌زده بودند، گفتند: "این کارخانه به درد نمی‌خورد" ولی بعد از مدتی مرکز پژوهش‌های جهاد سازندگی منطقه قبول کرد که کارخانه را راه بیاندازد و مشغول به کار شدند و در نتیجه فعالیت‌های شبانه‌روزی و مداوم کارگران و افراد جهادکارخانه به راه افتاد. ولی با شروع بهره‌برداری از کارخانه کارشناسی‌ها و خرابکاری‌ها از جانب مقامات بالا شروع شد. ما مجبور شدیم که به هر ترتیبی بود، کارخانه را که با زحمات مستمرمان آماده به کار شده بود، اداره کنیم هرچند از حیث مواد اولیه کاملاً در مضیقه قرار گرفتیم ولی از آنجا که خوب می‌دانستیم که هر کارخانه‌ای که در این زمان (که ما در حال مبارزه با امپریالیسم امریکا و دیگر شرکایشان هستیم) در تولید آن وقفه ایجاد شود ضربه‌ای بر پیکر انقلاب است، هر کارگر هرچقدر پول داشت دادند و مواد اولیه به مقدار چند روز تهیه شد و ما شروع به کار کردیم و اکنون کار جریان دارد.

هدف از شرح این مسئله این است که نشان بدهم در راس بعضی از کارخانجات (حنی دولتی) افرادی هستند که با زندگی کارگران و انقلاب بازی می‌کنند و آنان نه تنها در خدمت انقلاب نیستند بلکه درجهت امپریالیسم قدم برمی‌دارند. از نشریه کار که منعکس کننده خواست‌های اقشار زحمتکش بوده و هست، خواهشمندم مطالب مرا برای آگاهی دیگر هم‌زمان زحمتکش بنویسد تا ضمن افشای ماهیت بعضی از مدیران از فعالیت شبانه‌روزی کارگران و افراد جهاد سازندگی هم قدردانی به عمل آمده باشد.

توضیح و تصحیح

در کار شماره ۱۱۱ در مقاله "کمیته پل سیمان را از عناصر فاسد و ضدانقلاب پاکسازی کنید" بعضی اسامی بطور اشتباه چاپ شده که بدینوسیله تصحیح می‌گردد. در مقاله از "حاجی غفوری" نام برده شده که درست آن "حاجی غیوری" است. همچنین اسامی "صدر" و "حسین خاتمی" نادرست بود و در اصل "حیدر" و "حسین حاتمی" می‌باشد.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

آتش دشمن خیلی قوی است، ولی

قوی تر از آن اراده مردم است

از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

گرمی از ما استقبال کردند. سه روز خوب و پر کار را پشت سر گذاشته و در چیدن خرما و بسته‌بندی آنها به میوه چنان زحمتکش خوزستان کمک کردیم. بعد از پایان سه روز مرخصی، با آنها خداحافظی کرده و قرار گذاشتیم که باز هم به دیدنشان برویم. در این سه روزی که ما با نخلداران و کارگران میوه‌چین عرب خوزستانی بودیم، آنها درباره مشکلات کارشان برایمان صحبت‌های زیادی کردند. آنها می‌گفتند:

— اگر دولت دست‌تجار مفتخور و واسطه‌ها را از سر ما کوتاه کند و خود راسا از طریق تعاونی‌های روستائی و شهری خرما را به قیمت عادلانه از ما بخرد، هم وضع کشت و محصول خرما خوب خواهد شد و هم این میوه‌چینان و نخلداران زحمتکش از تنگدستی بیرون خواهند آمد.

یکی دیگر از نخلداران زحمتکش می‌گفت:

— اگر دولت به ما وام بدهد، یا وسایل مکانیزه در اختیارمان بگذارد و با کمک خود ما تعاونی تولید ایجاد کند و از نظر آب‌زراعی نخلدارها را تامین کند، بهره‌دهی تولید زراعی ما چندبرابر خواهد شد.

من وظیفه خود می‌دانستم که از جبهه، حرف‌های نخلداران زحمتکش آبادانی را برای کار بنویسم. امیدوارم دولت هم به وضع آنها که حامیان صادق و وفادار انقلاب هستند، بخصوص در این شرایط جنگی رسیدگی کند.

از یادداشت‌های یک فدائی در جبهه آبادان اردیبهشت ۶۰

کشاورزان لیلک:
((درو)) را به پایان رسانده‌ایم حالا وقت رفتن به جبهه است

روستای لیلک در نزدیکی بوشهر قرار دارد. با اینکه بقیه در صفحه ۱۹

"پنگ"های نخل و انتقال صندوق‌ها و "جلت"های (۲) خرما به شهر، وقت صرف می‌کنند و سپس خرماهای بسته‌بندی شده را به دلالان و سلف‌خرهای آبادان کیلوئی ۲۵ ریال می‌فروشند. (فعلا) در شرایط جنگی خرما را به جهادسازندگی آبادان می‌فروشند) ما (چند نفر از هواداران سازمان) آخرین باری که همراه رزمندگان سپاه به جبهه آن سوی بهمینشیر می‌رفتیم، تصمیم گرفتیم بعد از بازگشت از جبهه به کمک این نخلداران و کارگران عربی که خرما می‌چیدند، برویم. یک‌هفته بعد که چند روزی مرخصی داشتیم، با خوشحالی برای پیکار در جبهه‌های دیگر شتابان خود را به نخلستان‌ها رساندیم. کارگران میوه (خرما) چین به

بهمینشیر می‌رفتیم، فلاحان و نخلداران عرب منطقه را می‌دیدم که بدون اعتناء به غرش توپ‌ها و انفجار خمپاره‌ها که خاک بکر زمین را به آسمان می‌پاشاند و درخت‌های نخل را درهم می‌شکست و شاخ و برگ نخل‌ها را به آتش می‌کشید صبورانه مشغول چیدن "پنگ"های (۱) خرما و بسته‌بندی آنها مشغولند. بسیاری از اصله‌های نخل به دلیل شرایط جنگی منطقه از بین رفته و یامیوه (خرما) آنها چیده نشده است. نخلداران و کشاورزان عرب به دلیل کمبود نیروی انسانی قادر به برداشت همه محصولاتشان نیستند. آنها با کار توافرسا و در شرایط غیرامن منطقه، روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت برای بریدن

دوتا بچه‌مون را با هم به سردخونه بردند، ما باید با هم باشیم! غم آمیخته به کینه‌ات را نمی‌توانی پنهان کنی. لیکن جنگل سرسبز وطن انقلابی را اراده‌های آهنین باید تا ترانه‌های فتح در سرتاسر آن نواختنی ابدی بیاید. ایمان داریم که دیو ظلمت را خون سرخ فرزندان زحمتکشان و انقلابی وطن‌گریزان خواهد کرد.

دزفول قهرمان
۲۶ اردیبهشت ۶۰

نخلداران زحمتکش خوزستان را دریابیم

مدتی بود که وقتی از میان نخلستان‌ها به جبهه آن سوی

... همه‌جا را سکوت فرا گرفته است و دزفول پرتشویش سخت آرام، در کام تاریکی فرو رفته است. بجز صدای دیرآشای پای پاسداران و رزمندگان بر سنگفرش کوچه، صدای دیگری به گوش نمی‌رسد.

در این عمق ظلمت و سکوت، قلب "دزفول" از نور سرخی که بناگاه آسمان شهر را روشن می‌کند، منفجر می‌شود. قبل از انعکاس مرتعش‌کننده انفجار، این آسمان شهر است که به خون می‌نشیند و ضجه دردآلود مادران را که ۹ ماه است پلک برهم نزده‌اند، در خود می‌آمیزد:

— پمپ بنزین رازده‌اند!
— این صدای انفجار کپسول‌های بیمارستانه!
پیرزن‌ها گونه‌هایشان را به جنگ می‌گیرند و پیرمردها صلوات می‌فرستند. سنگفرش‌های کوچه اینک نه در زیر ضرب پوتین پاسداران که با تماس جهنده شتاب-آلود پای برهنه جوانان شهر است که کوبیده می‌شود. شعله‌های بلند و سرخ، شهر را زیر دم جهنمی خود می‌گیرند و مردم بی‌محایا شعله‌ها را به محاصره درمی‌آورند. آتش دشمن خیلی قوی است لیکن قوی‌تر از آن اراده مردم است.

جمعیت مدام هجوم می‌آورد. زنها بچه‌هایشان را صدا می‌کنند. اولین پیکر زحمت‌پرورده‌ها از زیر آوار بیرون می‌آورند.

جمعیت موج می‌خورد و چند پیرزن زانو به زمین می‌سایند. صدای تکبیر بلند می‌شود. چیزی نمی‌گذرد که دومی، سومی... و سیزدهمی را در داخل آمبولانس جای می‌دهند. مادری سینه می‌کوبد و جمعیت را می‌شکافت:

— می‌خواهم برای آخرین بار بچه‌ام را ببینم. مادر چندبار جسد خون‌آلود فرزندش را در آغوش می‌کشد و... دو مرد میانسال، دو پدر شهید از دو خانواده، بغض کرده با هم سخن می‌گویند: — دستت را به من بده.

نامه‌ای از جبهه

اما این را بدان که از خود گذشتگی من، فدا شدن از روی دیوانگی نیست، نه، بلکه خود زندگی به من آموخته است که اینطور باشم و این اولین و آخرین درس من به جبهه‌هایی است که می‌خواستم آموزگارشان باشم من بنا به اراده و ایمان خود این وظیفه را به عهده گرفتم من افتخار می‌کنم که عالی‌ترین وظیفه خود را در برابر بشریت انجام می‌دهم. مادر، برای من اشک نریز و نگذار هیچکس هم اشک بریزد. در این موارد گریه جایز نیست.

مادر، مرا ببخش و خدا نگهدارت باد.

کوه‌های محبوبم، با شما وداع می‌کنم، شما را بسیار دوست می‌دانستم!

پسر تو آموزگار، ستوان دو ماسلیک سووانکوف جبهه ۹ مارس ۱۹۴۳ ساعت ۱۲ شب

(از کتاب: "سرگذشت مادر" اثر: چنگیز آیت‌ماتف)

خودم را برای ساده‌ترین پیشه‌ها آماده می‌کردم و می‌خواستم آموزگار باشم. فقط آرزوی آموزگاری را در سر داشتم. اما مجبور شدم بجای کتاب و قلم، تفنگ به‌دست بگیرم و به سربازی بروم. این گناه من نیست. این خواست زمان من است. من موفق نشدم که حتی یک درس به شاگردانم بدهم. باید وظیفه‌های را که می‌باید به عهده‌ام گذاشته است، انجام دهم. گمان نمی‌کنم که از این مأموریت زنده برگردم. من برای انجام این وظیفه می‌روم تا در موقع حمله جان بسیاری از رفقایم را نجات دهم. من به خاطر ملت، به خاطر پیروزی، به خاطر هر آنچه در وجود بشر زیباست به این مأموریت می‌روم.

مادر، این آخرین نامه من و آخرین سخن من است. اگر هزاران بار هم نام ترا به زبان بیاورم باز در برابر تو وظیفه خود را ادا نکرده‌ام. مادر، از اینکه باعث رنج و غصه تو می‌شوم مرا ببخش

"می‌فهمی مادرکم. پس از مدتی خواهی فهمید. تصدیق خواهی کرد که من درست رفتار کردم. بله، من یقین دارم خواهی گفت که رفتار پسر شرافتمندانه بوده است اگرچه خواهی فهمید، با وجود این در ته دلت حرف‌های به‌زبان نیاورده‌ای خواهی ماند. مثلاً "پسرکم تو چطور دلت آمد و به خود حق دادی که به این سادگی دست از جان بشویی؟ پس چرا ترا به‌وجود آوردم و پرورش دادم؟" بله، مادر. تو مادر هستی و حق داری این را بپرسی. ولی به این پرسش تو تاریخ پاسخ خواهد داد. من حالا فقط می‌توانم بگویم که ما جنگ نمی‌خواستیم، ما آن را پیش نیاوردیم، این بدبختی همه ماست، بدبختی بشریت است و ما باید خون خود را نثار کنیم، جان خود را فدا کنیم تا هیولای جنگ را نابود سازیم. اگر ما به این فداکاری حاضر نشویم، شایسته نام آدمی نیستیم. من هرگز تشنه آن نبودم که در جنگ قهرمانی کنم. من

اعلامیه سی و یکمین اجلاس

شورای عمومی «فدراسیون سندیکائی جهانی»

برای اتحاد گسترده اقشار وسیع زحمتکشان و تحقق اصلاحات فوری و مبرم می‌کوشد. جنبش سندیکائی با مبارزه خود در حل دمکراتیک بحران، اصلاح ساخت جامعه و ایجاد تغییرات مناسب به سود زحمتکشان و علیه تسلط غارتگرانه انحصارات چندملیتی و سیاست ضد کارگری و ضد سندیکائی آنها فعالانه شرکت دارد. هر جا که جنبش سندیکائی برپایه مبارزه طبقاتی (به منظور به حرکت درآوردن آن) دست به اقدامات فعالانه بزند، این اقدامات موثر بوده و به گسترش و تحکیم اتحاد کارگران کمک می‌کند. در این گستره، گنجینه‌ای از تجارب نهفته است و بازتاب آن نیز بر شرایط کنونی مبارزه در راه منافع کارگران، روند وحدت‌یابی آنان و ایجاد تحولات دمکراتیک در جامعه مشهود است.

جنبش سندیکائی در کشورهای سوسیالیستی

در کشورهای سوسیالیستی که ابزار تولید به مالکیت عمومی درآمده و استثمار فرد از فرد نابود گشته است، سندیکاهای کارگری عملکردهای کیفیتا جدیدی پیدا نموده و با وظایف نوینی روبرو هستند. آنها پیوسته در پی یافتن راه حل‌های مسائل عالی‌تر خود بوده و در این راه به نحوی تردیدناپذیر پیروزمندانه به پیش می‌روند. البته آنها نیز همچنان با مشکلاتی که نتیجه رشد جامعه سوسیالیستی است مواجه می‌شوند. شورای عمومی امیدوار است با بررسی تجارب بسیار متنوع نشان بدهد که سندیکاهای کارگری همان‌گونه که از عناصر مهم دمکراسی سوسیالیستی هستند، همان‌طور هم حاملین مقتدر و استوار منافع کارگران در کارگاه‌ها، در اقتصاد، و در جامعه بوده و همچون نیروی عظیمی در توسعه اقتصاد و پیشرفت همه‌جانبه جامعه شرکت دارند. فدراسیون سندیکائی جهانی و کل جنبش سندیکائی باید تجارب و آزمون‌های خود را با بحث‌هایی که در کشورهای سوسیالیستی جریان دارد و به‌ویژه آن عقاید و نظریاتی که با نقش و فعالیت سندیکاهای کارگری در یک جامعه سوسیالیستی پیوند دارد، غنی سازند. فدراسیون سندیکائی جهانی با احترام به استقلال تمام مراکز سندیکائی ملی، با خاطری آسوده تمامی نظریات فوق را می‌شنود و کلیه نظریات، تلاش‌ها و راه‌حلهایی را که به طرق گوناگون در هر کشور سوسیالیستی روی می‌دهند، مورد توجه قرار می‌دهد. در این رابطه حوادث اخیر لهستان که در شرایط ویژه آن کشور روی داد و نیز شیوه دمکراتیکی که این راه حل‌ها به خود می‌گیرد، نظر فوق را تأیید می‌کند و در عین حال نشان می‌دهد که سوسیالیسم برای حل موثر مسائل پیشرفت‌خود، در شرایط ویژه و مستقل هر کشور چه امکاناتی در اختیار دارد.

افزایش نفوذ و اعتبار سندیکاهای کارگری در جهان معاصر نتیجه رشد آگاهی بخش‌های بزرگی از کارگران و اشتیاق آنان برای شرکت کامل در توسعه و سمت‌دادن به جامعه است. این رشد روز افزون بنوبه خود متقابلا ایده‌های آزادی، استقلال و دمکراسی را بسیار موثرتر از گذشته به زندگی نوین می‌شناساند.

مؤلفه‌های وحدت در جنبش

سندیکائی جهانی

قابل تردید نیست که جنبش سندیکائی جهانی در صورت تحکیم وحدت یکپارچه خود، می‌توانست نقش بسیار موثری در روندهای اجتماعی و سیاسی جهان معاصر داشته باشد.

بقیه در صفحه ۱۷

سی و یکمین اجلاس شورای عمومی «فدراسیون سندیکائی جهانی» که از تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ در سنتر برنگار شد، پیشرویی اعلامیه‌ای را به اعتماد خود و دیگر سازمان‌های سندیکائی عرضه کرده است که در آن مسائل حیاتی جنبش سندیکائی جهانی را به بحث و بررسی گذاشته است. با نظر به اهمیت مفاد این اعلامیه و نظر به آنکه این سند جنبش جدیدترین ارزیابی‌های «شورای عمومی» فدراسیون از اوضاع کنونی جهان، خصوصاً مبارزات انقلابی کارگران، امکانات گسترش هماهنگ این مبارزات و وظایف فدراسیون سندیکائی جهانی در قبال آن می‌باشد، اقدام به انتشار خلاصه‌ای از این سند آورنده در «کارگر» می‌نماییم. در شرایطی که طبقه کارگر میهنمان در حال نبرد و پیروزی سازمان‌های صحنه (سندیکائی) خویش است، مسلماً احد مهم‌ترین تجارب و تجویز به آخرین دستاوردهای جنبش سندیکائی جهانی می‌تواند تأثیر بسزایی در تسریع این روند داشته باشد و لذا ما تلاش می‌کنیم که از این پس نیز در فرصت‌های مناسب دیگر جنبش سوسیالیستی را در اختیار جنبش کارگری میهنمان قرار دهیم. به امید آنکه گام‌های بزرگتر و موثرتری در راه پیوند هر چه عمیق‌تر جنبش کارگری با سندیکائی ایران با جنبش سندیکائی جهانی توسط کارگران و تشکلهای کارگری ایران و پیشروان آگاه آن به پیش بر داشته شود.

جنبش‌های سندیکائی کشورهای «جهان سوم» را در پیشبرد این امر چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی، کاملاً تأیید می‌نمایند. در شرایط کنونی، سازمان‌های سندیکائی این کشورها وظیفه تأمین وحدت صفوف کارگران را در مبارزه به خاطر استیفای حقوق اقتصادی و اجتماعی و تأمین استقلال و ترقی اجتماعی در پیش روی خود می‌بینند. این سازمان‌ها برای حل موفقیت‌آمیز مسائل متعددی که تضعیف کلی نظام استعماری را در خود دارد، پیکار می‌کنند. آنها با تحکیم و تقویت استقلال اقتصادی، برای اعمال حاکمیت ملی بر منابع طبیعی خود و برای پایان بخشیدن به فحطی، فقر و جهل می‌کوشند. در کشورهایی که دارای رژیم‌های مترقی هستند، سندیکاهای کارگری برپایه مبارزه ضد استعماری و سوسیالیستی و از طرق مخصوص خود، در توسعه اقتصاد و رشد جامعه و کشور مشارکت دارند. مبارزه سندیکاهای کارگری کشورهای در حال رشد بخشی از مبارزه عمومی کارگران و خلقهای زحمتکش این کشورها برای آزادی از اسارت و بندگی است. وظیفه کل جنبش سندیکائی در مقیاس جهانی است که پیوند دائمی و موثر خود را با کارگران و سندیکاهای کارگری این کشورها برقرار سازد.

جنبش سندیکائی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته

در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته، سیاست‌های جا برانه کارفرمایان و دولت‌ها، قدرت خرید و سطح زندگی کارگران را کاهش داده، رشد روزافزون و مستمر بیکاری را موجب شده و تضمین‌ها و حقوق دسته‌جمعی را که پس از دهها سال مبارزه سندیکائی به دست آمده، مورد هجوم قرار داده است. چنین سیاست‌هایی باعث تشدید استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه‌داران از سوئی و نابرابری غیرقابل تحمل اجتماعی از سوی دیگر گشته است. اما رشد قابل توجه مبارزه برای متوقف کردن تهاجم سرمایه‌داران، آینده امیدبخشی را نوید می‌دهد. جنبش سندیکائی از طریق مبارزه پیگیر خود

جهان در دهه‌های اخیر تغییر کرده است و روند آن همچنان روی به تعمیق دارد. در برابر رو در روئی همه‌جانبه‌ای که امپریالیسم را در مقابل نیروهای پیشرفت و ترقی قرار داده است، صلح از چنان برتری و امتیازی برخوردار است که امپریالیسم را ناگزیر از توسل به حالت تدافعی نموده است. البته امپریالیسم هم واکنش نشان می‌دهد و اغلب نیز این واکنش صورت خشونت‌آمیز و وحشیانه‌ای دارد و تنش‌زدایی بین‌المللی را با مشکلاتی جدی روبرو می‌سازد. در شرایط کنونی موارد زیر محتوی و اشکال واکنش‌های امپریالیستی را توضیح می‌دهند:

پیش از همه تشدید مسابقه تسلیحاتی که صدمات و خسارات عظیمی به خلقها وارد می‌سازد و سود سرشاری را نصیب انحصارات می‌کند با این امید عبث و جنون‌آسا که جنگ هنوز هم می‌تواند آخرین منبع این سودها باشد. سپس سرکوب بی‌رحمانه کارگران و خلقهایی که برای آزادی و نجات خود از اسارت می‌جنگند. همچنین تهاجم شدید ایدئولوژیک برای بی‌اعتبار کردن سوسیالیسم و علیه کشورهایی که آرزوی استقلال خود را دارند و نیز جنبش کارگری در مقیاس جهانی و بالاخره تلاش گسترده امپریالیست‌ها برای کشاندن جنبش سندیکائی به سوی سازش طبقاتی.

رشد جنبش سندیکائی در مقیاس جهانی

در جهان در حال تحول امروز، جنبش سندیکائی نیز رشد می‌کند. ما شاهد یک رشد عمومی در جنبش سندیکائی در همه ابعاد آن هستیم. عملاً هیچ کشوری نیست که در آنجا شکلی از فعالیت سندیکائی وجود نداشته باشد نقش و نفوذ سیاسی - اجتماعی سندیکاهای کارگری در همه جا (و در مواردی بطور اساسی) افزایش یافته است. فعالیت آنها میدان عمل وسیعی را در بر می‌گیرد.

جنبش سندیکائی در کشورهای در حال رشد

در سالهای اخیر کسانی که روند فروپاشی نظام استعماری را تعقیب می‌کنند، نقش و مقام

۲۳ خرداد روز اعتصاب قهرمانانه و خونین کوره‌پزخانه‌ها را گرامی بداریم

۲۳ خرداد ۱۳۳۸ روز خروش یکپارچه ۳۰ هزار کارگر مبارز کوره‌پزخانه‌های تهران علیه شرایط طاقت‌فرسا و ظالمانه‌ای بود که رژیم مزدور پهلوی بر آنان تحمیل کرده بود. در این روز کارگران کوره‌پزخانه‌ها بطور یکپارچه برای ۳۰٪ اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار دست از کار کشیده و فریاد اعتراض خود را علیه استثمار وحشیانه، ساعات کار طولانی و شرایط طاقت‌فرسای زندگی و کار به خیابان‌ها کشاندند. رژیم مزدور پهلوی که بحران اقتصادی آن سالها گریبانش را گرفته بود، با این حرکت لرزه بر اندامش افتاد و با سبعیت تمام آن را سرکوب کرد.

نیروهای مسلح شاه حرکت توفنده کارگران را به خون کشیدند. ۵۰ تن از کارگران به شهادت رسیده تعداد کثیری زخمی و سازمان - دهندگان این حرکت بازداشت و روانه شکنجه‌گاه‌ها گردیدند. خیزش یکپارچه کارگران کوره‌پزخانه‌ها گرچه به خون کشیده شد، اما نقش مهمی در گسترش اعتراضات کارگری در واحدهای دیگر داشت. این حرکت بار دیگر قدرت و قاطعیت انقلابی کارگران را در مبارزه علیه استثمارگران نشان داد، قدرتی که عاقبت در وحدت با دیگر اقشار و طبقات خلق سلطه جابرانه رژیم مزدور شاه را از میهنمان برچید.

کارگران کوره‌پزخانه‌ها از محروم‌ترین لایه‌های طبقه کارگر ایران به‌شمار می‌روند. سیاست رژیم گذشته در جهت ایجاد تفرقه در صفوف کارگران باعث شده بود که این کارگران از ابتدائی‌ترین حقوق مندرج در "قانون کار" نیز محروم بمانند. کار در کوره‌پزخانه‌ها از سخت‌ترین انواع کار است و کارگران با ابتدائی‌ترین وسایل تولید و عمدتاً به اتکای نیروی جسمانی خویش کار می‌کنند. این کارگران استخدام رسمی نشده و بطور کارمزد متناسب با تعداد آجرهای تولید شده در روز حقوق دریافت می‌کنند. این شیوه به‌کار - گیری کارگران ضمن اینکه دست کارفرمایان را در اخراج و فرار از پرداخت حق بیمه

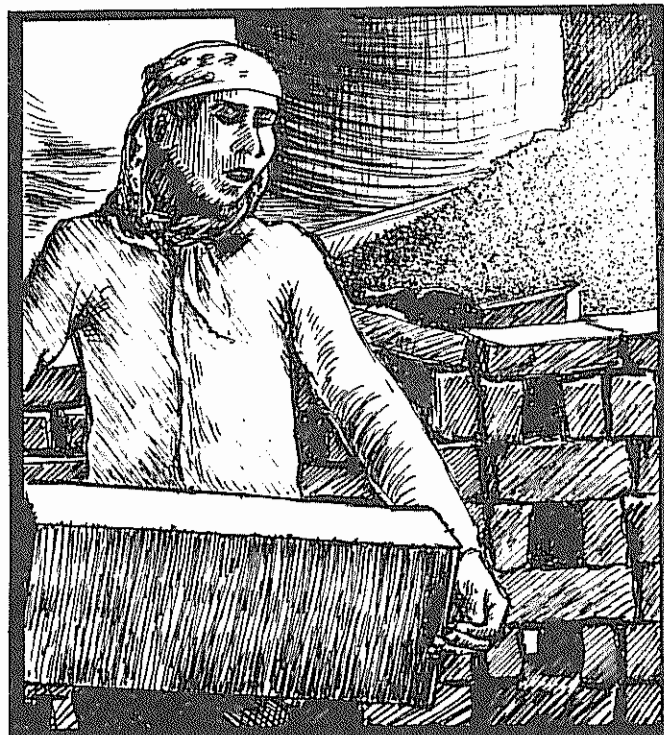
باز می‌گذارد، کارگران را مجبور می‌سازد که برای به دست آوردن مقدار ناچیزی "اضافه‌حقوق" از کمترین زمان استراحت نیز صرف‌نظر نمایند.

محیط کار کوره‌پزخانه‌ها فاقد ابتدائی‌ترین امکانات بهداشتی است. کارگران در تمام مدت کار در فضای مملو از گرد و خاک نفس می‌کشند و در شرایطی که لایه‌ای قطور از گرد و خاک سر تا پایشان را پوشانده است، هیچ امکاناتی جهت استحمام ندارند.

کارگران عموماً در همان بیابان‌های اطراف کوره‌ها در زاغه‌ها و خانه‌های حلبی سکونت گزیده‌اند. در این محلات جز گرد و خاک مملو از انواع میکروب‌ها، خانه‌های حلبی تنگ و درهم شیرهای آب عمومی با صفی طولی در پای هر کدام، کودکان پابرهنه خاک گرفته لخت و یا اخیانا تکه‌پاره‌ای "لباس" بر تن و پیرمردانی منتظر که دیگر رمقی برای کار در تنشان نمانده است، هیچ نشانی از کمترین شرایط آسایش و رفاه یافت نمی‌شود. در چنین محیطی از کار و زندگی هر انسان سالمی پس

از اندک مدتی گرفتار انواع امراض می‌گردد. درمانگاه‌هایی که برای این محلات در نظر گرفته‌اند، به‌هیچ‌وجه پاسخگوی صف‌های طولی زنان و کودکانی که هر روز از صبح زود پشت در آنها به انتظار می‌نشینند، نمی‌باشد. با چنین وضعی این زحمتکشان مجبورند که یا از معالجه صرف‌نظر نمایند و یا با قرض و کم‌کردن از مخارج خوراک ناچیز خود امکان رساندن مریض خود را به دکتر و تهیه داروئی اندک و ارزان قیمت را بیابند.

به علت نبود هیچ قانونی ناظر بر روابط کارگران کوره‌پزخانه‌ها و کارفرمایان، این استثمارگران در استعمار هرچه بیشتر کارگران و ایجاد تضییقات گوناگون محدودیتی برای خود قائل نبوده و همواره سعی در یافتن و استخدام ارزان‌ترین نیروی کار می‌نمایند. نمایندگان این کارفرمایان در روستاها و شهرهای دورافتاده و محروم این نیروی کار ارزان را در بین دهقانان بی‌زمین و کم زمین یافته و آنان را روانه تهران می‌کنند. در اغلب موارد ضمن استخدام پدر خانواده، همسر و کودکان



خردسال او را نیز با حقوقی ناچیز به کار می‌گیرند. در مواردی نیز با پرداخت حقوقی اندک برای چند ماه کودکانشان را از محیط خانواده جدا کرده و پای کوره‌های داغ بیابان‌های تهران می‌کشاندند. در شرایط فعلی با سرازیر شدن تعداد کثیری از افغان‌ها به ایران نیروی ارزان‌قیمتی در اختیار کارفرمایان قرار گرفته است. استخدام این نیروی ارزان ضمن تاثیر در پائین نگه‌داشتن هرچه بیشتر حقوق کارگران و ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف متحد کارگران، همواره حربه‌ای تهدید آمیز در دست کارفرمایان جهت اخراج کارگران ایرانی است. متأسفانه از بعد از انقلاب تاکنون علیرغم دستاوردهای عظیمی که انقلاب، به همت همین کارگران و زحمتکشان داشته است، هنوز مشکلات محرومیت‌ها و سختی‌هایی که سالیان درازی است بر دوش این کارگران سنگینی می‌نماید.

فیلم مستند "از خاک تا خاک" که حاصل تلاش مسئولان سیمای جمهوری اسلامی است و تا اندازه زیادی توانست گوشه‌هایی از شرایط سخت کار و زندگی این زحمتکشان را نشان دهد نیز گویای این واقعیت بود. مقامات جمهوری اسلامی باید به عنوان اولین گام‌های موثر خود در جهت از بین بردن مشکلات و محرومیت‌های برشمرده، با تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی به بی‌قانونی روابط کارگران و کارفرمایان و تبعیضاتی که در میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر ایران در "قانون کار" آریامه‌ری وجود داشته است خاتمه داده و منافع کارگران را با توجه به نقش عظیمشان در پیروزی انقلاب، در جهت تعمیق انقلاب و کوتاه کردن دست سرمایه‌داران تثبیت نمایند. علاوه بر این دولت

باید با استفاده از دستاوردهای علمی و فنی صنعت آجرسازی، با به‌کار - گیری دستگاه‌های نیمه‌خودکار آجرسازی که هم‌اکنون نمونه‌هایی از آن توسط متخصصین ایرانی ساخته شده است، تا اندازه زیادی از شرایط سخت کار در کوره‌پزخانه‌ها بکاهد. به علت منشاء روستائی اکثریت کارگران کوره‌پزخانه‌ها و همچنین وجود زنان و کودکان در این بخش تولیدی و پراکندگی کوره‌ها از یکدیگر و پراکندگی نیروی کار، ایجاد تشکل صنفی در بین کارگران کوره‌پزخانه‌ها همواره با مشکلاتی عینی همراه بوده است، ولی این مشکلات هرگز نتوانسته است مانع از درک و تبلیغ ضرورت ایجاد سندیکا از طرف کارگران بالنسبه آگاه و پیشرو گردد. امروز بخش وسیعی از کارگران کوره‌پزخانه‌ها ضرورت ایجاد سندیکا را جهت دستیابی به مطالبات صنفی خود و محدود کردن خودسری‌های کارفرمایان به‌خوبی درک کرده‌اند و پیگیرانه و قاطعانه در جهت ایجاد تشکل‌های صنفی خود گام برمی‌دارند



امروز که ۲۲ سال از اعتصاب قهرمانانه و خونین ۲۳ خرداد ۳۸ می‌گذرد، کارگران مبارز و قهرمان کوره‌پزخانه‌ها به اعتبار سنت‌ها و تجارب مبارزاتی خونبارشان و مبارزات پیگیرانه‌ای که دوشادوش کارگران و زحمتکشان دیگر در راه به‌ثمر رساندن انقلاب داشته‌اند، بیش از هر زمان دیگر دریافته و درمی‌یابند که پاسداری از خون شهدای ۲۳ خرداد و دیگر شهدای انقلاب، چیزی جز پیشبرد مصممانه و متحدانه این مبارزه انقلابی و تحقق پیروزمندانانه آرمان‌ها و اهداف متعالی کارگران و زحمتکشان ایران نیست.

یاد شهدای ۲۳ خرداد کوره‌پزخانه‌ها را با فشرده‌تر کردن هرچه بیشتر صفوف مبارزاتی‌مان گرامی بداریم.



پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پشت‌از‌مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



با پاسخ به مطالبات منطقی کارگران شرکت واحد، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنیم!

خواست رسمی شدن کارگران جدید شرکت واحد یکی از مطالبات مبرم و اصولی کارگران این شرکت است که مسئولین امور نیز تاکنون برخورد جدی و مسئولانه‌ای با آن ننموده‌اند. کارگران جدید شرکت واحد که تعدادشان تنها در سطح تعمیرگاه‌های شرکت واحد، بیش از ۸۰۰ نفر است، مجبورند به خاطر رسمی نبودن و عدم شمول طرح ارزیابی مشاغل در مورد آنها، از حداقل دستمزد (۶۳۵ ریال) استفاده کنند که بدیهی است این میزان دستمزد با سطح کنونی هزینه زندگی‌شان تناسبی ندارد.

مدیریت جدید شرکت واحد از همان بدو استخدام این گروه از کارگران، طبق قرار داد تعهد نموده بود که کارگران جدیدالاستخدام را تا قبل از فروردین ۱۳۶۰ به استخدام رسمی شرکت درآورد. لیکن تا این تاریخ چگونه اقدام مشخصی از جانب مدیریت در این زمینه صورت نگرفت. اخیراً هیئت مدیره و بخصوص مدیر اداری (آخوندزاده) که تاکنون هیچ دلیلی برای جلوگیری از استخدام رسمی کارگران جدید ارائه نداده‌اند، ظاهراً برای پذیرش استخدام رسمی این کارگران، شرط گذاردن امتحان ایدئولوژیک را عنوان کرده‌اند که این تصمیم با اعتراض یکپارچه کارکنان شرکت واحد مواجه شده و کارگران یکصدا خواهان لغو این تصمیم و برداشته شدن اینگونه موانع ساختگی و ضددمکراتیک شده‌اند. این تصمیم مدیریت گذشته از آنکه نوعی بهانه‌جویی برای گریز از اجرای تعهداتش به شمار می‌رود، جز تفتیش عقاید مفهوم دیگری نداشته و ناقض حقوق مصرحه در قانون اساسی است. مدیریت شرکت واحد به جای توسل به اینگونه "تدابیر" ضددمکراتیک باید شرایط حساس انقلاب و موقعیت ویژه این واحد بزرگ خدماتی را در نظر بگیرد و

پیشنهاد شورای آسانسورسازی درمورد تغییر خط تولید، مسئولانه و انقلابی است

شرکت آسانسورسازی شیدلر (واقع در شهر صنعتی البرز قزوین) که تا پیش از انقلاب سالانه ۱۰۰۰ دستگاه آسانسور تولید می‌کرد، پس از انقلاب به علل مختلف (منجمله نامشخص بودن مسئله مالکیت کارخانه و سوء مدیریت‌ها و...) تولید آن به کمتر از نصف کاهش یافت و کارکنان خط فاز ۲ کارخانه نیز عملاً بیکار شدند. همچنین پس از انقلاب به دلیل کاهش بازار فروش، وضعیت مالی کارخانه نیز چندان رضایت‌بخش نیست. مدیریت کارخانه معتقد است که باید از طریق انتقال تعدادی از پرسنل یا بازخرید و اخراج آنها، هزینه‌ها را کاهش داد و با کسر چند درصد از حقوق کارکنان، بدهی‌های کارخانه را پرداخت کرد. اما در مقابل شورای کارخانه و کمیته فنی شهر صنعتی، قویاً با اخراج کارگران و پرداخت طلب سرمایه‌داران از جیب کارگران و کارمندان مخالفت کرده و با طرح این موضوع که این کارخانه با داشتن پرسنل سنگین و سایر امکانات می‌تواند در و سپر ماشین و... تولید کند، پیشنهاد تغییر خط تولید را داده‌اند. کارگران کارخانه و ارگان‌های انقلابی شهر صنعتی، قاطعانه از این طرح انقلابی پشتیبانی کرده و آن را در شرایط کنونی تنها راه جلوگیری از تعطیل کارخانه و بیکاری کارگران و برداشتن گام‌هایی موثر در جهت قطع وابستگی دانسته‌اند. بدیهی است که این‌گونه اقدامات می‌تواند در کوتاه‌مدت برخی از مشکلات ناشی از وابستگی صنایع ایران را پاسخ گوید لیکن دولت جمهوری اسلامی باید با تکیه بر منابع و امکانات داخلی و با کمک کشورهای دوست و متحد انقلاب ایران سیاست اقتصادی استقلال - طلبانه‌ای را جهت رفع وابستگی و پی‌ریزی صنایع مستقل ملی تنظیم نموده و به اجرا درآورد.

برای نگهداری فرزندان زنان کارگر باید در کنار کارخانه‌ها مهد کودک ایجاد شود!

اخیراً در روزنامه‌ها خواندیم که دفتر امور زنان و نوجوانان کارگر وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی اقداماتی در مورد ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک برای نگهداری فرزندان زنان کارگر انجام داده است. طبق گزارش این دفتر تاکنون کارگاه‌های دولتی و ملی شده و وابسته به بنیاد مستضعفان و وزارت صنایع و معادن جهت ایجاد مراکز مهد کودک و شیرخوارگاه شناسایی شده است تا طبق آئین نامه ایجاد مراکز مهد کودک و شیرخوارگاه جهت نگهداری فرزندان زنان کارگر، به ایجاد چنین مراکزی اقدام نمایند. در گزارش نام * چند کارخانه که در آنها مهد کودک دایر شده ذکر شده است و بعلاوه مطرح شده که به کارفرمایان جهت ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی و فرهنگی جهت نوجوانان و زنان کارگر در کارگاه‌ها توصیه و راهنمایی شده است. *

اقداماتی که توسط این دفتر انجام شده می‌تواند مورد تأیید ما قرار نگیرد، اما مسئله‌ای که بلافاصله پس از خواندن گزارش مطرح می‌شود این است که آیا برای زنان کارگر که امروز بخشی از نیروی کار کشور ما را تشکیل می‌دهند ایجاد چند مهد کودک کافی است؟

زنان کارگر میهن ما همچون برادران هم‌طبقه‌شان پشتشان زیر بارگران مسائل روزمره جامعه مثل گرانی، نبودن مسکن، بیمه، بهداشت، بازنشستگی، عدم رفاه و ایمنی دوتا شده است. همچنین زن کارگر در مقام یک زن و مادر مسئولیت رسیدگی به وضعیت خانه و خانواده تهیه مواد غذایی و نگهداری فرزندان را برعهده دارد. بعلاوه بمثابة "زن کارگر" با مشکلات بسیار زیادی روبرو هستند که بایستی برای رفع آنها اقدام جدی به عمل آید. زنان کارگر در مقابل کار مساوی با مردان از حقوق مساوی برخوردار نیستند.

* پنج کارخانه - کارخانجات دختانیات - مینو و ویتانا - ناسیونال و داروپخش ** روزنامه کیهان - چهارشنبه ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰

به خواست صیادان شمال باید رسیدگی شود



خانواده آنان دولت باید آنان را بیمه درمانی کرده و حق بازنشستگی قائل شود. ۵- با ملی شدن تجارت خارجی، وزارت بازرگانی باید کلیه ادوات صید را که در حال حاضر در بازار آزاد توسط محترکین به چندی برابر قیمت فروخته می شود و صیادان قادر به خرید آنان نمی باشند، در اختیار شوراهای اسلامی صیادان دو منطقه گیلان و مازندران قرار دهد.

واسطه ها (سماکها) که باعث گرانی و نوسان نرخ ماهی در عرض سال می باشند، شورای صیادان مسئولیت خرید ماهی از ماهیگیران و توزیع آن را با نظارت مسئولین امور به عهده داشته باشد. ۴- چون صیادان به مناسبت شغلشان با خطرات جانی زیادی در دریا روبرو هستند و همچنین در ایام کهولت قادر به صید نمی باشند، برای تامین

روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۶۰ نمایندگان ۱۲ هزار نفر از صیادان آزاد شمال با حضور مسئولین استان های مازندران و گیلان جلسه ای در دفتر شورای مرکزی استان مازندران واقع در نوشهر تشکیل داده و به بحث و تبادل نظر پیرامون مشکلات و خواست های خود پرداختند. در پایان ضمن تنظیم صورت مجلسی به امضای شورای اسلامی صیادان آزاد استان های مازندران و گیلان خواست ها و مطالبات عمده خود را طرح و جهت رسیدگی به وزارت کشاورزی و کمسیون های کشاورزی و شوراهای مجلس شورای اسلامی ارسال داشتند. ما با تاکید بر وضعیت اسفبار صیادان زحمتکش شمال و ضرورت رسیدگی هرچه فوری تر به خواست های آنان به درج این خواست ها اقدام می نمایم:

- ۱- کلیه وسائل صید از طرف دولت جمهوری اسلامی مستقیماً در اختیار شوراهای اسلامی صیادان آزاد قرار گیرد.
- ۲- قوانین صید و صیادی در همه جای دریای خزر یکسان باشد و استفاده از وسائل صید در استان های مازندران و گیلان با یک استاندارد مشخص رعایت گردد و زمان بندی منع صید به منظور تخم ریزی ماهی های فلس دار در هر دو استان در یک زمان به مورد اجرا درآید.
- ۳- به منظور قطع دست

آتش زدن مزارع زحمتکشان توطئه جدید فئودال ها

بخش ها معمولاً محل تجمع ضدانقلابیون بوده و مرکز طرح و تدارک انواع و اقسام توطئه ها علیه انقلاب است. متأسفانه عدم اجرای انقلابی، قاطع و همه جانبه اصلاحات ارضی و توقف موقت بندج و "د" علیرغم سیل طومارها، اعتراضات و انتقادات روستائیان، نیروهای انقلابی و هیئت های هفت نفره زمین ساز گسترش مجدد فعالیت زمینداران بزرگ و فئودال ها گردیده و کشاورزان زحمتکش را عملاً در مقابل فئودال ها خلع سلاح کرده است.

تازه ترین این توطئه ها آتش زدن خرمن ها و یا دروی بی موقع گندم های روستائیان توسط فئودال ها ارگان های انقلاب که در روستاها فعالیت دارند، باید به همراه شوراهای دهقانی هرچه زودتر با اتخاذ تدابیری اصولی جلوی این اقدامات ضدانقلابی و این ضایعات جبران ناپذیر را بگیرند. باید حرکات و اعمال فئودال ها در مناطق دقیقاً در نظر گرفته شود. باید گروه های حفاظت از گندمزارها، توسط شوراهای دهات با همکاری هیئت های هفت نفره از بین روستائیان تعیین گردیده و حفاظت و نگهداری محصولات را بر عهده گیرند. باید امکانات دروی هرچه سریع تر و جمع آوری گندم ها با تامین کمباین و همکاری نیروهای بسیج و مردمی فراهم گردد. باید وسیله و سوخت لازم جهت حمل محصولات به انبارهای روستائیان فراهم شود و با توطئه های زمینداران بزرگ که گاهی با ادعای مالکیت زمین های واگذار شده توسط هیئت های هفت نفره، اقدام به ایجاد درگیری و از بین بردن محصول می نمایند، برخوردی مسئولانه و جدی انجام گیرد.

فصل برداشت محصول غله کشاورزان زحمتکش آغاز گشته است. این روزها حاصل و نتیجه تلاش خستگی ناپذیر میلیون ها گندمکار کشورمان که امسال با کوششی همه جانبه برای افزایش تولید غله میهن اقدام به کاشت و داشت گندم نموده اند، به دست می آید و در شرایطی که توطئه های گوناگون امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی و خارجی آن و جنگ تحمیلی رژیم صدام، انقلاب را از هر سو تحت فشار قرار داده است و در اوضاع و احوال اقتصادی کنونی که کشور نیاز هرچه بیشتر به گندم دارد، زمینداران بزرگ و فئودال ها به مانند نوکران دیگر امپریالیسم آمریکا در در شهرها به انهدام مایحتاج مردم دست می زنند، اقدام به آتش زدن خرمن های روستائیان نموده و یا گندم های نارس را درو می نمایند.

ضدیت زمینداران بزرگ و فئودال ها با انقلاب، امروزه دیگر مسئله ای نیست که بر هیچکس پوشیده باشد. ضرورت مبارزه پیگیر و همه جانبه با آنها و لزوم قطع کامل نفوذ اقتصادی و سیاسی این دشمنان سوگند خورده انقلاب از روستاها که در هر مقطع و در هر شرایطی به راه های گوناگون توطئه های راه می اندازند، امروزه بیش از هر زمان دیگر احساس می گردد. فجایع و قتل و غارت روستائیان توسط زمینداران بزرگ، به راه انداختن تشنج و درگیری و حتی به مقابله کشاندن ارگان های انقلاب با زحمتکشان روستائی و دسیسه و اقدام مسلحانه علیه جهاد، سپاه و هیئت های هفت نفره، بطور روزمره در سراسر ایران توسط آنها تدارک دیده می شود و عملی می گردد. خانه های این مزدوران امپریالیسم در شهرها و

اقدامات مثبت

ستاد کشت کلاردشت

گندم متفاوت است. مثلاً به ازاء هر یک صد کیلوگرم گندم البرز اصلاح شده، یک صد کیلوگرم آرد و یا به ازاء همین مقدار گندم بومی پاک نشده هشتاد کیلوگرم آرد مبادله می شود. این عمل ستاد کشت مورد استقبال کشاورزان منطقه قرار گرفت و مشکلات آنها را در تهیه بذر مرتفع نمود و باعث افزایش سطح زیر کشت شد.

با توجه به خشکسالی سال زراعی ۵۹ - ۵۸ و کمبود بذر گندم، این ستاد اقدام به خرید بذر گندم از کشاورزان که مازاد بر احتیاج خود گندم داشتند، نمود. یکی از اقدامات مثبت اخیر این ستاد وارد نمودن آرد از مناطق اطراف جهت مبادله پای پای با گندم مازاد کشاورزان که قیمت آن افزایش یافته بود، می باشد. چگونگی این مبادله بر حسب نوع

برای به زیر کشت بردن هرچه بیشتر زمین ها و جهت خودکفائی و قطع وابستگی و رفع نیازهای کشاورزی از امپریالیسم جهانی، در منطقه کلاردشت از نیمه دوم سال گذشته ستادی به نام "ستاد کشت" تشکیل گردید. وظیفه این ستاد تهیه بذر گندم و در اختیار گذاشتن آن به کشاورزان منطقه و تشویق آنان به تولید بیشتر بود.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

باید قاطعانه جلوی توطئه‌ها و جنایات فئودال‌ها گرفته شود

توقف اصلاحات ارضی و تحریکات فئودال‌ها

مازندران - بابل

در دوران رژیم گذشته دهقانان زحمتکش روستای درون‌کلا از توابع شهرستان بابل ظلم و ستم بی‌شماری را از طرف "کلانتری" زمیندار بزرگ این‌ده تحمل کردند. وی که در دستگاه اداری و پلیسی رژیم شاه خائن نفوذ فراوانی داشت در سال ۴۴ حدود پنجاه هکتار از مراتع این روستا را غصب نموده و نه تنها جلوی استفاده روستائیان از این مراتع را می‌گرفت بلکه آب چشمه‌ای را هم که در آن قرار داشت بر روی مردم و احشام آنها بست. روستائیان مبارزی هم که در مقابل وی به مقاومت برخاسته بودند شدیداً توسط عمال او و مأمورین دولت سرکوب شدند بطوری‌که در درگیری سال ۴۴ یک‌نفر از دهقانان زحمتکش دچار ناراحتی روانی شده و یک‌نفر دیگر از ناحیه پا فلج گشت و عده‌ای هم توسط ژاندارمری دستگیر و روانه زندان شدند. پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم منفور شاه، دهقانان تاکنون با ایجاد جو متشنع زحمتکش درون‌کلا این و درگیری باعث رخمی شدن زمین‌ها را مصادره کرده و با چند تن از زحمتکش‌ها شده کمک جهادسازندگی اقدام به است.

که از زمان توقف اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شروع شده و تاکنون ادامه داشته و بی‌شک تا آن زمان که وضع به همین منوال باشد، ادامه خواهد یافت. مردم ما از مسئولین جمهوری اسلامی می‌پرسند: چه کسانی مسئول این همه توطئه‌هایی هستند که تیشه به ریشه انقلاب خونبارمان می‌زند؟ چه کسانی پاسخگوی خون‌های زحمتکشانی است که بناحق بر خاک می‌ریزد؟ چرا قاطعانه دست این جنایتکاران و ضدانقلابیون را از سر مردم و انقلاب ما کوتاه نمی‌کنید؟ تا کی این وضع اسفبار ادامه خواهد یافت؟ آیا جلب رضایت یک مشت لیبرال سازشکار، روحانی مرتجع و فئودال جنایتکار تا این حد برایتان اهمیت دارد که حاضرید پشتیبانی میلیون‌ها دهقان زحمتکش را که یکی از ستون‌های این انقلاب است از دست دهید؟ مردم انقلابی ما، دهقانان زحمتکش ما همه و همه فریاد می‌زنند با اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی ریشه این بی‌عدالتی‌ها، جنایت‌ها و خیانت‌ها را بخشکانید و دست خون‌آلود فئودال‌ها و خوانین و زمینداران بزرگ را از سر روستائیان زحمتکش کوتاه گردانید.

فئودال‌های جنایتکار صدیف‌خان، اسکندر و محمدخان رحیمی به دهقانان زحمتکش روستای قره‌داش از توابع هشتر که به شهادت یک زن زحمتکش و زخمی شدن ۹ نفر دیگر انجامید، یورش وحشیانه جانی‌خان منوچهری ساواکی معروف از زندان آزاد شده با حمایت ژاندارمری و دادگاه انقلاب شیراز به زحمتکشان روستای بوکان منطقه کمین فارس، حمله حاجی‌هاشم و حاجی قاسم طباطبائی فئودال‌های روستای مکتو از توابع هشتر با پشتیبانی عناصر قشری و کمک ژاندارم‌ها به دهقانان زحمتکش این روستا، قتل ناجوانمردانه روحانی مبارز مولوی حسین‌بر و ۳۳ تن از افراد ژاندارمری بلوچستان به دست سردارها و خوانین ضدانقلابی منطقه، آتش‌زدن خرمن‌های دهقانان اطراف قم و ... و تازه‌ترین جنایت آنها یعنی به شهادت رساندن ۵ تن از دهقانان روستای آبسردان بخش لوداب از توابع بویراحمد توسط حبیب‌خان بهادر از عاملین کودتای نافرجام نوزده که قبلاً نیز دهقان زحمتکشی به‌نام شیرو در روستای تامرادی را به شهادت رسانده بود. اینها و دهها نمونه نظیر آن از سلسله توطئه‌ها و جنایاتی هستند

این روزها مردم میهن ما شاهد یکسری جنایت‌های نفرت‌انگیز و توطئه‌های ننگین خوانین، فئودال‌ها و زمینداران بزرگ ضدانقلابی علیه مردم رنج‌دیده و زحمتکش می‌باشند. این اعمال ادامه همان حرکات خائنانه‌ای است که خوانین و فئودال‌ها از مدتها پیش آغاز کرده‌اند، از همان زمانی که مسئولین جمهوری اسلامی با تزلزل‌ها و ندانم‌کاری‌های خود تسلیم تبلیغات لیبرال‌ها و هوچی‌گری‌های روحانیون مرتجع شده و اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی را متوقف ساختند و بدین ترتیب فرصت و امکان کافی به سران ضدانقلابی عشایر، سردارها، خوانین و فئودال‌ها دادند تا با کمک امپریالیسم امریکا، دولت‌های مرتجع منطقه و دیگر ضدانقلابیون داخلی متشکل و مسلح شده و با خیال راحت به جان و مال دهقانان زحمتکش، اعضای هیئت‌های هفت‌نفره، پاسدارها، ژاندارم‌ها و ... یورش برند. تزلزل روحانی و ناجوانمردانه اعضای هیئت‌های هفت‌نفره در جیرفت، گلپایگان و سنندج، شهادت چندین پاسدار در درگیری با خوانین فارس، آرزیدن یک روستائی توسط فتح‌اله شادلو در روستای شیرآباد بجنورد، حمله

کشاورزان زحمتکش

با همیاری و همکاری نزدیک با شوراهای دهقانی خود و هیئت‌های هفت‌نفره و با تشکیل گروه‌های حفاظت از محصولات زراعی و جلوگیری از ضایع شدن آنها و با گزارش توطئه‌های زمینداران بزرگ به ارگان‌های انقلابی، گشتزارها را به سنگری دیگر علیه امپریالیسم امریکا و همه مزدوران و وابستگان به آن تبدیل کنید.

کارگران مبارز ایران!

با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار جبهه انقلاب را تقویت کنید

تقسیم نموده و کشت می‌نمایند اما اکنون با توقف بند "ج" و "د" و قانون اصلاحات ارضی، فئودال‌ها شروع به توطئه‌چینی نموده و با علم‌کردن فردی از روستا با ادعای اینکه زمین‌ها بایر نبوده و در اجاره وی قرار داشته است می‌خواهند زمین‌ها را از اختیار دهقانان زحمتکش به‌در آورند. روستائیان زحمتکش تاکنون با اتحاد خود جلوی این کارشکنی‌ها را گرفتند و چندین بار نیز به مقامات دولتی شکایت کردند ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفتند. آنها خواهان اجرای کامل اصلاحات ارضی هستند تا از این طریق جلوی هرگونه توطئه و کارشکنی فئودال‌ها و زمینداران بزرگ گرفته شود.

با اجرای کامل اصلاحات ارضی

توطئه فئودال‌ها را خنثی کنید

بروجرد - روستای دوسر:

خاطر نامرغوب بودن زمین‌های خود مجبور به اجاره بخشی از زمین‌های فئودال‌ها می‌شدند و این وضع تا سال ۴۹ ادامه داشت و از آن به بعد فئودال‌ها از اجاره دادن زمین خودداری نموده و در نتیجه زمین‌ها بایر ماندند. بعد از انقلاب دهقانان زحمتکش به کمک یکدیگر زمین‌های بایر را از طریق شورای ۵ نفره‌ای که تشکیل داده بودند، بین خود

دوسر روستائی است در ۱۵ کیلومتری جنوب بروجرد زمین‌های این روستا قبلاً در تملک دو تن از خوانین و زمینداران بزرگ منطقه به نام‌های محمدخان و مهرعلی خان یاراحمدی قرار داشت. پس از اصلاحات ارضی فرمایشی شاه مرغوب‌ترین بخش اراضی مزروعی در تملک فئودال‌ها باقی ماند و بخش‌های نامرغوب آن در اختیار دهقانان صاحب نسق قرار گرفت ولی دهقانان به

ترکمن صحرا

دومین برداشت شورایی گندم
بر زحمتکشان ترکمن صحرا
مبارکباد



بیش از دو سال از مبارزات قهرمانانه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا که با تشکل در شوراهای دهقانی و پیشبرد قاطعانه امر اصلاحات ارضی، پیشاپیش زحمتکشان رستاهای سراسر کشور پرچم مبارزه علیه فئودالیسم و زمینداری بزرگ را برافراشتند، می‌گذرد. این مبارزات پرشکوه تاثیرات عظیمی در روند تعمیق و گسترش پایه‌های انقلاب خونبار مردم ما و نابودی بخشی از پایگاه داخلی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا داشته و الهام‌بخش مبارزات دهقانان سراسر کشور بوده است.

این روزها نیز زحمتکشان ترکمن صحرا با شور و شوق در حال برداشت دومین محصول گندم شورایی خود هستند و نیک واقفند که در عرصه‌های دیگر، عرصه کار و تولید جبهه نیرومندی علیه تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم امریکا و دست‌نشاندهانش گشوده‌اند.

شوراهای دهقانی که تا امروز شایستگی خود را در رهبری مبارزات دهقانان

نشان داده‌اند، اکنون نیز در امر سازماندهی برداشت و حفاظت از محصول درو شده و توزیع عادلانه درآمد حاصل از آن بین زحمتکشان نقشی تعیین‌کننده و با اهمیت ایفاء می‌کنند. نهادهای انقلابی و ارگان‌های دولتی منطقه نظیر فرمانداری، هیئت ۷ نفره واگذاری زمین، جهاد سازندگی، دادستانی انقلاب مرکز شوراهای اسلامی، اداره کشاورزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان تعاون و امور روستاها نیز با تشکیل "هیئت برداشت محصول" به هماهنگ ساختن و تشدید فعالیت‌های خود در جهت کمک و راهنمایی روستائیان پرداخته‌اند.

همچنین مقرر گردید که ۱۰٪ از مقدار محصول هر روستا برای عمران و آبادی در اختیار شورای روستا گذاشته شود که امری است بسیار مثبت و اصولی.

ما با آرزوی موفقیت برای همه زحمتکشان و نیروهای انقلابی، دومین برداشت شورایی گندم را به دهقانان منطقه شادباش می‌گوئیم.

به‌خواست‌های اجتماعی روستائیان باید رسیدگی شود

خدمات بهداشتی، آموزشی و فرهنگی خواست روستائیان بروجرد - روستای بیاتان:

سراسر کشور است

آشامیدنی، برق، جاده و امکانات کشاورزی مثلا آب‌کافی برای زمین‌های زیر کشت به علت کپ‌شدن یا ریزش قنوت، خواستار فرستادن هیئتی برای بررسی مشکلات و محرومیت‌های این روستا و چاره‌اندیشی برای آن شدند.

اهالی روستای بیاتان اولیا از توابع شهرستان بروجرد طی ارسال طوماری برای مقامات جمهوری اسلامی ضمن تشریح وضعیت اسفبار جمعیت ۱۰۰۰ نفری روستای خود، مشکلات عمده خویش را که عبارتست از فقدان حمام، مدرسه، بهداشتی، آب

تخریب گودها بدون تامین مسکن مناسب برای ساکنان آنها

خدمت بی به تبدیل انقلاب است

مقابله با مسئله گودنشینی بخشی از مقابله با مشکل بزرگ مسکن و در گرو حل بسیاری از مشکلات اساسی است و مقابله با مشکل مسکن هماهنگی و برخوردی بنیادین می‌طلبد که باید در همه‌جوانب آن به اجرا درآید اکنون پروژه‌های ساختمانی گران‌قیمت چند ده‌میلیونی باز از سر گرفته شده است و از سوی دیگر مشکلات اساسی مردم با چشم‌پوشی رها می‌شوند و طرح اسکان گود نشینان به خرید خانه از صاحبان آن تبدیل شده است به اعتقاد ما تخریب گودها آنگاه می‌تواند گامی مثبت به حساب آید که نخست برای

شهری و بسیاری از نیازمندی‌های دیگر وضع طاقت‌فرسا و نابهنجار سکونت در گود را حدت بیشتری می‌بخشد. این نشانه‌های بحران مسکن به‌هیچ روی نمی‌تواند و نمی‌باید که ادامه یابد. اما طرح جدید، راه مقابله با این مسئله نیست. البته در ماه‌های پس از انقلاب بهمن که تا حدودی حل مسائل جامعه، خارج از روند اداری یا نظم کهنه رژیم قبلی توسط نهادهای انقلابی صورت می‌گرفت، در حدود ۶۰۰ خانواده در خارج از گود اسکان یافتند ولی بعدها این روند کاهش یافت و به‌طرح فوق تبدیل

بر اساس طرحی که چندی است به اجرا درآمده، دولت خانه‌های گود را از صاحبان آنها خریده و پس از سوراخ کردن سقف و غیرقابل زیست کردن آنها محله به محله گودها را تخریب و تسطیح می‌کند و در این میان دهها هزار نفر ساکنین مستاجر گود آواره می‌شوند بی‌آنکه محلی برای سکونت آنها در نظر گرفته شود. این مستاجران که اغلب از پائین‌ترین اقشار زحمتکشان می‌باشند، از طرق گوناگون به مراجع قضایی و کشوری شکایت برده و خواسته‌اند که جلوی تصویب و اجرای این طرح گرفته شود چرا که



ساکنان آنها تدبیری اندیشیده شده باشد. بیرون راندن مردم زحمتکش و محروم از این سکونت‌گاه‌ها که به‌هیچ روی شایسته انسان نیست، بدون فراهم ساختن سکونتگاهی دیگر، افزودن به مصیبت این بخش از هم‌میهنان زحمتکش ما است.

این طرح نیز نشانه و نتیجه‌ای از تعلل دولت در اتخاذ سیاستی اساسی در زمینه تامین مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان است. بی‌توجهی به مسئله حاد مسکن کارگران و زحمتکشان میهن، مغایر نیازها و ضروریات انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن است.

شد. مهندس نیکروش شهردار تهران طی مصاحبه‌ای در کیهان (۱۰ خرداد) در این باره گفت: "در مورد گودنشینان جهت خرید خانه‌های گود، پول را به صاحب‌خانه داده‌ایم نه مستاجران. باید توجه داشت که ما کسی نیستیم که عهده‌دار حل مسئله مالکیت در ایران باشیم" و درست از همان روی که هیچ کس عهده‌دار مقابله اساسی با مسئله نیست چنین ندانم‌کاری‌ها مطرح و عنوان می‌شوند. آیا با اجرای این طرح و اخراج مستاجران متعددی که ساکن این گودها هستند، کپرها و آلونک‌های خارج از محدوده گسترش نخواهد یافت؟

با این قیمت‌های سرسام‌آور اجاره‌خانه به‌هیچ روی دیگر قادر به تامین مسکن برای خود و خانواده‌شان نیستند. به‌اعتقاد ما نیز چنین طرحی نمی‌تواند در مسیر خواسته‌های زحمتکشان باشد و گرهی از مشکلات موجود را بگشاید.

پنجاه سال است که گودهای کوره‌آجرپزی جنوب تهران دهها هزار نفر از مهاجرین روستائی را در خانه‌هایی ساخته از خشت و گل و چوب و حصیر در خود جای داده است. این خانه‌های کهنه، فرسوده، مرطوب و غیربهداشتی هنوز یکصد هزار نفر را در خود انباشته است. تراکم بیش از حد تحمل گودها با نبود اماکن عمومی و زیرساخت‌های

(قسمت اول)

امپریالیسم ژاپن

متحد اصلی امریکا در قاره آسیا

این است که از طریق منشور جدید پیمان "ناتو" امپریالیسم ژاپن را به عضویت در این بلوک نظامی وارد کرده و وظایف تجاوز - کارانه امپریالیستی بیشتری را به عهده آن بسپارد.

امپریالیسم ژاپن علاوه بر پیمان‌های سیاسی - نظامی با امریکا از طریق کمیسیون سه جانبه (ترای لاترال) در طرح‌ریزی سیاست‌های امپریالیستی مشارکت فعال دارد.

انحصارات ژاپنی که از طریق صدور سرمایه و غارت منابع کشورهای تحت سلطه ثروت‌های بیکیفرانی اندوخته‌اند، نقش فعالی در سرمایه‌گذاری در کشورهای "جهان سوم" ایفاء نموده‌اند در سال ۱۹۷۵ تعداد انحصارات بین‌المللی ژاپن ۶۱ عدد بوده است که جمعا ۵۶۲ کمپانی کوچک‌تر در خارج از ژاپن را تحت کنترل داشته‌اند.

در سالهای اخیر تعداد این کمپانی‌ها به سرعت فزونی یافته است در سال ۱۹۷۶، از ۱۰۵ انحصار غول پیکر غارتگر امپریالیستی، ۴۷ انحصار آمریکائی، ۳۵ انحصار اروپای غربی و ۱۱ انحصار ژاپنی بوده‌است و در حال حاضر از مجموعه ۶۵۰ انحصار بین‌المللی بزرگ، ۵۶۷ انحصار به ۵ کشور آمریکا، انگلستان، آلمان غربی فرانسه و ژاپن تعلق دارند. تمامی این انحصارات بنوعی در غارت کشورهای توسعه نیافته جهان سهیم هستند. هر یک از این انحصارات می‌کوشند حوزه‌های نفوذ گسترده‌تری در این کشورها بدست آورد، و در جهت تحکیم وابستگی آنها به اردوی امپریالیستی جهانی عمل نمایند.

گذرا از "معجزه اقتصادی" به مشکلات اقتصادی در خلال دهه پس از جنگ جهانی دوم اقتصاد ژاپن از رشد نسبتا بالایی برخوردار شد که این امر در اثر یک سلسله عوامل گذرا همچون نرخ بالای انباشت سرمایه، و تأثیر فعال بر بازارهای جهانی پدید آمده بود.

نظریه پردازان و مبلغان جهان سرمایه‌داری کوشیدند رشد اقتصادی ژاپن را در این سال‌ها بعنوان نمونه "معجزه اقتصادی" سرمایه‌داری معرفی کرده و آنرا شاهدی برای امکان تکامل بدون بقیه‌در صفحه ۲۵

انقلابی موجد و گویای این مسئله است. اما متأسفانه علیرغم واقعیات عینی، زنده و ملموس جهان ما که شناخت و درک آن هم احتیاج به معلومات خاص و ویژه‌ای ندارد، برخی مقامات دولت جمهوری اسلامی که خود را پای‌بند به انقلاب می‌دانند، همچنان به تکرار نظریه زنگار گرفته و ارتجاعی "دو ابر قدرت" که ساخته مائوئیست‌ها، پرداخته امپریالیسم و دوستان و یاران لیبرال آنها در میهن ماست اصرار می‌ورزند. این نظریه اتحاد شوروی را که مدافع استقلال میهن ما و مبارزات خلقهای جهان علیه امپریالیسم است، هم‌ردیف امپریالیسم غارتگر امریکا قلمداد کرده و در مقابل، شرکاء و متحدان امریکا را با عباراتی چون "سرمایه‌داران ولی استعمارگر نیستند!"، "ایران و ژاپن کشورهای هستند که بخاطر فرهنگ شرقی مشترک، نزدیکی‌هایی دارند!" و "یا" ما روابط اقتصادی عادلانه برقرار می‌کنیم"؟! و غیره تطهیر می‌نمایند و به توجیه روابط اقتصادی - سیاسی با ژاپن و امپریالیست‌های اروپائی می‌پردازند. تجربه چین که مائوئیست‌های حاکم بر آن نظریه - پردازان اصلی این تئوری ارتجاعی هستند، در مقابل ماست. همه می‌دانند که دولت چین چگونه با در پیش گرفتن این سیاست اکنون دست در دست ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی به خلقهای جهان خیانت می‌ورزد.

اگر درس عبرتی باید گرفته شود، این مثال به تنهایی کافیهست. پافشاری و اصرار کور بر این سیاست اگر از روی ناآگاهی و جهل باشد چیزی جز شکست انقلاب به بار نمی‌آورد و اگر آگاهانه باشد - کاری که مائوئیست‌ها و لیبرالهای وطنی به تبع امپریالیسم در پی آن هستند - خیانت آشکار به انقلاب خونبار مردم میهن ماست.

ما وظیفه خود می‌دانیم برای روشن‌تر کردن مسئله، مقالاتی در این زمینه منتشر نمائیم. باشد تا کسانی که خواهان پیشبرد انقلابند، با درک صحیح مسئله از پافشاری لجوجانه در برابر واقعیت دست بردارند.

این بخش اعظم نیازهای نظامی ژاپن مستقیما توسط امریکا تامین می‌شود. لازم به یادآوری است که نقش امپریالیسم ژاپن به عنوان پایگاه اصلی تجهیزات و تسهیلات امریکا در جنگ‌های تجاوزکارانه کره و ویتنام، زمینه‌های بی‌شماری برای همکاری‌های تکنولوژیک دو کشور فراهم آورد و سرمایه - داران ژاپنی از این طریق سودهای هنگفتی به جیب زدند. به عنوان مثال برخی از منابع ژاپنی سود کلی سرمایه‌داران ژاپن را در اوج جنگ ویتنام بالغ بر ۲ میلیارد دلار تخمین زده‌اند. امپریالیسم ژاپن در سراسر جنگ ویتنام حمایت‌های مالی و نظامی بسیاری از دولت دست‌نشانده ویتنام جنوبی به عمل آورده و پایگاه‌های نظامی خود را بمثابة مرکز هدایت جنگ در اختیار امپریالیسم امریکا قرار داده بود. در حال حاضر نیز استراتژی امپریالیسم امریکا

شیمیائی و ۶ موسسه بزرگ داروئی فعالیت می‌کنند. بیش از نیمی از بازار صنایع نفت ژاپن تحت کنترل سرمایه‌های خارجی قرار دارد و بزرگترین کمپانی فروش تولیدات نفتی ژاپن یعنی "نیپون ایل کو" با کمپانی غول پیکر امریکائی "کال تکس" شریک است. کمپانی امریکائی آی بی ام بیش از ۷۰ درصد از بازار فروش ماشین‌های کامپیوتری ژاپن را در اختیار دارد. در حوزه صنایع اتومبیل‌سازی نیز ۳۵ درصد از سهام کارخانجات میتسوبیشی در اختیار کرایسلر امریکائی و نیز همچنین ۳۴ درصد از سهام کارخانجات کامیون‌سازی ایسوزو در اختیار جنرال موتورز قرار دارد. در زمینه فعالیت‌های صنعتی - نظامی بزرگترین قرارداد بین جنرال الکتریک امریکا و کمپانی هیتاچی در مورد ساختمان موتورهای جت انعقاد یافته است و علاوه بر

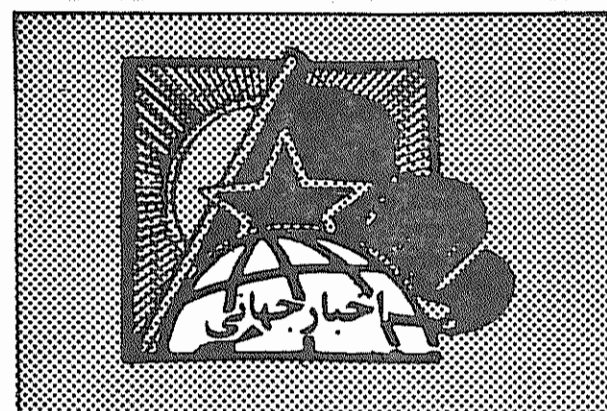
واقعیات زندگی روزمره جهان ما هر روز بیشتر و بیشتر این حکم علمی و واقعیت آشکار را که امپریالیسم جهانی پیگیره واحدی است که سرگردگی آن را امپریالیسم امریکا دارد و دول امپریالیستی اروپا، کانادا و ژاپن اعضای آن هستند، با وضوح و روشنی هرچه تمام‌تر به خلقها و مبارزینی که پای در راه مبارزه با امپریالیسم می‌گذارند، نشان می‌دهد. خلق دلاور ما در همین دو سال و اندی که از انقلاب می‌گذرد، بگرات دشمنی مشترک امپریالیست‌های امریکائی، اروپائی و ژاپنی را با اهداف استقلال طلبانه و خلقی انقلاب خود تجربه کرده‌است. مردم ما دیده‌اند که اگر محاصره امپریالیستی علیه انقلاب وجود دارد، اگر غارتگری اقتصادی، استثمار و حشایانه کارگران و زحمتکشان شانناژ و ارباب سیاسی، تجاوزگری و جنگ‌افروزی و خلاصه هر طرح و توطئه ضدانقلابی علیه انقلاب خلق ما و خلقهای سراسر جهان وجود دارد، گل اردوگاه امپریالیسم از امریکائی جنایتکار گرفته تا امپریالیست‌های اروپائی و ژاپن همگی در اجرا و پیشبرد آن دینفع بوده و آن را مشترکا به اجرا در می‌آورند.

در مقابل، خلق ما و همه خلقهای جهان در هر گام مبارزاتی خود حمایت و همبستگی بی‌دریغ و همه‌جانبه نیروهای انقلاب جهانی یعنی اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های آزادیبخش ملی را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. آنها به عین می‌بینند که نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی جهان ما که برای یک هدف مشترک یعنی بهروزی و سعادت انسان‌ها، ساختمان جامعه‌ای نو، عاری از ستم طبقاتی و هرگونه تبعیض می‌رزمند، متحدین ثابت قدم و پایدار آنها در مبارزه‌شان هستند. صدها نمونه از کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به انقلاب فلسطین، به مبارزات خلقهای عرب، به دولت‌های موقتی چون لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک و کم‌کم‌های بی‌دریغ آنها به انقلابات ویتنام، کوبا، آنگولا و... گرفته تا همبستگی خلقهای مبارز جهان با سایر نیروهای

امپریالیسم ژاپن جزئی از بیکره امپریالیسم جهانی

این کشور پرداختند. صنایع تسلیحاتی ژاپن که در سال ۱۹۴۵ به کلی نابود شده بود بار دیگر با همکاری مجتمع‌های صنعتی نظامی اردوگاه امپریالیستی بازسازی شد. سرمایه‌های امریکائی بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در اقتصاد ژاپن تشکیل داده‌اند. بر اساس آمارهای رسمی دولت ژاپن در اواخر دهه هفتاد، کمپانی‌های غول پیکر امریکائی کنترل ۶۱ درصد از موسسات خارجی را که مشغول فعالیت در ژاپن هستند در اختیار دارند. از ۲۰۰ کمپانی بزرگ امریکائی ۸۳ کمپانی در ژاپن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. از جمله در بخش‌های کلیدی اقتصاد ژاپن ۱۲ شرکت بزرگ الکتریکی، ۱۱ کمپانی عظیم نفتی، ۱۰ شرکت صنایع

پس از جنگ جهانی دوم که به شکست کامل اردوی امپریالیستی آلمان، ژاپن و ایتالیا انجامید، بازسازی اقتصاد ژاپن آغاز شد و سیل سرمایه‌های خارجی و به‌ویژه سرمایه‌های امریکائی بدین کشور سرازیر گردید. انحصارات جهانخوار غرب که از پیروزی انقلاب خلقهای ویتنام، چین و کره و... به وحشت افتاده بودند، ژاپن را در محاسبات آنتی‌کمونیستی خود وارد کردند و به آن به‌عنوان اصلی‌ترین تکیه‌گاه امپریالیستی در منطقه می‌نگریستند. این انحصارات چند ملیتی و بانکداران بزرگ بین‌المللی که در ژاپن زمینه‌های مناسب برای گسترش فعالیت خویش می‌یافتند، به احیای اقتصاد سرمایه‌داری



۹ ژوئن گرامی باد

۹ ژوئن (۱۹ خرداد) مصادف با آغاز نبرد خلق دلاور عمان علیه رژیم وابسته قابوس برای ساختن سرزمینی آباد، آزاد و دمکراتیک است. عمان یکی از پایگاه‌های عمده امپریالیسم در منطقه می‌باشد. انقلاب پرشکوه و خونبار مردم ایران باعث شد یکی از دشمنان دیرینه خلق عمان و تمامی خلقهای منطقه یعنی رژیم شاه سرنگون گردد. لیکن هم‌اینک در غیاب سربازان شاه امریکائی در عمان، نیروهای مزدور دیگری از جمله مزدوران امریکائی، انگلیسی و برخی کشورهای عربی به سرکوب خلق دلاور عمان مشغولند.

علیرغم گستری که در روند رو به اعتلاء انقلاب عمان پدید آمد، امروزه مردم عمان و سازمان انقلابی‌شان "جبهه خلق برای آزادی عمان" برآنند که با درس‌گیری از تجارب گذشته تا سرنگونی رژیم وابسته قابوس و تا بیرون کردن مزدوران امپریالیسم لحظه‌ای از پای ننشینند. در شانزدهمین سالگرد انقلاب ۹ ژوئن، ضمن گرامیداشت این روز، برای انقلاب عمان پیروزی و برای مردم عمان بهروزی و موفقیت‌آرزومندیم.

پیام شخصیت‌های مذهبی اتحاد شوروی به رهبران و پیروان کلیه ادیان جهان

در روز اول ژوئن روسا و نمایندگان کلیساها و اتحادیه‌های مذهبی به دعوت "مطرن پیم" خلیفه اعظم مسکو و سراسر شوروی در صومعه تثلیثی سرگی در حومه مسکو گرد آمدند و طی دیدار خود به بحث پیرامون مسئله صلح و سیاست‌های جنگ‌افروزان امپریالیسم پرداختند. در این دیدار روسا و نمایندگان ادارات امور دینی بودائیان، یهودیان شوروی اداره امور دینی مسلمانان شوروی، نمایندگان کلیساهای ارتدوکس ارمنه و گرجی و روی، شورای سرتاسری مسیحیان، پابتیست‌های انجیلی، کلیسای پروتستان انجیلی، کلیسای کاتولیک رم و کلیساها و انجمن‌های مسیحیان اهل سنت‌های قدیم مسیحی شرکت داشتند. در پایان دیدار پیامی "خطاب به رهبران و پیروان کلیه ادیان در خصوص مسائل خلع سلاح و تحکیم صلح میان ملت‌ها" به امضای شرکت‌کنندگان رسید. در بخش‌هایی از پیام آمده است:

"ما اکنون در مرکز دینی قدیمی کلیسای ارتدوکس روس اجتماع نموده‌ایم تا مجدداً نگرانی عمیق خود را از وضع فعلی مناسبات بین‌المللی که خطر واقعی بروز جنگ هسته‌ای را در بر دارد، ابراز داریم.

... در این اوضاع خطرناک بین‌المللی دعوت رئیس کشور شوروی که مشحون از توجه گرم و عمیق

نسبت به صلح جهانی بود، ظنین خاصی پیدا کرد. رئیس دولت شوروی طی مراجعه به تمامی کشورها و ملت‌های جهان پیشنهادات جدیدی ارائه داد که وسائل واقع‌بینانه‌ای برای حل و فصل دشوارترین مسائل عصر پیش‌بینی می‌کنند.

دیدار نخست وزیر چین از پاکستان

نخست‌وزیر چین که برای یک دیدار رسمی وارد پاکستان شده بود، به دیدار خود از این کشور پایان داد. زائوزیانگ نخست‌وزیر چین پس از مذاکره و گفتگو با ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان به همراه او از یک اردوگاه ضدانقلابیون افغانی مستقر در خاک پاکستان بازدید کرد. او در این بازدید اعلام کرد که دولت چین تاکنون به باندهای ضدانقلابی افغانی مقدار متناهی کمک مالی کرده است.

همچنین نخست‌وزیر چین در یک مصاحبه مطبوعاتی حمایت کامل خود را از رژیم دیکتاتوری پاکستان اعلام و گسترش نیروی نظامی این کشور را مورد تأکید قرار داد. در ده سال اخیر چین بیش از ۲ میلیارد دلار اسلحه به پاکستان تحویل داده است.

کمک شوروی

در ساختمان بزرگترین پالایشگاه نفت کوبا

در کوبا اعلام شد در یکی از شهرهای این کشور با کمک فنی اتحاد شوروی ساختمان پالایشگاه نفت آغاز گردیده است. تاسیس این پالایشگاه یکی از طرح‌های عظیم کوبا می‌باشد که در دوره پنجساله جاری پیاده خواهد شد. این پالایشگاه سالیانه نزدیک به شش میلیون تن نفت را پالایش خواهد کرد که برابر مقدار نفتی است که اکنون در کوبا تصفیه می‌شود.

دولت ژاپن ورود ناو هواپیما برای آمریکا را خوش آمد گفت

سرانجام در میان اعتراض شدید مردم ژاپن و به همراه خوش‌آمدگویی‌های مقامات دولت ژاپن که وزیر مشاور خود را برای خیر مقدم گفتن به ناو هواپیما بر میدوی به یوکوساکا فرستاده بودند این ناو اتمی در بندر یوکوساکا لنگر انداخت. در عین حال راهپیمائی‌ها، میتینگ‌ها و نمایشات اعتراضی گسترده مردم ژاپن در مخالفت به تبدیل این کشور به پایگاه سلاح‌های هسته‌ای آمریکا همچنان ادامه دارد. در طی هفته گذشته بیش از یک میلیون ژاپنی با شرکت در برنامه‌های گوناگون، به سیاست دولت ژاپن اعتراض کرده‌اند.

اسرائیل خود را

آماده حمله به سوریه می‌کند

دولت اسرائیل به عملیات تجاوزکارانه خود علیه لبنان همچنان ادامه می‌دهد. به موازات گسترش دامنه بمباران شهرها و اردوگاه‌های فلسطینی اسرائیل در پی آن است که زمینه را برای تجاوز مسلحانه به خاک سوریه فراهم کند. شبکه تلویزیونی (ای بی سی) آمریکا گزارش کرده است که اسرائیل موشک‌های امریکائی خود را در مناطق اشغالی جنوب لبنان مستقر کرده است. در پی سفر فیلیپ حبیب نماینده ویژه

امپریالیسم امریکا برای به اصطلاح حل و فصل اختلافات و کاهش بحران موجود، رهبران و مقامات ترقیخواه و انقلابی عرب به کرات مخالفت خود را با این "صلح‌جوئی‌ها" اعلام و از پیشنهاد لئونید برژنف که در کنگره ۲۶ حزب کمونیست این کشور ابراز گردیده، استقبال کرده‌اند. اخیراً یاسر عرفات در رابطه با برقراری صلح در خاورمیانه اظهار داشت که حل مسئله صلح در خاورمیانه در بینشهادهای سازنده لئونید برژنف می‌باشد. او تأکید کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین این پیشنهادها را تصویب کرده است.

اخبار کوتاه

* نزدیک به ۱۵۰ هزار انگلیسی که اکثریت آنان را بیکاران تشکیل می‌دادند، در تظاهرات پرشکوهی به سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دولت انگلستان اعتراض کردند.

* تعداد قربانیان بیماری ریوی ناشی از نشر ویروس سلاح‌های میکروبی پایگاه هوایی امریکا در خاک اسپانیا به ۲۲ نفر رسید.

* دولت انگلستان در آینده نزدیک ۶۰۰ تفنگدار دریائی دیگر را به منظور سرکوب مبارزات مردم ایرلند شمالی به این سرزمین خواهد فرستاد.

* تعداد بیکاران امریکا به ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسید.

میدان بزرگ ماه مه

خورشید

سر ریز می‌شود از لایه‌های ابر

و باران رنگین‌گمانی می‌بارد

در سایه‌بازی نور

بر میدان ماه مه

جنگل سرود رهائی

می‌روید از گلوی زحمتگشان:

"... روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

انترناسیونال است، نجات انسان‌ها"

مشت‌ها پرچم غرور است و اطمینان -

و بی‌هیچ درنگی، زمان

در عمق قاطعیت خود جاری است.

چارچیان سرمایه

با چماق و دشنه و نارنجک

در حاشیه میدان ماه مه

گرد آمده‌اند

و قارچوارهای از دود و خون

متن سرود را رنگ می‌زند

سرخترین خشم، آواز

شاخه می‌گستراند و

بر حاشیه تاریخ

حباب‌های پوک می‌ترکند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

تجارت خارجی را چگونه باید ملی کرد؟

انحصارات امپریالیستی است در شماره‌های پیشین نشان دادیم که وابستگی اقتصادی یعنی قرار گرفتن در تقسیم کار جهانی تحمیلی امپریالیسم و نیز نشان دادیم که تجارت خارجی استادهای وابسته چون ایران، نه تنها نشانه‌های ارتداد گرفتن در چنین تقسیم کار و تابعیتی است، بلکه خود از عوامل مهم بوجود آورنده و تشدید کننده وابستگی است. بنابراین، این واضح و مسلم است که در چارچوب اهداف مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن، ملی کردن تجارت خارجی، یعنی قراردادن تجارت در دست دولت، اساساً برای قطع پیوندهای وابستگی به انحصارات امپریالیستی است. این مفهوم است که بی تردید باید در طرح ملی کردن تجارت خارجی جای داشته باشد و شرایط تحقق یافتن آن نیز فراهم شده باشد.

اساسی ترین شروط برای تحقق این مفهوم در طرح ملی کردن تجارت خارجی (الف) تعیین سمت و سوی اصلی تجارت خارجی دولتی و (ب) خلع ید کامل از سرمایه‌های بزرگ و وابسته است.

(الف) تعیین سمت و سوی اصلی تجارت خارجی دولتی، برای آن که طرح ملی کردن تجارت خارجی بتواند به‌عنوان ابزاری در جهت قطع وابستگی به کارآید باید در آن بر این نکته صریحاً تأکید گردد که تجارت خارجی باید اساساً با کشورهای دوست و حامی انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک ایران باشد. این

ملی کردن تجارت خارجی یک شعار بی محتوا نیست که لیبرالها بتوانند آن را به خدمت خود گیرند و به ابزاری برای تقویت و تحکیم سرمایه‌های بزرگ بدل کنند. ملی کردن تجارت خارجی ضرورتی است در راه قطع وابستگی و جزئی اساسی از سیاست مقابله با بیکاری و گرانی. درک این اهداف در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک میهن ما است که مضمون دقیق سیاست ملی کردن تجارت خارجی و چگونگی انجام آن را روشن می‌کند.

ملی کردن تجارت خارجی یکی از اجزای برنامه همه جانبه اقتصادی است که حدا از دیگر اجزای آن نه معنای درست خود را خواهد یافت و نه در صورت اجرا با موفقیت کامل قرین خواهد بود. نمی‌توان از صنایع مادر غفلت کرد. صنایع وابسته را به حال خود رها کرد، در اجرای بند ج و دال اصلاحات ارضی و دیگر سیاستهای عاجل و اساسی توسعه کشاورزی تعلل کرد، و با دولتی کردن تجارت خارجی به انتظار قطع وابستگی اقتصادی و برطرف شدن شرایط نابسامان اقتصادی کونی نشست. نمی‌توان از گسترش روابط اقتصادی با کشورهای مترقی و سوسیالیستی آبا و ورزید. با اقتصادهای امپریالیستی تجارت کرد و امید مقابله با وابستگی، با تحریم های آتی امپریالیسم و با گرانی فزاینده داشت.

اهمیت این هشدارها در این است که نه تنها باید شعارهای انقلابی درستی چون ملی کردن تجارت خارجی تحقق پذیرد، بلکه باید شرایط توفیق آنها را نیز مهیا ساخت. لیبرالها همواره کوشیده‌اند از ملی شدن تجارت خارجی جلوگیری کنند. آن‌گاه که نتوانستند در مقابل فشار توده‌ها برای تحقق این شعار انقلابی مقاومت کنند کوشیده‌اند آن را از محتوای انقلابی تهی کنند. اکنون که لایحه ملی کردن تجارت خارجی در برابر مجلس قرار دارد نمایندگان سرمایه‌داران لیبرال خواهند کوشید آن را به سیر بی یال و دم و اشکمی بدل سازند که نتواند مانعی اساسی در مقابل فعالیت سرمایه‌های بزرگ و وابسته باشد. اینان تمامی سعی خود را نیز به کار خواهند گرفت تا شرایط توفیق آن را نیز محدود سازند تا با اخلال‌های بعدی سرمایه‌داران بزرگ و وابسته بتوانند بگویند ما گفتیم که دولت تاجر خوبی نیست کار را به کاردان باید سپرد که کاردان به زعم آنان همان تاجران بزرگ و وابستهای هستند که از غارت ثمرات کار کارگران و زحمتکشان و ارتداد تسدید و تحکیم وابستگی اقتصاد میهن به امپریالیسم سودهای کلان می‌برده‌اند و هنوز هم می‌برند.

با توجه به این مسائل است که ما خطوط کلی آن چه را که باید طرح انقلابی ملی کردن تجارت خارجی در برداشته باشد در اینجا بررسی می‌کنیم تا بتوانیم لایحه اخیر دولت را درباره ملی کردن تجارت خارجی مورد ارزیابی قرار دهیم:

۱- مضمون اصلی طرح ملی کردن تجارت خارجی

مهمترین جنبه طرح ملی کردن تجارت خارجی سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی و رها کردن اقتصاد میهن از قید تابعیت

بدیهی است که نمی‌توان تجارت خارجی را اساساً در همان پیوندهای پیشین بگه داشت و انتظار داشت که با وابستگی اقتصادی میهن مقابله گردد. این نیز مسلم است که در سالهای گذشته (و حتی هم‌اکنون) بیش از ۹۰ درصد واردات ایران از کشورهای امپریالیستی جهان و نزدیک به دو سوم آن تنها از کشور امپریالیستی تا مین می‌شده است. با توجه به گرایشهای خطرناکی که به ویژه در هفته‌های اخیر، در سخنان و برخی اقدامات مقامات جمهوری اسلامی درباره گسترش روابط اقتصادی با انحصارات امپریالیستی زاپنی و اروپایی مشهود شده است، این امری ضروری است که تکی روابط گسترده تجاری با انحصارات امپریالیستی جهان (چه آمریکایی، چه اروپایی و زاپنی) در طرح ملی کردن تجارت خارجی ذکر گردد. این را همه می‌دانیم که تجارت نعت (صدور نعت خام) در رژیم گذشته در دست دولت بود. اما این را نیز می‌دانیم که طرف تجاری رژیم پیشین در صدور نعت خام اساساً انحصارات امپریالیستی بودند. بنابراین آنچه در طرح ملی کردن تجارت خارجی دارای اهمیت قاطع است مضمون اصلی آن که همانا خصوصیت و سمت و سوی روابط تجاری ایران با اقتصاد جهانی است. پیشبرد انقلاب مردم میهن ما مستلزم قطع پیوندهای اقتصادی با اقتصادهای امپریالیستی و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و مترقی حیا است. این نکته‌ای است اساسی که باید در طرح ملی کردن تجارت خارجی مورد توجه اساسی قرار گیرد.

(ب) خلع ید کامل از سرمایه‌های بزرگ و وابسته. واقعیات عملکرد سرمایه‌داری نشان داده است که سرمایه همواره در پی کسب حداکثر سود است. در اقتصادهای وابسته

بقیه در صفحه ۱۷



اخبار شهرستان‌ها

جشن (کلوسوله قه)

بر تمامی زحمتکشان مبارک باد

اورمیه - هم میهنان آشوری ما در روز هفتم خرداد جشن کلوسوله قه را برگزار کردند. این مراسم سنتی که هر ساله در میان آشوریان جشن گرفته می‌شود یادآور مبارزات آشوریان در برابر متجاوزان در قرن چهاردهم میلادی است. این روز یادآور مقاومت‌های قهرمانانه‌ای است که هم میهنان آشوری ما در برابر سرکوبگری‌ها و تجاوزان امیر تیمور نشان داده‌اند. آنچه به این روز ارزش والا بخشیده است و آنرا به سنتی ماندگار در بین توده‌های زحمتکش آشوری تبدیل کرده است شرکت فعالانه زنان و دختران آشوری در این جنبش مقاومت بوده است. ما نیز با تکیه بر جنبه‌های مثبت این سنت هم میهنان آشوری که می‌تواند در خدمت آگاهی و تحرک آنان باشد این روز را به زحمتکشان آشوری تبریک می‌گوئیم.

کارگران کبریت ممتاز

به یاری جنگ زدگان شتافتند

تبریز - کارگران کارخانجات کبریت ممتاز برای سومین بار به جمع آوری کمک برای هم میهنان جنگ زده اقدام کردند و با جمع آوری مبلغ ۲۵۳/۶۵۰ ریال به یاری آنان شتافتند. کارگران کبریت سازی ممتاز همچون دیگر کارگران رزمنده ایران، در سنگر کارخانجات به افزایش بازدهی کار و تولید، مشغولند.

کارکنان رزمنده برق آبادان و خونین شهر با

شروع فصل گرما به تلاش خود افزوده‌اند

آبادان - با شروع فصل گرما و نیاز بیمارستان‌ها، سردخانه‌ها و مراکز پشتیبانی نیروهای رزمنده که در شهرها مستقرند، کار برق رسانی و تعمیر و مرمت دستگاه‌های برقی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. کارکنان اداره برق آبادان و خونین شهر که از آغاز جنگ تحمیلی و با کار افتادن ایستگاه‌های تولید برق و پاره شدن سیم‌های انتقالی برق، شبانه روز به کار پرداختند، اکنون نیز با تمام تلاش به فعالیت مشغولند. پیام آنان که تاکنون حداقل ۹ شهید و ۲۲ مجروح و ۵ اسیر داده‌اند چنین است: "بگذارید هرچه می‌خواهند مناطق مسکونی و شهرهایمان را بمباران کنند، تا سیسات صنعتی‌مان را به آتش بکشند و هستی‌مان را نابود نمایند. اما، دوباره خرابی‌ها را ترمیم می‌کنیم و با دستهای پرتوان خود زندگی را دوباره بنا می‌نهمیم. ما مطمئنیم که آینده از آن ماست و بهمین دلیل سخت روی پای خود می‌ایستیم و اجازه نمی‌دهیم نقشه‌های شوم دشمنان انقلاب به نتیجه برسد."

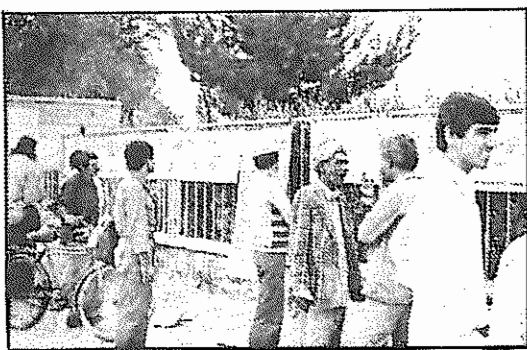
کارت شناسائی دارند و در میان بقیه که مجهول الهویه‌اند عناصر ضدانقلابی و خلاف کار زیاد دیده می‌شود. زحمتکشان تاکستان خواهان رسیدگی به این موضوع و کنترل افغانی‌های مهاجر هستند.

* جهاد سازندگی خوزستان بنا به درخواست روستائیان، اسامی تمامی کمباین داران را یادداشت کرده و از آنها خواسته‌است با نرخ هر ساعت ۸۰ تا ۹۰ تومان کرایه به‌کار در روستاها بپردازند. این نرخ در سال گذشته ساعتی ۱۵۰ تومان بود. ضمناً جهاد گازوئیل و روغن را با نرخ عادلانه در اختیار کمباین دارها می‌دهد.

هواداران سازمان در قائم شهر با اجرای نمایشنامه ضد امپریالیستی و ضدلیبرالی "خیمه‌شب بازی" توطئه‌های ضد انقلابیون علیه انقلاب ایران را افشاکردند. عکس صحنه‌ای از این نمایشنامه را نشان می‌دهد.



نمایشگاهی از مبارزات انقلابی خلقهای جهان علیه امپریالیسم و مطالبی پیرامون ملی کردن تجارت خارجی و اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی از سوی هواداران سازمان در اندیمشک برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت.



مجسمه "مشت گره کرده" که توسط یکی از هنرمندان همدانی ساخته شده‌است در میدان دانشگاه همدان نصب شد. بر "پایه" این مجسمه شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" نوشته شده‌است. اقدام شهرداری همدان در خرید و نصب این مجسمه که سمبل مقاومت می‌باشد، ستودنی است.



ما با درود بی پایان به کارکنان رزمنده برق آبادان و خونین شهر، نام ۹ شهیدی را که هنگام انجام وظیفه به شهادت رسیدند اعلام می‌کنیم: شهید رحمت اله حجازی - حسن صالح نیا - نظام فرسانی - علی عسگر برون - حمزه قنبری نظام سلیمی - قاسم جراح زاده - حسن بغلانی - ولی دیلمی -

یادشان گرامی باد

دادسرای اسلام آباد

از بزرگ مالکان حمایت می‌کند

اسلام آباد غرب - دادسرای اسلام آباد با استناد به قوانین ظالمانه رژیم گذشته و یاری گرفتن از مسئولان پاسگاه ژاندارمری در جهت دفاع از منافع بزرگ مالکان و فئودالها و سرکوبی زحمتکشان روستاهای منطقه گام برمی‌دارد. براساس حکمی که در تاریخ ۱ اردیبهشت ماه ۶۰ از طرف دادستانی این شهرستان صادر و به امضای شخصی به نام "صابونچی" رسیده، بزرگ مالکان می‌توانند زمین‌های مصادره‌ای را از دهقانان بازپس گیرند!

در حکم دادستانی با اشاره به ماده ۲ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۶ اسفند ۱۳۵۲ به یکی از خوانین به نام "اسکندر خان دانیالی" اجازه داده شده زمین‌هایی را که در اختیار دهقانان روستای "تختگاه" است تصاحب کند. مسئولان پاسگاه بخش گهواره که از بزرگ مالکان حمایت می‌کنند با در دست داشتن این حکم به روستائیان اخطار کرده‌اند که زمین‌ها را ترک‌نمایند. آنها گفته‌اند با کمک دادسرای اسلام آباد تمامی زمین‌های بزرگ مالکان را پس خواهند گرفت. براساس احکام دیگر دادسرا ۲۰۰ هکتار از زمین‌های روستای "تختگاه هاجر" به احمدخان دانیالی بازگردانده شده و به "قاسم خان حق نظری" اجازه داده‌اند تا با پشتیبانی ژاندارمری محل زمین‌هایی را که دهقانان کاشته‌اند دوباره شخم بزند!

با توجه به جنایات گذشته این خوانین و همکاری نزدیک آنان با رژیم متجاوز عراق و عوامل پالیزمان - بختیار (به ویژه در منطقه گوران)، باید به اعمال دادسرای اسلام آباد و مسئولان ژاندارمری این منطقه رسیدگی شود تا عناصر مدافع فئودالها و بزرگ مالکان که در این نهادها نفوذ کرده‌اند شناسائی و مورد پیگرد قرار گیرند.

خبرهای کوتاه

* افراد بسیج و سپاه پاسداران دیلم با کمک پاسداران اعزامی از بهبهان با محاصره روستای "عامری" عده‌ای از خوانین وابسته به رژیم سابق از جمله سلیمان خان و باقرخان را دستگیر کردند. از خانه‌های این ضد انقلابیون تعدادی اسلحه و هزاران کیسه برنج و سیمن و بیش از ۵۰۰ قوطی روغن نباتی که احتکار کرده بودند و نیز اسنادی که حکایت از وابستگی آنان به رژیم سابق داشت، بدست آمد.

* انبار یکی از محترکین در قزوین بنام "ضیاء آبادی" مهر و موم شد و اجناسی که وی احتکار کرده بود باز پس گرفته شد. قبلاً نیز از انبار او مقادیر زیادی جنس بیرون کشیده شده بود. اینگونه اقدامات باید با جدیت و قاطعیت دنبال شود.

* بیش از ۸۰۰۰ افغانی مهاجر که به منطقه تاکستان آمده‌اند مشکلات زیادی برای مردم بوجود آورده‌اند. از این تعداد فقط ۳۵۰۰ نفر

از میان اعلامیه‌ها و نشریات
شاخه‌ها و هواداران سازمان

ضدانقلاب را افشاء کنیم (۹)

وینستون ، و مشروبات الکلی در منطقه بوده و دارای ۲۰۰ نفر مزدور مسلح است . (در میان سلاح‌های آنها حتی تیربار نیز دیده شده است) وی اکنون خانه خود را سنگر بندی کرده و جاده سیکوئی منشعب از جاده میناب - بندر جاسک را تحت کنترل دارد .

بطور کلی در حال حاضر می‌توان گفت هر کدام از سران طوایف فوق اختلافات قومی و قبیله‌ای خود را که دارای سوابق طولانی است ، کنار گذاشته و متحداً علیه انقلاب و مردم زحمتکش منطقه دست به اقدامات مسلحانه زده‌اند . آنان آزادانه و مسلح در منطقه رفت و آمد میکنند و به اذیت و آزار مردم می‌پردازند و هراعتراضی را باشکنجه و بازداشت پاسخ می‌دهند .

۲۴ - به آشوب گستراندن

مناطق سردسیر

توطئه جدید خوانین

خوانین مزدور منطقه فارس و در را سن آنها خسروخان قشقایی و عوامل مزدورش برای به آشوب گستراندن مناطق سردسیر از جمله " سرحد چهار دانگه " توطئه‌های جدیدی را آغاز کرده‌اند .

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت حدود ۲۰ نفر از مزدوران مسلح خوانین در اطراف روستای " خرمی " از روستاهای " سرحد چهار دانگه " در ۲۰ کیلومتری " ده بید " اقدام به ربودن گوسفندان زحمتکشان روستایی کرده و حدود بیش از ۴۰۰ گوسفند را با خود می‌برند .

خوانین تصمیم دارند منطقه سردسیر فارس ، مخصوصاً " سرحد چهار دانگه " را به آشوب بکشند و با ایجاد جنگ طایفه‌ای و درگیری بین روستائیان و عشایر زمینه را برای اهداف پلید خود که همانا خدمت به امپریالیسم و شکست انقلاب است ، فراهم آورند .

۲۳ - خوانین منطقه "سربیک" به کمک

سلطان قابوس به توطئه جینی علیه انقلاب مشغولند

منطقه بیابان و بخصوص "سربیک" در امتداد خط مرزی آبی میناب - بندر جاسک ، بعلت نزدیکی با شیخ نشین‌ها و تسلط آن بر دهانه خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت سوق الحیثی مهمی برخوردار بوده . و یکی از نقاط حساسی است که ضدانقلابیون (اعم از ساواکی‌ها ، سران عشایر بلوچ ، فئودال‌ها و خوانین) در آنجا لانه کرده و به سازماندهی نیروهای خود علیه انقلاب و زحمتکشان منطقه مشغولند .

ضدانقلابیون بعلت نزدیکی و ارتباط این منطقه با امارات متحده و نیز وجود شبکه‌های وسیع و گسترده قاچاق در این منطقه ، اسلحه و مهمات مورد نیاز خویش را به آسانی وارد کرده ، در اختیار مزدوران خویش قرار می‌دهند . از جمله مهمترین این عناصر ضدانقلابی می‌توان از سران و خوانین دو طایفه " میر " و " طاهرزائی " نام برد که سالهاست بر زحمتکشان این منطقه حکمفرمایی می‌کنند .

" مراد انوشیروان " که یکی از سران طایفه " میر " بوده و رابطه نزدیکی با سلطان قابوس دارد ، همواره و بطور مرتب با قایقهای موتوری سریع السیر " شیوف " به مناطق عمان در حال مسافرت بوده ، هر بار نیز مقدار زیادی اسلحه و مهمات وارد می‌کند . وی چند سالی در عمان بوده و یکی از افسران سلطان قابوس است .

همچنین " پیرداد نیکخواه " و " ظاهر نیکخواه " که از سران طایفه " طاهرزائی " بوده و اکثر زمینهای قابل کشت و زراعی منطقه متعلق به آنهاست ، به فعالیت ضدانقلابی گسترده‌ای در منطقه مشغول بوده و تعداد زیادی تفنگچی و مزدور در اختیار دارند .

از دیگر عناصر ضدانقلابی منطقه ، از " حسن رستمی " ساواکی و قاچاقچی معروف باید نام برد که بزرگترین وارد کننده اسلحه ، سیگار

انحصار طلبی هائی که در این دو سال و چند ماه ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب ما وارد آورده است . تقابل با دیگر اندیشه‌ها آن هم با شیوه‌های زشت و نفرت انگیز چیزی جز پشت پا زدن به دستاوردهای انقلاب نیست . در این چند روز عناصر و نیروهای با آتش زدن مغازه‌ها ، حمله به افراد و منازل مردم و ضرب و جرح آنها اعمالی را مرتکب شدند که نگرانی هر فردی را که دلش برای انقلاب و آینده آن می‌تپد ، برانگیخته است .

عوامل آمریکائی - مائوئیستی رنجبر

در شادگان دستگیر شدند

شاخه خوزستان سازمان اعلامیه‌ای با عنوان " دستگیری برخی از عوامل گروهک مائوئیستی -

از دعوت سپاه پاسداران بوشهر مبنی بر شرکت نیروهای مردمی در جنگ استقبال می‌کنیم

هواداران سازمان در بوشهر تراکتی منتشر کرده‌اند و ضمن استقبال از دعوت اخیر سپاه پاسداران بوشهر مبنی بر شرکت نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ ، اعلام داشته‌اند : " ما هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) که معتقد به دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل تجاوز ددمنشانه رژیم صدام هستیم از دعوت سپاه پاسداران استقبال می‌کنیم و آماده مقابله با سایر توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا می‌باشیم .

تقویت پشت جبهه

خدمت به رزمندگان جبهه‌ها است

شاخه مازندران سازمان خطاب به همشهریان مازندرانی اطلاعیه‌ای منتشر کرده و چنین نوشته است : " خواهران و برادران جنگ زده ما که در برخی از شهرهای استان اسکان داده شده‌اند نیاز به یاری هم میهنان خود دارند . همیاری با مهاجرین جنگ تحمیلی وظیفه‌ای انقلابی است . تقویت هرچه بیشتر پشت جبهه ، بزرگترین خدمت به انقلاب و رزمندگان جبهه‌ها است "

اخراج کارگران را محکوم می‌کنیم

کارگران پیشرو اراک ، تحصن کارگران ماشین سازی پارس - واحد اراک را ناشی از نادیده گرفتن حقوق و خواسته‌های منطقی کارگران دانسته‌اند . در اعلامیه کارگران پیشرو ضمن اشاره به عدم لغو قانون کار آریامهری که مبنای قضاوت هیات مدیره کارخانه و سازمان گسترش صنایع و نوسازی قرار گرفته ، به اخراج بیش از ۲۰۰ کارگر و کارمند اعتراض شده است . کارگران پیشرو اراک خواهان حل این مشکل بنفع کارگران و کارکنان ماشین سازی شده‌اند .

* ضمناً " نوزدهمین شماره " خبرنامه روستا " در اراک منتشر شده است

آتش زدن مغازه‌ها و حمله به مردم

محکوم است

هواداران سازمان در جهرم ضمن محکوم کردن وقایعی که اخیراً " در این شهر اتفاق افتاده ، در اعلامیه‌ای چنین نوشته‌اند : " وقایع چند روز اخیر نمونه ایست از ندانم کاری‌ها و

آمریکائی رنجبران توسط سپاه پاسداران شادگان مورد حمایت مردم و نیروهای انقلابی است " منتشر کرده و ضمن آن نوشته است : " . . . به منظور جلوگیری از فعالیت شدت یافته و مخرب ستون پنجم و کنترل عبور و مرور شیانه در تاریخ دهم اردیبهشت بیش از ۷۰ تن دستگیر شدند که در میان این عده تعدادی از عوامل گروهک مزبور دیده می‌شوند . ما ضمن حمایت از این اقدام انقلابی خواهان محاکمه ضدانقلابیون هستیم "

اطلاعیه هواداران سازمان در گناوه

هواداران سازمان در گناوه با انتشار اطلاعیه‌ای حمله به نیروهای بسیج این شهر را محکوم کرده و خواهان دستگیری و مجازات ضدانقلابیون شده‌اند .

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

برگزاری جشن اول ماه مه در شهر مدرس هندوستان با حضور هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گردیده است . تنها راه مبارزه با این حملات اتحاد و هشیاری هرچه بیشتر کارگران می باشد . در بخش دیگری از سخنان خود به افشاء هرچه بیشتر انحصارگرانی از قبیل تاتا و دیگر سرمایه داران مورد حمایت خام گاندی پرداخت . او در ادامه سخنانش افزود که دشمن واحد تمامی خلقهای جهان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا می باشد . ایندراجیت گوپتا سپس گفت : زحمتکشان دوکشور کوچک ، افسانه شکست ناپذیری امپریالیسم آمریکا را برای ابد به گورستان تاریخ سپردند ، یکی خلق قهرمان ویتنام و دیگری مردم مبارز ایران . ایندراجیت گوپتا در پایان سخنانش بار دیگر تمام کارگران و نیروهای طرفدار کارگران و زحمتکشان را به وحدت و یکپارچگی دعوت نمود . وی از کارگران خواست از تفرقه گرائی دوری جویند ، تفرقه جوئی خواست امپریالیسم و سرمایه داری است . در طول تمام سخنرانی ایندراجیت گوپتا تمام کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی شرکت کننده از جمله هواداران سازمان با ابراز احساسات بی شائبه بیان خواستهای واقعی شان را از زبان این نماینده پارلمان و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و منشی اتحادیه کارگری A.I.T.U.C می باشد در مورد لزوم اتحاد بمثابه سلاح کارگران در مقابل فشار سرمایه داران سخنانی ایراد نمود . وی در سخنان خود افزود که اخیراً حمله وسیعی از طرف حزب حاکم که خام گاندی عهده دار رهبری آن می باشد به حقوق صنفی و دموکراتیک کارگران آغاز

بود اول ماه مه را به کارگران و نیروهای انقلابی طرفدار زحمتکشان هندوستان و سراسر جهان تبریک گفتند . شعارهای زیر از جمله شعارهای راهپیمایی بودند :

زنده باد اتحاد کارگران سراسر جهان
مرگ بر امپریالیسم جهانی
مرگ بر امپریالیسم آمریکا
ناپود باد سرمایه داری
زنده باد سوسیالیسم
مرگ بر صهیونیسم
زنده باد اتحاد مردم هندوستان و ایران

هنگامیکه شعارهای اتحاد مردم هندوستان و ایران داده می شد ، مردم شهر مدرس پایکوبی کرده و از این شعارها استقبال می کردند . در پایان مسیر راهپیمایی رهبران اتحادیه های کارگری وابسته به دو حزب کمونیست هندوستان در اجتماعي که در ساحل دریا برگزار شده بود سخنرانی نمودند . یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست هند ایندراجیت گوپتا که عضو پارلمان هندوستان و نیز منشی اتحادیه کارگری A.I.T.U.C می باشد در مورد لزوم اتحاد بمثابه سلاح کارگران در مقابل فشار سرمایه داران سخنانی ایراد نمود . وی در سخنان خود افزود که اخیراً حمله وسیعی از طرف حزب حاکم که خام گاندی عهده دار رهبری آن می باشد به حقوق صنفی و دموکراتیک کارگران آغاز

همه ساله در اول ماه مه - روز جهانی کارگر - اتحادیه های کارگری و نیروهای هوادار طبقه کارگر سراسر جهان به منظور بزرگداشت این روز بزرگ و تاریخی در صفوفی بهم فشرده و متشکل تظاهرات نموده و بدین طریق وحدت انترناسیونالیستی تمام کارگران و زحمتکشان جهان را به نمایش می گذارند . در هندوستان نیز این مراسم با توحه به حاکمیت سیاسی ایالت های مختلف برگزار می گردد . بطور مثال در ایالت های خودمختار وست بنگال و کُردلا که نیروهای چپ و دموکراتیک اداره امور را برعهده دارند باشکوه و بوسعت بیشتری برگزار می گردد . در ایالت تامیل نادو مرکز آن شهر مدرس برای اولین بار بزرگداشت این روز بزرگ با حضور مشترک دهها هزار تن از کارگران اتحادیه های وابسته به C.I.T.U A.I.T.U.C که در زیر رهبری دو حزب عمده کمونیستی یعنی حزب کمونیست هند و حزب کمونیست (مارکسیست) هند می باشد در صنفی شده و واحد برگزار گردید . هواداران سازمان با برافراشتن پرچم کارگران و زحمتکشان ایران در این جشن با شکوه بطور فعال شرکت کرده و ضمن پخش اعلامیه و تراکت که با امضاء دانشجویان سراسری هند - هوادار سازمان - تهیه شده

چند خبر از فعالیت هواداران سازمان در کانادا



۱- بمناسبت مسافرت ریگان نماینده محافظ جنگ افروز ایالات متحده به کشور کانادا راهپیمایی باشکوهی از طرف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی برپا گردید . از جمله شرکت کنندگان در این راهپیمایی هواداران سازمان بودند .

هواداران سازمان با تفاق دهها گروه و نیروهای انقلابی در این راهپیمایی با پخش تراکت و اعلامیه و دادن شعارهای انقلابی چهره واقعی ریگان را برای مردم کانادا افشا کردند . شعارها در این راهپیمایی بیشتر حمایت از مبارزات مردم السالوادور و محکوم کردن دخالت نظامی محافظ آمریکا در السالوادور و در دیگر نقاط جهان بود .

۲- بمناسبت بزرگداشت اول ماه مه هواداران سازمان با تفاق دهها گروه و سازمان انقلابی در تظاهرات باشکوهی که از جانب کمیته برگزاری جشن اول ماه مه ترتیب یافته بود شرکت کردند و همسنگی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ایران را با طبقه کارگر و زحمتکشان کشور کانادا و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان ابراز داشتند . در این تظاهرات از جمله شرکت کنندگان ، نمایندگان نیروهای انقلابی خلق فلسطین ، نمایندگان ارتش آزادیبخش ایرلند ، نمایندگان سازمانهای آزادیبخش السالوادور بودند .

۳- در شب اول ماه مه هواداران سازمان بمناسبت بزرگداشت عید کارگران و زحمتکشان سراسر جهان و همچنین یادبود شهدای شیکاگو جشنی برگزار کردند . اکثر نمایندگان و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی از جمله نمایندگان فلسطین و السالوادور در جشن شرکت داشتند . هواداران سازمان طی سخنرانی خود اطلاعاتی راجع به اوضاع ایران و خاورمیانه و توطئه های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس در اختیار شرکت کنندگان گذاشتند .

نمایندگان دیگر نیروهای شرکت کنندگان ضمن بزرگداشت روز اول ماه مه سخنانی در حمایت از مبارزات تمام خلقهای جهان از جمله مردم قهرمان ایران بر علیه امپریالیسم و ارجاع جهانی ایراد کردند و همسنگی انترناسیونالیستی خود را با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان اعلام داشتند .

* ۴- هواداران سازمان در کانادا چون دیگر هواداران سازمان در دیگر کشورهای اروپا و آمریکا و آسیا همیشه در جهت اناسای چهره و توطئه ضدانقلابی فراری و سلطنت طلبان لائبرال بوده و تا کنون جدیدین تراکت و اعلامیه امضاء کرده دادند .

۱- بمناسبت مسافرت ریگان نماینده محافظ جنگ افروز ایالات متحده به کشور کانادا راهپیمایی باشکوهی از طرف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی برپا گردید . از جمله شرکت کنندگان در این راهپیمایی هواداران سازمان بودند .

هواداران سازمان با تفاق دهها گروه و نیروهای انقلابی در این راهپیمایی با پخش تراکت و اعلامیه و دادن شعارهای انقلابی چهره واقعی ریگان را برای مردم کانادا افشا کردند . شعارها در این راهپیمایی بیشتر حمایت از مبارزات مردم السالوادور و محکوم کردن دخالت نظامی محافظ آمریکا در السالوادور و در دیگر نقاط جهان بود .

۲- بمناسبت بزرگداشت اول ماه مه هواداران سازمان با تفاق دهها گروه و سازمان انقلابی در تظاهرات باشکوهی که از جانب کمیته برگزاری جشن اول ماه مه ترتیب یافته بود شرکت کردند و همسنگی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ایران را با طبقه کارگر و زحمتکشان کشور کانادا و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان ابراز داشتند . در این تظاهرات از جمله شرکت کنندگان ، نمایندگان نیروهای انقلابی خلق فلسطین ، نمایندگان ارتش آزادیبخش ایرلند ، نمایندگان سازمانهای آزادیبخش السالوادور بودند .

۳- در شب اول ماه مه هواداران سازمان بمناسبت بزرگداشت عید کارگران و زحمتکشان سراسر جهان و همچنین یادبود شهدای شیکاگو جشنی برگزار کردند . اکثر نمایندگان و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی از جمله نمایندگان فلسطین و السالوادور در جشن شرکت داشتند . هواداران سازمان طی سخنرانی خود اطلاعاتی راجع به اوضاع ایران و خاورمیانه و توطئه های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس در اختیار شرکت کنندگان گذاشتند .

نمایندگان دیگر نیروهای شرکت کنندگان ضمن بزرگداشت روز اول ماه مه سخنانی در حمایت از مبارزات تمام خلقهای جهان از جمله مردم قهرمان ایران بر علیه امپریالیسم و ارجاع جهانی ایراد کردند و همسنگی انترناسیونالیستی خود را با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان اعلام داشتند .

* ۴- هواداران سازمان در کانادا چون دیگر هواداران سازمان در دیگر کشورهای اروپا و آمریکا و آسیا همیشه در جهت اناسای چهره و توطئه ضدانقلابی فراری و سلطنت طلبان لائبرال بوده و تا کنون جدیدین تراکت و اعلامیه امضاء کرده دادند .



بقیه از صفحه ۵

اعلامیه

هم‌اکنون درباره مسائل حیاتی زمان، زمینه وسیعی برای تفاهم بخش‌های مختلف جنبش سندیکائی جهانی وجود دارد. این زمینه‌ها عبارتند از:

- برآوردن خواست‌های اقتصادی و اجتماعی.
- ایجاد نظام نوین اقتصادی بین‌المللی.
- از بین بردن فاشیسم، استعمار و نژادپرستی.
- بسط دموکراسی و گسترش حقوق کارگران.
- صلح و خلع سلاح.

وضعیت دائماً متحول کنونی، امکانات جدیدی در زمینه فعالیت‌های سندیکائی و اشکال تازه‌ای از پیوند مستحکم را اقتضاء می‌کند. مهم‌ترین شاخص این وضعیت، مبارزه علیه سلطه مطلقه شرکت‌های چندملیتی است. این شرکت‌ها به منظور دستیابی به برتری و کسب سودهای سرسام‌آور تلاش دارند کارگران کشورهای دارای نظام‌های مختلف را به رقابت با یکدیگر وادار کنند. این یک ترفند کهنه انحصارات در مقیاس ملی است که هنوز هم ادامه دارد و مبارزات انقلابی کارگران در کشورهای جداگانه بارها آن را متوقف کرده است. امروزه این تاکتیک میدان عمل بین‌المللی یافته است اما کارگران یکبار دیگر با گزینش اشکال مناسب و موثر اتحاد و تشکل که برپایه علایق مشترک بین‌المللی آنها در برابر استثمارکنندگان مشترکشان قرار دارد، می‌توانند توطئه‌های انحصارات چندملیتی را عقیم گذارند. جنبش سندیکائی به عنوان برجسته‌ترین جنبش جامعه بایستی سهم بیشتری در مبارزه برای تحکیم و تقویت صلح در جهان، جلوگیری از جنگ و کاهش مسابقه تسلیحاتی به عهده بگیرد. هزینه جنگ‌حتمی در زمان صلح بار سنگینی بر دوش مردم زحمتکش است. استفاده از بودجه نظامی برای مقاصد صلح‌طلبانه، پیشرفت قابل ملاحظه توسعه اجتماعی خلقها را در پی خواهد داشت. فعالیت وسیع برای صلح و علیه مسابقه تسلیحاتی جزء ضرور و مهم وظایف جنبش سندیکائی جهانی را تشکیل می‌دهد. در عصر ما مبارزه برای آزادی و دموکراسی، بعد مهمی از مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی است. جنبش سندیکائی می‌تواند و باید نقش اساسی در این زمینه بازی کند و بیش از پیش از اشکال بسیار موثرتر همکاری و اتحاد استفاده نماید.

دستاورد مشخص جنبش سندیکائی همواره اتحاد طبقه کارگر بوده است. هماهنگی بسیار نزدیک‌تر فعالیت‌های مشترک سازمان‌های عضو فدراسیون سندیکائی جهانی و همچنین همکاری پیگیرانه با دیگر سازمان‌های سندیکائی که از نقطه‌نظرهای متفاوتی برخوردارند، عاملی است که جای ویژه‌ای در تأمین اتحاد کارگران در مقیاس جهانی دارد. آن دسته از سندیکاهای کارگری که در شرایط مناسبی به فعالیت مشغولند منجمله خود فدراسیون سندیکائی جهانی می‌توانند به طرق مختلف در پیشبرد فعالیت‌های سندیکائی در کشورهایی که سندیکاهای آنها با مشکلاتی روبرو هستند، سهم موثری ایفاء نمایند. در عصر ما این امر نیز یک نوع بیان ضروری اتحاد است.

فدراسیون سندیکائی جهانی باید خود را با دنیای در حال تحول که خواست‌های نوینی مطرح ساخته و امکانات نوینی می‌آفریند، هماهنگ سازد. برای این منظور فدراسیون باید مضمون، روش و شیوه‌های فعالیت خود را بطور همه‌جانبه‌ای

تجارت

بقیه از صفحه ۱۳

سرمایه‌هایی که در تجارت خارجی فعالیت می‌کنند حداکثر سود خود را در تانامین تقاضاهائی می‌یابند که بر ویژگیها و خصوصیات وابستگی اقتصادی پایه دارد و برای تانامین این تقاضاها بیشترین سود را در برقراری پیوندهای نزدیک با انحصارات امپریالیستی می‌یابند.

علاوه بر آن، همانطور که در شماره پیشین نشان داده‌ایم تنها سرمایه‌های بزرگ و انحصاری می‌توانند مستقیماً در این رابطه قرار گیرند و چون حلقه‌ای، اقتصاد وابسته را به انحصارات امپریالیستی اتصال دهند، که ناگزیر سرمایه‌هایی وابسته به انحصارات امپریالیستی هستند و اگر هم در آغاز وابسته نباشند، دوام آنها مشروط به وابستگی آنهاست.

بدین ترتیب شرط مقابله با وابستگی اقتصادی در تجارت از پای درآوردن نیروئی است که اقتضای طبیعت آن حفظ و تشدید وابستگی اقتصاد میهن به انحصارات امپریالیستی است. این نیروی مخرب همان سرمایه‌های بزرگ و وابسته‌ای است که هم‌اکنون تجارت خارجی را دردست دارد. طرح ملی کردن تجارت خارجی باید متضمن خلع ید از سرمایه‌های بزرگ و وابسته باشد.

مخالفت ملی کردن تجارت خارجی اغلب این نکته را پیش می‌کشند که دولت نمی‌تواند یکباره تمامی تجارت خارجی را در دست گیرد. و از این سخن نتیجه می‌گیرند دولت که هم‌اکنون بخشی از تجارت خارجی را دردست دارد بهتر است تنها به نظارت بر بخش دیگری که در دست سرمایه‌های تجاری است کفایت کند. ما بر این عقیده‌ایم که تجارت خارجی را نمی‌توان یک‌شبه ملی کرد اما می‌توان با سیاستی روشن در چارچوب برنامه‌های معین تمامی تجارت خارجی را در مدتی نه چندان طولانی در اختیار دولت قرار داد، به ترتیبی که از سرمایه‌های بزرگ و وابسته در تجارت خارجی خلع ید شود و هیچ سرمایه‌ای مستقیماً در تجارت خارجی نقشی نداشته باشد. (در زیر در باره ملی کردن صادرات و واردات در چارچوب برنامه‌های معین سخن خواهیم گفت.)

۲- تعیین خط مشی سیاست تجارت خارجی

گذشته از تعیین مضمون ضدامپریالیستی طرح ملی کردن تجارت خارجی که در بالا بدان اشاره شد، پیشبرد سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی مستلزم آن است که تجارت خارجی در فهرست برنامه اقتصادی همه‌جانبه‌ای در جهت برپائی اقتصادی مستقل از سلطه امپریالیسم به کار گرفته شود.

برای پیشبرد چنین سیاستی نیازهای اقتصادی کشور، با توجه به اولویت‌های رشد اقتصادی و تانامین نیازهای رو به تزايد توده‌های مردم میهن، باید مورد توجه اساسی قرار گیرد. تنها ذکر این که باید کالاها و اساسی اولویت یابند یا این که کالاهای لوکس نباید وارد شوند هر چند به خودی خود نکاتی درست هستند، برای تعیین خط مشی سیاست تجارت خارجی کافی نیست. خط مشی سیاست تجارت خارجی باید در شورائی متشکل از مسئولان اقتصادی کشور، از جمله وزیر بازرگانی، وزیر نفت، وزیر صنایع و معادن، وزیر مسئول سازمان برنامه و بودجه، وزیر کشاورزی، وزیر کار و امور اجتماعی و رئیس بانک مرکزی تعیین شود و به تصویب هیات دولت برسد.

بازسازی کند. آنچه که ما و جنبش سندیکائی نیاز داریم، فدراسیونی قابل انعطاف‌تر و فعال‌تر است که به واقعیات و مبارزات سندیکائی معاصر نزدیک‌تر باشد. فدراسیون سندیکائی جهانی در سی و پنجمین سالگرد تاسیس خود ترازنامه تاریخی‌ای عرضه خواهد کرد که دارای اهمیتی تردیدناپذیر است. فدراسیون دارای چنان قدرت، تجربه و نیروئی است که بتواند فعالیت‌های عمومی خود را با شرایطی که امروزه مبارزات سندیکائی تحت آن صورت می‌گیرند، مطابقت دهد.

در نتیجه جریان‌های بغرنج و تحولات مستمری که هم‌امروز در جهان روی می‌دهند، وظایف نوینی در مقابل کل جنبش سندیکائی بین‌المللی قرار گرفته است. شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی برای نوسازی هرچه سریع‌تر جنبش سندیکائی جهانی تلاش می‌کند و از کلیه سازمان‌های عضو می‌خواهد که مسائل مطروحه در این اعلامیه را مورد بحث و بررسی قرار دهند. شورای عمومی فدراسیون امیدوار است که این بحث‌ها از محدوده فدراسیون خارج شده و کل جنبش سندیکائی در مقیاس جهانی را دربرگیرد. فدراسیون از شرکت فعال کلیه سازمان‌های سندیکائی - چه اعضای سازمان‌های بین‌المللی و چه سندیکاهای غیر عضو - که قلبشان برای وحدت سندیکاهای کارگری جهان و تحکیم رشته‌های پیوند جهانی کارگران می‌تپد، بدون استثناء استقبال می‌کند و به آنان خوشامد می‌گوید.

مراسم بزرگداشت

نوگل سرخ فدائی میترا صانعی

روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۶۰ مراسم بزرگداشتی بر سر مزار میترا صانعی نوگل سرخ فدائی که در میتینگ اول ماه مه به دست عوامل امپریالیسم و قشربون تنگ‌نظر به شهادت رسید، برگزار شد. در این مراسم خانواده و بستگان میترا، جمعی از همکلاسی‌های او و هواداران سازمان شرکت داشتند.

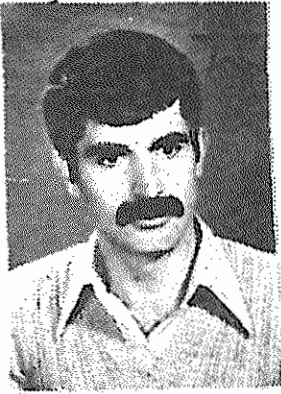
مادر میترا که خود نیز در اثر ترکش نارنجک مجروح شده و تازه از بیمارستان مرخص گشته بود، در میان جمع با متانتی درخور و شایسته به ایراد سخنرانی پرداخت و در قسمتی از سخنانش گفت: "من افتخار می‌کنم که میترا را کوچک من در راه استقلال و آزادی شهید شد." وی از حاضرین خواست که متاثر نباشند و اندوهشان را به نیروی پیکار برای بهرمانو درآوردن امپریالیسم آمریکا که دشمن همه خلقهای جهان و مسبب اینگونه جنایات و وحشی‌گری‌هاست، تبدیل کنند و با شعار مرگ بر آمریکا سخنانش را به پایان برد.

در پایان مراسم به دنبال یک دقیقه سکوت به احترام میترا، پیام سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت خطاب به خانواده شهید قرائت و از طرف جمعیت حاضر با شعارهای پرطنین "مرگ بر آمریکا" تأیید شد.

در طی مراسم بسیاری از مردم که از جریان خبر نداشتند، پس از اطلاع از چگونگی ماجرا، نفرت و انزجار خود را از امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی همه خلقهای جهان و ضدانقلاب توطئه‌گر ابراز داشتند و در مراسم شرکت نمودند.

ما ضمن تسلیت مجدد به خانواده همکلاسی‌ها و دوستان نوگل سرخ فدائی، میترا صانعی، یاد او را گرامی می‌داریم.

قشریونی که قلب انقلاب را نشانه رفته اند



فدائی خلق رفیق شهید
عبدالباسط احمدی

و بخشی از دوره دبیرستان به دلیل علاقه وافرش به آموزگاری وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد و در سال ۵۴ فارغ التحصیل شد. از آن پس در روستاهای شیخ حیدر از توابع دیواندره، حسین آباد از توابع زنجان، آرمرده از توابع بانه و سرانجام شهر بانه صمدوار زیست و مبارزه نمود.

رفیق قبل از شروع انقلاب با همکاری چند نفر دیگر از دوستان مبارزش اقدام به تشکیل گروه "طلوع" نمود که مدتها به وسیله تکثیر و پخش اعلامیه، ماهیت ضد مردمی رژیم منفور پهلوی را افشاء می نمود.

با شروع خیزش توده های میلیونی میهنمان، باسط پا به دوره نوینی از مبارزه گذارد. در شکل گیری اولین حرکت اعتراضی مردم بانه در بهار ۵۷ به مناسبت گرامی داشت چهلمین روز قیام قهرمانانه ۲۹ دی ماه ۵۶ مردم تبریز نقش او به عنوان یکی از فعالین و سازمان نهدگان این حرکت فراموش نشدنی است. رفیق باسط یکبار به علت وحشتی که در دل جنایتکاران ساواک ایجاد نموده بود، از طرف آنان بازداشت گردید. اما در نتیجه تحصن گسترده مردم مبارز بانه در مساجد شهر دوباره آزادی خود را بازیافت.

رفیق شهید عبدالباسط احمدی بعد از پیروزی انقلاب به حزب دمکرات پیوست اما پس از مدتی با مشاهده انحرافات رهبری حزب و با درک عمیق تر از منافع کارگران و زحمتکشان به سازمان ما پیوست و با تمام توان خود در پیشبرد اهداف

بقیه در صفحه ۱۹

حکومتی سینهام را می شکافد که به آن معتقد هستیم، برایم مهم نیست، مهم این است که چه تاثیری در زندگی زحمتکشان داشته ام و این را می دانم که بالاخره زحمتکشان پیروز خواهند شد.

ما از قشریونی که رای به اعدام رفیق ما دادند، می پرسیم که شما جواب کارگران و زحمتکشان ایران را که چنین بی شرمانه فرزند انقلابیشان را نابود می کنید چگونه خواهید داد؟

رفیق آخرین جمله زندگی خویش را که خطاب به پدر و مادر و همسر داغدار و "ریبوار" پسر خردسالتش بر روی کاغذ می آورد، می گوید:

"آخرین جمله را با مرگ بر آمریکا، درود بر پرچم خونین سازمان فدائیان خلق "اکثریت" و درود بر زحمتکشان جهان تمام خواهم کرد."

و بدین سان راهستیز تا آخرین لحظه حیات با امپریالیسم و مبارزه بخاطر رهایی زحمتکشان جهان تا مرگ را به کودک خردسالتش نشان می دهد و بانه خانواده اش می گوید:

زنده ای که شهادت من موجب مایوس شدن شما از انقلاب و جدائی و تفرق در صف انقلابیون گردد. ما بار دیگر فریاد اعتراض خود و همه مردم انقلابی میهنمان را نسبت به این اعمال کینه توزانه و ضد انقلابی دادگاه های جمهوری اسلامی ایران به گوش مسئولین مملکتی می رسانیم و نسبت به عواقب زیانبار و وحدت شکنانه این گونه اعمال خلاف قانون هشدار می دهیم و با درج گوشه هایی از زندگی انقلابی رفیق، یاد همیشه جاویدش را گرامی می داریم.

تاریخ این را نشان داده است و ویتنام گواهی است که آمریکا پوشالیست. ما از صادرکنندگان حکم اعدام این کمونیست میهن پرست می پرسیم که آیا حکم شما دقیقاً خواست دشمنان انقلاب ایران یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز صدام و ضدانقلاب داخلی نیست؟

رفیق در قسمتی دیگر از وصیت نامه اش می گوید:

"الان که بخاطر آرمانم به سازمان فدائیان خلق "اکثریت" به جوخه اعدام سپرده می شوم و گلوله

و نیز حکومت جمهوری اسلامی فریاد می زند، اعدام نمود. فدائی شهید عبدالباسط احمدی در وصیت نامه اش که در آخرین دقیق زندگی افتخار آمیزش تنظیم نموده است، خطاب به خانواده اش می گوید: کشورمان از هر طرف مورد حملات وحشیانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران دست نشانده اش قرار گرفته و در ادامه وصیت نامه اش می افزاید:

"اگر ملت یکپارچه و متحد باشد این توطئه ها را خنثی و نابود خواهند کرد چون

پیروزی و عسکر بر زمین
سلام و درود بر ایران است که چنانکه از زمان پیروزی ما تا به امروز
راست چنانکه از زمان وصیت نامه برایتان بر سر مرگم
در این موقع اگر کلمات من استیلاست بر درک و صفت نامه ای بر سر
در این موقع من کلمات من که کلمات من از هر طرف مورد حملات و وحشت
از طرف امپریالیسم آمریکا و نوکران دست نشانده اش
مردم این سرزمین را خنثی و نابود خواهند کرد و هیچ نخواهند توانست
در برابر مرگ بر ایران ملت است که کلمات من را در این زمان زنده ایست
و صفت نامه ای است که امپریالیسم آمریکا و نوکران دست نشانده اش
را کلمات من خلق است که به جوخه اعدام آماده می شود و گلوله می خورد
که سینه ام را می شکافد که آن معتقد بوده ایم که نیت همه این است
که چنانچه در زندگی من زنده ایست که راسته ام و اینرا میدانم که بلاخره
زنده ایست پیروز خواهند شد و حتی فرزند من خواهند رسید
و شاه فرزند امپریالیسم را فرستاده است که تربیت کرده و اگر اسلام
تو این اجماع جمعی
امپریالیسم را خنثی و نابود خواهند کرد و هیچ نخواهند توانست
در برابر مرگ بر ایران ملت است که کلمات من را در این زمان زنده ایست
و صفت نامه ای است که امپریالیسم آمریکا و نوکران دست نشانده اش
را کلمات من خلق است که به جوخه اعدام آماده می شود و گلوله می خورد
که سینه ام را می شکافد که آن معتقد بوده ایم که نیت همه این است
که چنانچه در زندگی من زنده ایست که راسته ام و اینرا میدانم که بلاخره
زنده ایست پیروز خواهند شد و حتی فرزند من خواهند رسید
و شاه فرزند امپریالیسم را فرستاده است که تربیت کرده و اگر اسلام
تو این اجماع جمعی

در کار ۱۱۲ خبر اعدام جنایتکارانه رفیق عبدالباسط احمدی را توسط قشریون و انحصارطلبان اعلام نمودیم و اثرات سوء آنرا در ایجاد نفاق و تشنج در صفوف مردم و همچنین در حل عادلانه بحران کردستان برشمردیم اکنون با نقل مختصری از زندگی انقلابی و وصیت نامه رفیق که در آخرین دقیق عمرش نوشته است، مردم مبارز و انقلابی میهنمان را به قضاوت در باره ماهیت این حکم ضدانقلابی و بغایت ارتجاعی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز فرا می خوانیم. ما بارها اعلام نموده ایم که صدور این قبیل احکام توسط دادگاه های جمهوری اسلامی تنها دشمنان انقلاب ما را شادمان می سازد و اجرای این احکام بمثابة شلیک به قلب انقلاب و جمهوری اسلامی است.

مردم مبارز میهن ما نسبت به ماهیت انحصار طلبانی که حتی دفاع از میهن را فقط حق خود می دانند، متردد و نگران هستند. انحصار طلبانی که چشم خود را بر واقعیات موجود جهان معاصر بسته اند و تنها از دریچه تنگ و حقیر منافع گروهی دنیا را نظاره می کنند. مردم ما که سالها شاهد تلاش قهرمانانه و عظیم کمونیستها در ایران و سراسر جهان برای رهایی خلقها از یوغ امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا بوده اند، از خود می پرسند چگونه است که بعضی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که با انواع تهاجمات و توطئه های امپریالیسم روبرو هستیم، وفادارترین فرزندان خلق را به جوخه های اعدام می سپارند؟

مردم ما بی توجهی و عدم اعتماد برخی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران را به مواضع انقلابی فدائیان خلق "اکثریت" و کوشش پیگیر سازمان ما برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی به دیده تردید می نگرند. چگونه می توان پذیرفت کسی را که در پای تیر اعدام نگرانی و خشم خود را نسبت به توطئه های امپریالیسم و وفاداری خود را نسبت به آرمان کارگران و زحمتکشان و

پیروزی باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

" عزیز صیدانلو، فرزند عزت، ۲۲ ساله (بیکار و متاهل)، اهل گلوگاه، به جرم سرقت یک کیسه برنج، ۶ قوطی روغن نباتی و یک کیسه پودر رختشویی از کمیته امداد امام گلوگاه به بریدن ۴ انگشت بطوری که فقط کف دست و انگشت بزرگ (انگشت شست) باقی بماند، محکوم گردید که حکم، شب پیش به مرحله اجرا درآمد."

این عین خبری است که در صبحگاه شنبه نهم خرداد ماه از بلندگوهای مسجد جامع شهرستان بهشهر پخش گردید و مردم را در ناباوری، بهت و نگرانی عمیق فرو برد. عکس العمل مردم زحمتکش شهر نسبت به این حکم ظالمانه دادستانی که سه مرتبه پیاپی از بلندگوهای مسجد قرائت گردید، خشم مخالفت و اعتراض بود. اعتراضی گسترده، علنی و رسا. بطوریکه در مدتی کوتاه این مخالفت و انزجار به بهشهر محدود نماند و به سرعت شهرهای اطراف را فراگرفت.

بر بستر انگیزگی افکار عمومی علیه این اقدام جنایت بار، دوستان دروغین مردم، ضدانقلابیون و دشمنان انقلاب کوشیدند با هو و جنجال پیرامون این

تیشه بر پیکر انقلاب

حکم و احکام مشابه در شهرهای دیگر، انقلاب را زیر ضرب قرار داده، نظم و چپاولگرانه و ضدانسانی گذشته را مجدداً ارزش بخشند و مردم و مدافعین و جانبازان انقلاب در تحیر از نابخردی و ندانم کاری مسئولین قضائی که تیشه در دست به قطع ریشه های انقلاب مشغولند، در غم و تاسف از سرنوشت انقلاب بسربرند. بریدن دست یک نفر از میچ در کرمان که چندی پیش صورت گرفت، چنان افکار عمومی شهر را نسبت به این حکم ضدانسانی برانگیخت که فتوی دهندگان و مجریان حکم مجبور شدند به نحو فضیحت باری در صحنه تلویزیون شخص دست بریده را به نمایش بگذارند تا در به اصطلاح مبارزه با شایعات وسیع در سطح شهر، به توجیه عمل شرم آور خود بپردازند. اما از همین نمایش هم جز اینکه مردم را نسبت به خود خشمگین تر کنند، طرفی نیستند. در شیراز هنوز هم لعن و نفرین

مردم و نیز تبلیغات گسترده ضدانقلاب و لیبرالها حول و حوش بریدن چهار انگشت سه نفر دزد ادامه دارد و هنوز هم غذای مناسب تبلیغ گسترده ضدانقلابیون است. اما با اینهمه می بینیم که هنوز بیش از یک ماه از فاجعه کرمان و دوهفته از جنایتی که به دست حاکم شرع شیراز صورت گرفته نمی گذرد که حاکم شرع بهشهر با صدور حکم قطع انگشتان دست صیدانلو بر "جدی" بودن اجرای لایحه قصاص و اجرای "حد" مهر تائید می گذارد! مسئولین قضائی شهرستان بهشهر حکم می دهند تا عزیز صیدانلو ۲۲ ساله، بیکار، متاهل و دارای یک فرزند به خاطر دزدیدن مقداری برنج و روغن، بر روی یک صندلی نشانده شود، دستش را روی کنده درختی قرار دهد و آنگاه شخصی ساطور به دست که چهره اش را با دستمالی پوشانده! با فرود آمدن سه ضربه انگشتان یک دستش را قطع کند. مسئولین قضائی تنها دست سالم عزیز

صیدانلو - دست دیگر "مجرم" از میچ کج و ناقص است - را از او می گیزند بدین امید ساده لوحانه که عزیز دیگر برای سیر کردن شکم خانواده اش، در جامعه ای که دزدان واقعی هنوز رسماً و علناً با انگشتانی سالم، به دزدی مشغولند و یک قلم در سال گذشته ۱۴ میلیارد تومان از حق همین عزیزهای محروم به جیب زدند، دست به "دزدی" نزنند. ظاهرآ عزیزهای جامعه هم باید از این اقدام قاطع! تربیتی پند بگیرند، مرعوب گردند و از روی ترس و دلهره قطع انگشت، دست به دزدی نزنند! از اینکه این شیوه های کهنه و قرون وسطائی مبارزه با فساد و قانون شکنی ره به جایی نخواهد برد، درد را که درمان نخواهد کرد هیچ، چاره کردن درد را هم مشکل تر خواهد ساخت و انقلاب را چند صباحی دیگر در بیراهه ها گرفتار خواهد کرد، شکی نیست. ما در

این زمینه ها و به ویژه به هنگام طرح لایحه قصاص صحبت کرده ایم. در اینجا سخن بر سر این است که مردم برای این ندانم کاری جدید مسئولین چه قیمتی باید بپردازند؟ آنها اعتراض و انزجارشان را از چنین قوانینی اعلام کرده و خواهند کرد، لکن مسئولینی که به این قضاوت مردم و نیروهای مسئول انقلابی بهائی نمی دهند و در پیمودن ناکجا آباد خود همچنان اصرار دارند نه تنها به هدف - مبارزه با فساد و قانون شکنی - نخواهند رسید بلکه برای ضدانقلاب در تهاجم کینه توزانه اش علیه انقلاب خوراک تبلیغاتی تهیه می کنند.

قوانین انقلاب، دست عزیز صیدانلو، روستائی از ده رانده شده را قطع نمی کند. انقلاب باید او را یاری دهد تجدید تربیت کند، دست دیگرش را معالجه کرده و به کمک این دست به پیکار با عاملین اصلی فقر، جهالت، دزدی، یعنی حامیان و مدافعین نظم غارتگرانه سرمایه داری برود. آیا مسئولین جمهوری اسلامی باز هم در صددند که صحت و سقم هر اقدام را و یا مفید یا مضر بودن هر عمل به حال انقلاب و توده ها راتنها پس از "مرگ سهراب" دریابند؟! "

قشریونی

بقیه از صفحه ۱۸
و سیاست انقلابی سازمان کوشید.
سرانجام او روز ۲ آبان ۵۹ در تهران دستگیر شد و پس از انجام محاکمه ای بی سر و ته و نمایشی، در سحرگاه ۶ خرداد ۶۰ در محوطه زندان اوین تیرباران گردید و پیکر پاکش به وسیله گلوله های جمهوری اسلامی ایران در خون غلطید و این درست در حالی بود که مردم مبارز مرنده به دعوت سپاه پاسداران آن شهر با اجتماع چند هزار نفری خود یاد فدائی شهید رفیق محمدرضا اکبری را که در ارتفاعات الله اکبر سوسنگرد به زخم گلوله متجاوزین بعثی از پا افتاده بود، گرمی می داشتند ما ضمن تکرار موکد درخواست خود مبنی بر تعقیب و محاکمه و مجازات قاتلان رفقای شهیدمان، به خانواده و بستگان رفیق شهید

عبدالباسط احمدی درود می فرستیم و به "ریبوار" کوچکش نوید همان فدائی را می دهیم که پدر، فدائی آن بود.
پدر و مادر و همسر عزیز و مهربانم با سلام و درود بی پایان اینک که چند لحظه از دقایق عمرم باقی نمانده لازم دانستم چند نکته ای به عنوان وصیت نامه برایتان بنویسم. هر چند هم در این موقع اگر کلماتم نارسا است امید است به درک وصیت - نامه ام پی بپرید. در این موقع حساس کنونی که کشورمان از هر طرف مورد حملات وحشیانه از طرف امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران دست نشانده اش حکومت بعثی عراق شده است و هر روز غائله و آشوبی از داخل کشور برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی به رهبر امام خمینی می شود ولی اگر ملیت یکپارچه و متحد باشند این توطئه ها را خنثی و نابود خواهند کرد و هیچ

نخواهند توانست در برابر مشت پولادین ملت ایستادگی بکنند چون تاریخ این را نشان داده است و وینتام گواهی است که آمریکا پوشالی است و الان که من را به خاطر آرمانم به سازمان فدائیان خلق اکثریت به جوخه اعدام آماده می شوم و گلوله حکومتی که سینم را می شکافد که به آن معتقد بوده مهم نیست مهم این است که چه تاثیری در زندگی زحمتکشان داشته ام و این را می دانم که بالاخره زحمتکشان پیروز خواهند شد و به حق خودشان خواهند رسید و شما همسر عزیزم امید است "ریبوار" پسر من را خوب تربیت کرده و آن را سالم تحویل اجتماع بدهید. و آخرین جمله ام را با مرگ بر آمریکا و درود بر پرچم خونین سازمان فدائیان خلق "اکثریت" و درود بر زحمتکشان جهان تمام خواهم کرد.
باسط احمدی
ساعت ۶۰/۳/۶۹

آتش دشمن

بقیه از صفحه ۴

ساکنین این روستا بیشتر از ۶۰ خانوار نیستند، ولی فقط در یکبار ۸۰ نفر از دهقانان زحمتکش این روستا برای دفاع از انقلاب و بیرون ریختن تجاوزگران داوطلبانه به جبهه های جنگ رفته اند. این دهقانان زحمتکش در تمام طول سال در جبهه های به وسعت دشت های جنوب دانه پاشیده اند و درو کرده اند و اکنون در جبهه های نبرد برای حفظ و تحکیم استقلال میهن انقلابی تا پای جان مقاومت می کنند. یکی از همین دهقانان که رنج و سختی پنجاه سال کار در لابلای چروک های صورتش به وضوح دیده می شد، موقعی که عازم جبهه بود به آنهایی که برای بدرقه اش آمده بودند، گفت:

درو را تمام کردیم، گندم را هم که از روی زمین برداشتیم. حالا باید به جبهه برویم. یکی دیگر از کشاورزان دستان پینه بسته اش را به سمت کشور عراق تکان داد و گفت: - این صدام تجاوزگر است باید او را سرچایش بنشانیم. ما پیروز می شویم. هم اکنون در روستای لیلک بوشهر دهقانان دیگری هم داوطلب رفتن به جبهه شده اند. با این حساب تمامی زحمتکشان روستای لیلک یا در جبهه کاشت و یا در جبهه جنگ به دفاع از میهن انقلابی خود برخاسته اند.

- (۱) خوشه های خرما
- (۲) پوششی از برگ نخل برای حمل خرما

مجتمع فولاد اهواز چرا تعطیل شده است؟

مجتمع فولاد اهواز با بیش از ۱۰ هزار کارگر و کارمند و سرمایه‌ای بالغ بر ۲۱ میلیارد تومان از بزرگ‌ترین واحدهای صنعتی ایران است. تاکنون با صرف حدود ۱۰ میلیارد تومان، ۵۶ درصد کار ساختمان آن انجام گرفته است. در این مجتمع جهت تهیه فولاد از روش احیای مستقیم استفاده می‌شود که در صورت تکمیل مجتمع می‌تواند سالانه ۱۶ میلیون تن فولاد را تهیه نماید. روش احیای مستقیم پس از گذشت ۲۶ سال از کاربرد آن

در جهان، هنوز مراحل آزمایشی خود را می‌گذراند و با توجه به هزینه گزاف تولید و پیچیدگی‌های فنی، تنها حدود ۴ درصد از فولاد جهان با استفاده از این روش تولید می‌شود. با همه این مشکلات، رژیم وابسته شاه، با صرف هزینه‌های هنگفت، کاربرد این روش را (آن‌هم با به‌کارگیری سه‌نوع مختلف روش احیای مستقیم) آغاز کرد و این مجتمع را بطور کامل در سلطه شبکه انحصارات جهانی آمریکایی آلمانی و ژاپنی قرار داد و حضور دهم انحصار آمریکایی نظیر انحصار آمریکایی پالمن، شرکت یو. اس. استیل آمریکا، شرکت آمریکایی فولاد بنتل‌هایم، انحصارات تیسن و کروپ از آلمان، انحصارات میتسو بیشی، فوجی کوشی، سومیتومو، کوب از ژاپن، سو فرساید از فرانسه و... نشان می‌دهد که این مجتمع چگونه به‌صورت باشگاه جهانی انحصارات فولاد در منطقه در آمد. با پیروزی انقلاب و فرار کارگران آمریکاییسم جهانی و قطع ارسال اطلاعات فنی و وسایل و قطعات، بررسی شرایط حاکم بر طرح و چگونگی کاربرد این روش زیر سؤال رفت و به دنبال آن "راه‌حل" های گوناگونی ارائه شد که بارزترین آن، برخورد ستازده و غیر مسئولانه جناح‌های "خط امام" حاکمیت بود که پیشنهاد می‌کرد که برای مقابله با وابستگی تکنولوژیک باید اینگونه واحدها را تعطیل کرد هنگامی که در نظر بگیریم که برای اجرای برنامه‌های

در شماره گذشته، خبر تعطیل مجتمع فولاد اهواز را درج کرده بودیم و اشاره کردیم چگونه این اقدام غیرمسئولانه و مخرب با واکنش و اعتراض هزاران کارگر فولاد مواجه شد. کارگران هم‌اکنون با انتخاب نمایندگان از میان خود و گفتگوی پیگیرانه با مقامات مسئول دولتی، امر راه‌اندازی هرچه سریع‌تر صنایع فولاد را مصممانه تعقیب می‌کنند. آنچه که در زیر می‌آید، تحلیلی است از وضعیت عمومی صنایع فولاد اهواز و ملاحظاتی که در رابطه با تعطیل آن وجود دارد و در عین حال موبد حقانیت و اصولیت خواست‌های کارکنان انقلابی و مبارز فولاد است.

امپریالیست‌ها همواره نمایند. اینان اصولاً انحصاری بودن روش احیای مستقیم و اسارت‌بار بودن آن را مسئله‌ای نمی‌دانند و تاکنون نیز همواره سعی در بستن قراردادها و خارج کردن قراردادهای گذشته از بلا تکلیفی داشته‌اند. هنگامی که نتوانستند در مجتمع فولاد اهواز به دلیل مقاومت و شور ضمیمه امپریالیستی مردم و به‌ویژه کارکنان انقلابی مجتمع فولاد، نقشه‌های خود را پیاده کنند، از یکسو کارشکنی در کار تکمیل و راه‌اندازی مجتمع را با انتصاب مدیرانی همچون خارقانی (از افسران سابق پیمان سنتو) طرح اخراج کارکنان مبارز و سهل‌انگاری در مورد مشکلات مجتمع و از جمله کارکنان را پیشه کردند از سوی دیگر با تبلیغ روی "روسی بودن" سیستم کوره بلند، ذوب آهن اصفهان را تا آستانه تعطیل کشاندند و در عین حال، قرار داد ساختمان مجتمع فولاد اصفهان به روش احیای مستقیم به طرفیت ۲/۵ میلیون تن در سال و بودجه‌ای بالغ بر ۲۱ میلیارد تومان را با انحصارات امپریالیستی به پیش کشیدند و انحصار امپریالیستی "بریتیش استیل" را به مشاورت خود برگزیدند. در حالی که مجتمع فولاد اهواز را پس از صرف ۱۰ میلیارد تومان و اتمام حدود ۵۶٪ آن به فراموشی سپردند. ارتباط آنها را با انحصارات امپریالیستی می‌توان به خوبی با دیدن کارشناسان

کارشکنی‌های گوناگون و انتصاب مدیران آمریکایی و... در جهت تقرب هرچه بیشتر به امپریالیسم حرکت می‌کنند.
۲- دیدگاه دوم از آن نیروهای خط امام است که با تمام حسن نیت خود، به علت تنگ‌نظری‌ها و نداشتن حداقل دانش و درک فنی، علمی و تاریخی از روند پیچیده وابستگی و چگونگی رهائی از آن، هر چند تعطیل کارخانه را (هر چند موقت) مد نظر داشته و عملاً خواست لیبرال‌ها را برآورده می‌سازد.
۳- دیدگاه سوم از آن نیروهای انقلابی آگاه است که با تاکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت علمی (به‌ویژه در صنایع سنگین کلیدی) کاربرد همه وسایل و امکانات مشارکت خلاقانه نیروهای موجود را با در نظر گرفتن ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر نفی تدریجی وابستگی و پی‌ریزی استقلال اقتصادی، مورد توجه قرار می‌دهد.

۱- واقعیت این است که پس از گذشت دو سال از پیروزی انقلاب، هنوز مدیران لیبرال و در راس آنها احمدزاده (وزیر مشاور در امور صنایع فولاد) بر مقدرات صنعت فولاد ایران حاکمند. نقشه لیبرال‌ها در این صنعت همچون صنایع دیگر این است که با اخلال در کار تکمیل و راه‌اندازی مجتمع و یا جلوگیری از تولید مستمر و مداوم آن، بحران اقتصادی را دامن زنند تا شاید مسئولین جمهوری اسلامی را متاصل نموده و راه را برای نزدیکی بیشتر با

عمرانی و صنعتی، اقتصاد ما به حدود ۸ میلیون تن فولاد نیاز دارد (تولید فعلی ۰/۵ میلیون تن بیشتر نیست). به ضرورت گسترش هر چه وسیع‌تر تولید فولاد، برای کاهش وابستگی اقتصادی بی‌بریم. با توجه به زبان‌های ناشی از کاربرد احیای مستقیم چه از نظر کمبود تجربه جهانی و چه از لحاظ گرانی هزینه‌ها و "سرمایه‌بر" بودن آن، باید هرچه بیشتر از روش "کوره بلند" که در ذوب‌آهن اصفهان به‌کار گرفته می‌شود (که هم ارزان‌تر و کارآمدتر است و هم امکان دریافت طرح‌ها و وسایل آن از ممالک متحد و دوست انقلاب ایران وجود دارد) استفاده نمود. به‌رحال در مقطع کنونی، مجتمع فولاد اهواز با مشکلاتی نظیر مبهم بودن سیاست اقتصادی دولت در مورد صنایع سنگین، انحصاری بودن روش احیای مستقیم، بلا تکلیفی قراردادهای نبود مدیریت انقلابی و کاردان، کمبود نیروهای متخصص و امکانات فنی و یا عدم اطلاع از آنها، مشکلات کارگری (که عمدتاً ناشی از عدم توجه اصولی به حقوق اقتصادی اجتماعی کارگران است) تورم نیروی کار، مخارج سنگین سرمایه‌ای و جاری، ناامن بودن محیط کار (منطقه جنگی) و احتیاج به امکانات فنی و نیروی انسانی مجتمع برای جبهه و پشت جبهه، روبروست. در برخورد با مشکلات برشمرده، با سه دیدگاه روبرو هستیم:

۱- دیدگاه اول از آن لیبرال‌هاست که با

امپریالیستی و پیش‌نویس قراردادهای متعدد و تلکس‌های رهنمودی مشاوران آقای احمدزاده (شیبانی، کامیاب، گوشه و...) به انحصارات امپریالیستی کورف در دفتر شرکت ملی فولاد ایران مشاهده کرد.

۲- و اما نیروهای خط امام همچنانکه گفتیم به علت عدم درک اهمیت حیاتی برنامه‌ریزی علمی در صنایع سنگین، علیرغم تمام اختلافات جدی‌ای که با تفکر لیبرالی دارد، با "حسن نیت تمام" طرح تعطیل مجتمع عظیم فولاد را آنچنان به‌اجرا درآورده و می‌آورد که در عمل نتیجه‌ای جز مجال دادن به پیشبرد سیاست‌های مزورانه و آگاهانه لیبرال‌ها در رابطه با صنایع بزرگ نداشته است.

در راس این نیروها، سرپرست کنونی مجتمع فولاد اهواز، و انجمن اسلامی قرار دارد. این نیروها با استدلالی به‌ظاهر منطقی، هنگفت بودن مخارج جاری و هزینه نیروی انسانی (۱۵۰ میلیون تومان در ماه) و اینکه کارگران به لیل رکود چند ماهه فعالیت‌های تولیدی مجتمع، روحیه و شور فعالیت خود را از دست داده‌اند، معتقد است که باید مجتمع را سه‌ماه تعطیل نمود تا چگونگی تکمیل مجتمع روشن شود و پس از آغاز مجدد کار بتوان تنها افراد لازم را به‌کار گرفت و مابقی را یا باز خرید کرد و یا در طرح‌های استاندارد، جهاد سازندگی و ارگان‌های دیگر به‌کار گرفت. این نقطه‌نظر از این امر غافل است که مشکل تورم نیروی کار مختص مجتمع فولاد اهواز نیست و در غالب بخش‌های بزرگ صنایع ایران به‌واسطه فقدان برنامه‌ریزی اصولی و سازماندهی علمی مهارت‌ها و تولید، این مشکل وجود دارد و راه‌حل آن نه در اخراج کارگران، بلکه در بسیج و کارگیری خلاق آنها در امر تکمیل و راه‌اندازی مجتمع می‌باشد. بخشی از این نیروهای خط امام از جمله موسویانی سرپرست مجتمع، ضمن تاکید بر "ضرورت تعطیل مجتمع" بقیه در صفحه ۲۱

مواد ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی (حقوق شورائی و سندیکائی کارگران)،

باید در قانون کار جدید تصریح شود

آنتی کمونیسم سلاح امپریالیسم علیه زحمتکشان (قسمت چهارم)

هدفهای استراتژیک امپریالیسم در پیکار ایدئولوژیک علیه کمونیسم

ابزرور (انگلستان)، مونرال استار (کانادا) و... ستونهای متعددی را به شرح حال و به افکار ضد شوروی این "ناراضیان" اختصاص دادند. روزنامه "وات آم زونتاگ" وقاحت را به جانی رساند که در کنار اخبار مربوط به سولزنیستین عکس زندانیانی را که در اردوگاههای کار اجباری شوروی با زنجیر به چرخ خاک کش بسته شده اند چاپ کرد! تنها عیبی که این عکس داشت، این بود که به سال ۱۹۵۷ و به تبعیدیان جزیره ساخالین در دوران تزار تعلق داشت!!

تبلیغات آنتی کمونیستی علیه سوسیالیسم تنها به اتحاد شوروی خلاصه نمی شود. امپریالیسم کل نظام سوسیالیستی و اردوگاه سوسیالیسم را نشانه گرفته است. این کارزار تبلیغاتی قبل از هر چیز بر نبود دمکراسی در کشورهای سوسیالیستی تاکید دارد و چنین وانمود می کند که در آنجا هیچ نشانی از آزادی مطبوعات، عقیده و انتقاد وجود ندارد و در صورت درخواست چنین آزادیهایی مردم با اردوگاههای کار مواجه خواهند شد. افسانه اردوگاههای کار اجباری جای ویژه ای در اخبار و مقالات امپریالیسم خبری غرب دارد. جنجال تبلیغاتی عظیمی که چند سال قبل در زمینه "حقوق بشر" از جانب کارتر و کشورهای امپریالیستی به راه افتاد، تنها نمونه کوچکی از این تبلیغات ضد کمونیستی بود. تبلیغاتی که می خواست "ایالات متحده آمریکا" را قهرمان دمکراسی و اتحاد شوروی را "خطر عمده" برای دمکراسی معرفی کند.

کارزار گسترده تبلیغاتی که مدتی است بر بستر نارساییها و اشتباهات جدی حزب کمونیست لهستان روی نارضایتیهای کارگری لهستان و شخص لهوالسا متمرکز شده است، نمونه ای دیگر از این تبلیغات زهرآگین است.

در شرایط کنونی با رشد هرچه بیشتر سوسیالیسم، امپریالیسم با یک گام عقب نشینی چنین وانمود می کند که "تبلیغات پردامنه ضد شوروی گویا نه علیه سوسیالیسم بمثابه یک نظام اجتماعی بلکه علیه "جنبه های افراطی" و "نقائص آن است و بدهرحال به کسانی که برای دست یافتن به "سوسیالیسم بهتر و نیکوتری" تلاش می کنند، مربوط نمی شود." (۲) تبلیغ گسترده ایده "سوسیالیسم با سیمای انسانی" در سالهای اخیر و استقبال بی دریغ امپریالیسم از سوسیال رفرمیست ها و اوروکومنیسم نیز از این واقعیت ناشی می شود.

۲- کوشش برای رد یا مسخ کردن مارکسیسم-لنینیسم و بی اعتبار کردن سوسیالیسم علمی. مارکسیسم لنینیسم بمثابه ایدئولوژی انقلابی طبقه کارگر تنها ایدئولوژی است که نه تنها به توضیح جهان بلکه در عین حال به دگرگون ساختن انقلابی آن می پردازد. این ایدئولوژی از آنجائی که بیانگر نیازمندیهای واقعی توده های مردم است، ضرورتا همان گونه که مارکس می گوید: "همینکه در اذهان توده ها رسوخ کند به نیروی مادی مبدل می گردد." آن نیروی مادی عظیمی که موجد انقلابات بزرگ قرن بیستم، وارد آوردن ضربات مداوم و کاری بر پیکر امپریالیسم، برپائی کشورهای سوسیالیستی و تغییرات شگرف و غروربرانگیز کنونی گشته است، این تاثیرات شگرف و روزافزون مارکسیسم -

گرفت تا به کمک سیستم های ارتباط جمعی، واقعیت آن زندگی نوینی را که با دستان پرتوان خلقهای اتحاد جماهیر شوروی ساخته و پرداخته می شد نفی نماید. آنان بدین منظور از هر حربهای سود جستند. توطئه سکوت، وارونه جلوه دادن حقایق، نفی پیشرفت ها و دستاوردها، بی اهمیت و کوچک جلوه دادن آنها، جعل اخبار و اطلاعات و...

ویلیام فاستر در این مورد می نویسد: "از همان آغاز، سرمایه داران جهان با کمک مشتاقانه سوسیال دمکراتهای راست به عملیات بی سابقه ای برای واژگونه جلوه دادن و نهمت زدن به هر گوشه از زندگی شوروی دست زدند. این عناصر متحد - اربابان و نوکرانشان - از همان آغاز متوجه شدند که سرمایه داری در مبارزه مرگ و زندگی خود باید نگذارد کارگران نسبت به آنچه دارد واقعا در اولین جمهوری سوسیالیستی می گذرد. آگاهی داشته باشند. از آن پس کوشش های خستگی ناپذیر آنها، خدشه دار کردن و کوچک نمودن اتحاد شوروی و ایجاد سدی ایدئولوژیک در مقابل آن به یک صنعت ادبی بزرگ با حقوق مکفی تبدیل شده است و متأسفانه تلاش های آنها در دروغ گوئی بی نتیجه نبوده است. در بسیاری از کشورهای سرمایه داری عمدتاً در ایالات متحده توده های مردم در پی رویدادهای اتحاد شوروی یا خیلی کم و یا هیچ نمی دانند." (۱)

آنتی سوسیالیسم (شوروی ستیزی) تنها در نفی و انکار دستاوردهای سوسیالیسم در اتحاد شوروی خلاصه نمی شود. تبلیغ روی خطر "حمله شوروی" پیوسته جای مهمی در تبلیغات ضد شوروی امپریالیسم داشته است. امروزه تئوری "دو ابر قدرت" از مهم ترین حربهای شوروی ستیزی است امپریالیسم که دیگر به هیچ وجه نمی تواند ماهیت استعمارگرانه و جنگ طلبانه خود را مخفی کند، با علم کردن این تئوری می خواهد چنین وانمود کند که سوسیالیسم نیز مانند امپریالیسم یک ابر قدرت سلطه گر و جنگ طلب است.

بزرگ کردن برخی از نارساییها و تعمیم دادن آن به کلیه شئون زندگی مردم شوروی نیز جزئی از هدف های شوروی ستیزی است. در این مورد کافی است که به تبلیغات گسترده و همه جانبه ای که مطبوعات و رادیو و تلویزیون غرب در مورد به اصطلاح "ناراضیان" شوروی و عناصر خائن و واردهای چون سولزنیستین، ساخاروف و... به راه انداختند، توجه کنیم. مدت های مدیدی تمامی امپریالیسم خبری غرب به ویژه مطبوعات کشورهای سرمایه داری نیروی خود را برای تبلیغ مسئله ناراضیان شوروی بسیج کردند. مجلات و روزنامه های سرسپرده ای چون تایمز (امریکا)، اکسپرس و لوموند (فرانسه)، اشپیگل (آلمان)،

استراتژی امپریالیسم در زمینه مبارزه ایدئولوژیک در عصر کنونی یعنی عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و به ویژه در شرایط معاصر بر اساس واکنش در برابر تعرض همه جانبه سوسیالیسم طرح ریزی شده است. امپریالیسم که خود را در تمامی زمینه ها با تعرض سوسیالیسم مواجه می بیند، در هراس از ناگزیری عینی فنای سرمایه داری در تمامی عرصه ها منجمله در عرصه مبارزه ایدئولوژیک مجبور به اتخاذ یک "استراتژی متقابل" است. این استراتژی از آنجائی که مبتنی بر واقعیات عینی و قانونمند تحول جوامع نیست، از آنجائی که صرفاً در پی حفاظت و حقانیت بخشیدن به نظامی ارتجاعی و ضد مردمی است، لاجرم آمیزه ای از دروغ پردازی، نظریات ضد انسانی، برانگیختن نفرت ملی و نژادی، انحطاط معنوی و... می باشد. ولی در عین حال این استراتژی کاملاً آگاهانه و هدفمند طرح ریزی شده است. آگاهانه بودن این استراتژی از این واقعیت منبث می گردد که سرمایه داری کاملاً به نقش و تاثیر نیروهای جهانی انقلاب واقف بوده و پیشرفت و پیروزی های آنها را به عینه مشاهده می کند. مبتنی بر این واقعیت عینی، استراتژی امپریالیسم در زمینه ایدئولوژیک همچنین هدفمند است زیرا در پی متوقف و محدود کردن پیروزی های سوسیالیسم، تضعیف و تلاشی نیروهای جهانی انقلاب و به کارگیری تمام نیرو و امکانات برای مقاومت و جلوگیری از تحقق شعار صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم می باشد. هدفها و مقاصد استراتژیکی که امپریالیسم در زمینه ایدئولوژیک تعقیب می کند دو بخش اساسی را شامل می شود:

الف: تخریب ضد انقلابی
ب: ستایشگری از سرمایه داری
ما در زیر وجوه دوگانه استراتژی امپریالیسم و هدف هائی را که در هر بخش دنبال می کند، شرح می دهیم:

الف: تخریب ضد انقلابی

استراتژی امپریالیسم در این بخش مبتنی بر مبارزه ای مستمر علیه سه نیروی جهانی انقلاب و ایدئولوژی مارکسیسم است. در این بخش امپریالیسم هدف های زیر را تعقیب می کند:

۱- مبارزه تبلیغاتی - ایدئولوژیک علیه کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی.

با برپائی اولین کشور سوسیالیستی و با تحقق یافتن ایده های کمونیستی و قرار گرفتن نمونه ای عینی در برابر کارگران و زحمتکشان جهان، امپریالیسم بلافاصله تمامی تلاش خود را به کار

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

هدفهای...

لنینیسم و نفوذ بیش از پیش آن در اذهان توده‌های خلق باعث گشته است که امپریالیسم هرچه بیشتر بر دامنه حملات خود بر مارکسیسم - لنینیسم بیافزاید. همان‌گونه که پونوماریف متذکر می‌شود:

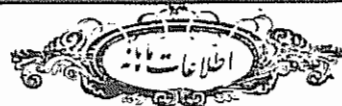
"متجاوز از یک قرن است که نظریه‌پردازان بورژوازی بی‌رحمانه و آشکارا علیه مارکسیسم عربده‌جویی می‌کنند و از آغاز قرن بیستم آن را مورد حمله همه‌جانبه قرار داده‌اند. آنتاگونیسم میان مواضع طبقاتی بورژوازی و پرولتاریا تعیین‌کننده آنتاگونیسم میان فلسفه آنها می‌باشد. یورش مستقیم بر تئوری مارکسیستی لنینیستی تا زمانی که سرمایه‌داری وجود دارد، پایان نخواهد گرفت." (۲)

در این رابطه امپریالیسم قبل از هر چیز نفی و تخطئه کلیت مارکسیسم و تبلیغ آن به عنوان یک تئوری غیرعلمی، سترو و ضدآزادی را هدف قرار داده است و سعی دارد آن را بمثابة یک ایدئولوژی دیکتاتور منشاء و "زورمداری" وانمود نماید. ولی امپریالیسم آنجا که از نفی کلیت مارکسیسم باز می‌ماند، کوشش خود را متوجه این امر می‌کند که آن را از روح انقلابی خود تهی کند، ساختار یکپارچه و بهم پیوسته آن را درهم شکند، نشان دهد که مارکسیسم-لنینیسم جهانشمول نیست و نمی‌توان آن را در تمامی عرصه‌ها به کار بست تا اینکه آن را به یک حوزه مشخص محدود نماید. براین اساس "یک اندیشه و یک اصل آن در نقطه مقابل اندیشه و اصل دیگر و یک جانب آن در نقطه مقابل جانب دیگر قرار داده می‌شود گاه به نام "مارکس جوان انسانگرا" علیه "مارکس انقلابی بعدی" به مبارزه بر می‌خیزند و گاه اعلام می‌کنند که مارکسیسم-لنینیسم تئوری نیست بلکه فقط اسلوبی (متد) است برای تحلیل‌های علمی." (۳)

در این مورد امپریالیسم بیش از هر چیز سعی دارد اندیشه‌های خود را به درون جنبش کارگری نفوذ دهد و با جامعه مارکسیستی، با یاری گرفتن از نظریات رویزیونیستی و اپورتونیستی که در جهت اهداف او است، به جنگ مارکسیسم برخیزد. به همان‌گونه که لنین می‌گوید:

"دیالکتیک تاریخ چنین است که پیروزی تئوریک مارکسیسم دشمنانش را وادار می‌سازد تا خود را به جامعه مارکسیست‌ها بیارایند."

۳- مبارزه بی‌وقفه علیه انترناسیونالیسم-پرولتری و وحدت جنبش جهانی کمونیستی. از آنجائی که انترناسیونالیسم پرولتری به نیروی بازدارنده و مستحکم در برابر تهاجمات امپریالیسم تبدیل شده است، امپریالیسم نیز یکی از هدف‌های مهم خود را مبارزه علیه وحدت و یگانگی جنبش جهانی کمونیستی قرار داده است. انترناسیونالیسم پرولتری در دوران ما گسترش و ژرفای عظیمی یافته است و عملاً مناسبات میان طبقه کارگر همه کشورها، میان احزاب کمونیست و کارگری سراسر جهان، میان کشورهای سوسیالیستی و میان اردوگاه سوسیالیسم و احزاب کمونیست با جنبش‌های رهایی‌بخش ملی را شامل می‌شود. امپریالیسم نیز با وقوف کامل به این گستردگی و تعمیق روابط انترناسیونالیستی، تمامی وجوه این مناسبات را هدف تبلیغات زهرآگین خود ساخته است. کوشش برای نفاق -



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ع. سعیدی

راه و رسم مبارزه با خطر سرخ

اقتباس از مقاله هرالدا استامان، سیاستمدار نامی آمریکا (از مجله ن. س. سی. چاپ نیویورک)

(از مجله اطلاعات ماهانه، سالهای ۳۲ - ۳۵)

نام کمونیست‌ها و نام طرفداران ایشان را مدارک موقوت‌نامی ساریب تا مردم ایشان را بشناسند.

هیچ فرد کمونیست نباید از خرافات دولت حقوق بگیرد و یا نظایر در اداره‌های ملی داشته باشد.

مردم را تبلیغ و تشویق کنید که از معاشرت با کمونیست‌ها بپرهیزند تا حلقه معاشرت ایشان لغت شود و از غرورهای بکاهد.

امپریالیسم پیوسته نیروهای ملی و مذهبی را از "خطر کمونیسم" می‌ترساند. آنها را دشمن مذهب و ملیت معرفی می‌کند. چنین وانمود می‌کند که آنها همه‌گس و هر نیرویی را "القاء ایدئولوژی" می‌کنند و باید به شدت از آنها برحذر بود. اگر در سالهای پس از جنگ جهانی دوم به رهنمود سیاستمداران ضد کمونیست امریکائی، مکتب‌گارتی‌ها و... هیاهوی "خطر سرخ" و "القاء ایدئولوژی" به راه می‌افتد و مطبوعات مهینمان جولانگاه "هرالدا استامان" برای آموزش "راه و رسم مبارزه با خطر سرخ" می‌گردد، اگر در دوران دیکتاتوری شاه خطر "القاء ایدئولوژی" روشننگران و دانشگاهیان توسط فدائیان چاشنی هر روز مطبوعات می‌گردد، اکنون نیز همچنان به رهنمود سیاستمداران امریکائی افسانه "القاء ایدئولوژی" توسط نشریات لیبرالی و نیز "انقلاب اسلامی" اشاعه می‌یابد.

القای ایدئولوژی دستورالعمل‌های مسکوب برای نفوذ و به انحراف کشیدن انقلاب چیست؟

جناح چپ‌های وابسته به مسکوب
تئوریهای پونوماریف را
طبق النعل بالنعل به اجرا
در آورده‌اند

چگونگی مقابله با القای ایدئولوژی

چگونگی نفوذ چپ‌ها
در گروه‌ها و دستجات مذهبی
در کشورهای جهان سوم

سوسیالیسم تزاری و ماکیاولیسم

بر اساس کتابچه که بر سر دهم
حظ احزاب برادری و اتحاد و اتحاد
بهر نسبت و رسیدن به حدت به هر وسیله است. در
اسودد آن‌ها فرات غریبی با ماکاولیسم دارند و
هدف مبرحالی وسیله را بوجه میکنند. فعل از رسیدن به
بوجود می‌آورند.

طراحان غربی و شرقی با روشهای
مخصوص بخود ابتدا اختلاف فلسفه‌ها
روشها و تضادهای اجتماعی را بدقت
مورد بررسی قرار میدهند و سپس با
تشویق اختلافات، محرمانه‌ای تبلیغی
بوجود می‌آورند.

۱- واسد کردن ایران به کشورهای سوسیالیستی
و از سر بردن استقلال بر عنوان اتحاد منطقه شروع با
این کشورها

القاء ایدئولوژی ساز و کارهای انحصار طلبی

انقلاب اسلامی

برزیسیستی مشاور رئیس جمهور سابق آمریکا تجلی یافته است که "انطباق کمونیسم در شرایط ویژه کشورها بقدری متفاوت و گوناگون است که کمونیسم هم مانند لیبرالیسم قرن ۱۹ هرچه بیشتر مضمون و مفهوم متحدکننده و نظریه عام و جهانی خود را از دست می‌دهد." (۶)

امپریالیسم جهانی اکنون به همان‌گونه که لنین نشان داد می‌کوشد "هر نوع بحث و جدلی را میان احزاب طبقه کارگر بزرگ کند و آن را به تفرقه و پراکندگی میدل سازد."

۴- مبارزه مشخص علیه احزاب کمونیست و مترقی.

امپریالیسم علاوه بر آنکه بطور عمومی و کلی به مبارزه علیه جنبش جهانی کمونیستی ادامه می‌دهد، در عرصه‌های مشخص نیز زهر تبلیغات ضد کمونیستی خود را علیه احزاب کمونیست و دمکرات‌های انقلابی به کار می‌برد. تبلیغات گسترده علیه ویتنام و حزب کمونیست قهرمان آن و نیز مبارزه تبلیغاتی شرم‌آور علیه جنبش انقلابی کوبا، آنگولا، یمن و... نمونه‌های مشخص این حيله امپریالیستی است. امپریالیسم

افکنی میان این نیروها، بزرگ کردن هرگونه اختلاف جزئی و تبلیغ مسئله "وابستگی" احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای دمکرات انقلابی به مسکوب از جمله ترفندهای امپریالیستی علیه وحدت جنبش جهانی کمونیستی است در این رابطه "ضد کمونیست‌ها تلاش می‌کنند برای تاکتیک خود پایه ژئوپلیتیک هم دست و پا کنند، آنها می‌گویند تعلق داشتن به مناطق مختلف جغرافیائی گویا "تناقض و ناسازگاری" هدف‌های احزاب را ایجاب می‌کند. کمونیسم "خاور" در نقطه مقابل کمونیسم "باختر" و کمونیسم "جنوب" در مقابل کمونیسم "شمال" قرار داده می‌شود. آنتی کمونیست‌ها وحدت پیروان انقلابی جهان و قانونمندی‌های عام آن را که پیشرفت و گذار جامعه بشری را به صلح پایدار و سوسیالیسم ایجاب می‌کند، نفی می‌نمایند." (۵)

امپریالیست‌ها می‌کوشند تفاوت‌های ناگزیری را که در نتیجه انطباق خلاق مارکسیسم لنینیسم با شرایط مشخص هر جامعه‌ای بروز می‌کند، برجسته کرده و بر آن تاکید نمایند و از همین راه مضمون عام و جهانی کمونیسم را نفی کرده و به اصطلاح "کمونیسم چند دکترینی" را جایگزین آن نمایند این نیرنگ امپریالیستی بخوبی در این گفته

نقشه در صفحه ۲۴

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

بقیه از صفحه ۲۳

آنتی کمونیسم سلاح ...

برای منزوی کردن و بی اعتبار ساختن این احزاب کمونیست و انقلابی بیش از هر چیز سعی دارد آنها را سوابسته به مسکو قلمداد نماید. امپریالیسم تمامی سعی خود را به کار می گیرد تا با تبلیغ علیه احزاب کمونیست و مترقی موجبات انزوا و انفراد آنها را فراهم آورد. در همین عرصه همچنین باید از تاکتیکها و ترفندهای گوناگونی که امپریالیسم برای شکاف انداختن میان نیروهای کمونیست و ملی به کار می برد، نام برد. امپریالیسم پیوسته نیروهای ملی و مذهبی را از خطر کمونیسم، از خطر سرخ می ترساند و آنها را "دشمن مذهب و ملیت" معرفی می کند. چنین القاء می کند که کمونیستها همه گس و هر نیروئی را "القاء ایدئولوژی" می کنند و باید به شدت از آنها بر حذر بود. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم با تاکید بر این جنبه "هرالداستاسن" سیاستمدار ضد کمونیست امریکائی مقاله ای تحت عنوان "راه و رسم مبارزه با خطر سرخ" در مجله "ن.ب.سی. نیویورک" نوشت که بلافاصله مانند دیگر مقالات مشابه توسط عمال امپریالیسم در سطح وسیع در نشریات داخلی میهنمان منعکس گشت و در آن برای جلوگیری از "القاء ایدئولوژی" مردم توسط "ستون پنجم کمینفرم" دستورالعملهای دوازده گانه خود را شرح داد.

هم اکنون نیز به رهنمود سیاستمداران ضد کمونیست امریکائی افسانه "القاء ایدئولوژی" توسط لیبرالها در میهنمان دامن زده می شود. امپریالیستها بخوبی پی برده اند که تنها راه به شکست کشاندن جنبشهای انقلابی، تضعیف وحدت نیروهای انقلابی و شدت دادن به تضادهای فرعی میان آنان است به همین دلیل از هیچ تاکتیک و ترفند نفاق افکنانه ای فروگذار نیستند.

۵- مبارزه بی وقفه علیه جنبشهای رهائی بخش.

با گسترش جنبشهای رهائی بخش در شرایط مساعد پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی سیستم مستعمراتی، امپریالیسم نیز بخش قابل ملاحظه ای از تبلیغات خود را بر تهمت زنی و نفی این جنبشها متمرکز ساخت. آنها که در عمل درمی یافتند که نمی توانند جلوی رهائی خلقها و توده های محروم مستعمرات را سد کنند، به منظور جلوگیری از گسترش این جنبشها و نیز زمینه سازی برای تهاجمها و سرکوبهای بعدی تبلیغات همه جانبه ای را علیه این جنبشها آغاز کردند. در این مورد کافی است که به تبلیغات گسترده امپریالیسم علیه جنبشهای رهائی بخش منطقه، علیه خلق قهرمان فلسطین، جنبش انقلابی خلق یمن، جنبش رهائی بخش ظفار، رزمندگان صحرا و نیز انقلاب ایران توجه کنیم. مجلات و رادیو و تلویزیون سرمایه داری و به عبارت دیگر امپریالیسم خبری غرب از اشاعه بدترین دروغها و ترسیم بدترین چهره ها علیه جنبشهای رهائی بخش منطقه خودداری نکرده اند نمودارهای آماری دروغین در مورد کشتارهای بی رحمانه و دسته جمعی!! در افغانستان که ما

هر روز نمونه های فراوانی از آن را در نشریات لیبرالی و نشریات وابسته به نیروهای قشری و انحصارگر میهنمان مشاهده می کنیم، جزئی از این تبلیغات است. چند سال قبل مجله تایم یکی از بزرگترین مجلات هفتگی امریکا کاریکاتوری کشیده بود که در آن یک عرب به صورت یک گول زشت در حال دریدن کره خاکی است. رفیق پونوماریف هدف نهائی ایدئولوگهای امپریالیستی در تبلیغات علیه جنبشهای رهائی بخش را "پنهان ساختن علل واقعی روندهای مزبور و تبیین آنها به عنوان محصول نوعی "مداخله خارجی" و بدین وسیله توجیه مداخله خود در امور سایر کشورها و خلقها جهت تحکیم سلطه سیستم امپریالیستی دانسته و تاکید می کند که "محور تمام تفسیرهای آنان جعلیاتی است که درباره "دست مسکو" عنوان می کنند این جعلیات بارها و بارها به عنوان یک "گشکف جدید" به وسیله دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم در سراسر جهان پخش می شود." (۷) این تبلیغات بیش از همه بر روی آن بخش از جنبشهای رهائی بخش (یمن جنوبی، آنگولا، موزامبیک، اتیوپی) متمرکز شده است که پس از پیروزی، سمت گیری سوسیالیستی را انتخاب کرده اند.

ب- ستایشگری از سرمایه داری

امپریالیسم علاوه بر حمله آشکار به سوسیالیسم و کاربست تمام ترفندهای آنتی کمونیستی، همچنین کوشش می کند تا از طریق تمامی سیستم های ارتباط جمعی و شبکه های وسیع تبلیغی خود در برابر پیروزیهای چشم گیر سوسیالیسم به ستایشگری از نظام سرمایه داری و تبلیغ برتری آن بر سوسیالیسم و تصویر آینده ای بهتر برای آن مبادرت ورزد. در این بخش امپریالیسم هدفهای زیر را تعقیب می کند:

۱- تلاش مذبوحانه برای اثبات حقانیت و برتری سرمایه داری. امپریالیسم اکنون بخش قابل ملاحظه ای از کوششهای خود را بر تبلیغ شیوه زندگی، رواج اخلاق مسموم بورژوازی، بر ستایشگری از مناسبات سرمایه داری و از این طریق حقانیت بخشیدن به این نظام متمرکز ساخته است. امپریالیسم سعی دارد به گونه ای دروغین در برابر نظام سوسیالیستی، "جهان آزاد"، "کشورهای مهد دمکراسی و پیشرفت های اجتماعی"، "سرمایه داری خلقی"، "دولت بهبود بخش"، "دولت خدمتگزار جامعه"، "مشارکت و همکاری اجتماعی"، "جامعه در باز" و... را قرار دهد. تئوریسین های سرمایه داری به انحاء مختلف سعی دارند تضادهای عریان طبقاتی را که ذاتی جوامع سرمایه داری است، توجیه کرده و این ایده را در ذهن زحمتکشان کشورهای سرمایه داری فرو برند که "ما همه اعضای یک خانواده خوشبختیم." آنها به ویژه با ارائه نمودارهای آماری جعلی سعی دارند نشان دهند که سطح زندگی کلیه کارگران و زحمتکشان بسیار بالا و تضادهای طبقاتی بسیار اندک است. آمارگران امپریالیستی در این زمینه و برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیز سعی دارند تا واقعیات وحشتناک و تکان دهنده و جنایات و کثافتاتی را که از ژرفای نظام سرمایه داری نشأت می گیرد، لاپوشانی کنند و در این راه از هیچ دروغ پردازی و حیل و حیرنگی

ابا ندارند. به قول کاسترو "امپریالیستها می توانند بزرگترین دروغها را به هم بیافند تا وحشتناک ترین اعمال را لاپوشانی کنند." (۸)

۲- تبلیغ لیبرالیسم و اشکال گوناگون ایده آلیسم. به قول کاسترو "امپریالیستها می توانند بزرگترین دروغها را به هم بیافند تا وحشتناک ترین اعمال را لاپوشانی کنند." (۸) ۲- تبلیغ لیبرالیسم و اشکال گوناگون ایده آلیسم. به قول کاسترو "امپریالیستها می توانند بزرگترین دروغها را به هم بیافند تا وحشتناک ترین اعمال را لاپوشانی کنند." (۸)

تبلیغ لیبرالیسم در تمامی وجوه آن و اشاعه اشکال گوناگون ایده آلیسم به نحوی که بتواند توجیه گر سیاستهای تجاوزگرانه و اعمال غیر انسانی امپریالیسم باشد، از ضروریات کنونی نظام سرمایه داری است. نظام سرمایه داری نمی تواند بدون انکاء به لیبرالیسم و ایده آلیسم به بقای خود ادامه دهد. به همین دلیل از نقش مخرب مکاتب ایده آلیستی در قرن بیستم و ایده آلیسم معاصر نه تنها کاسته نشده بلکه شدت نیز یافته است. به گفته جان لوئیز فیلسوف انگلیسی:

"این واقعیت که ایدئولوژی جامعه بورژوازی معاصر در آخرین تحلیل بازتاب فساد و تلاشی جامعه است مانع آن نیست که این ایدئولوژی در توجیه این سیستم اجتماعی و دفاع از آن در قبالات انتقادات نقش بسیار فعال داشته باشد." (۹) رواج مکاتب مختلف ایده آلیستی قرن بیستم پوزیتیویسم، اگریستانسیالیسم و... کوشش پیگیرانه ای که امپریالیستها برای اشاعه نظرات ویلیام جمس، جان دیوئی و امثالهم به کار گرفته است همگی نشانگر نقش و اهمیت کنونی این مکاتب در توجیه نظام سرمایه داری و حقانیت بخشیدن به این نظام غارتگرانه است.

ایدئالیسم معاصر سعی دارد که با سوء استفاده از دستاوردهای علمی و تکنیکی جدید همان ایده های کهن را در قالب نوینی عرضه نماید. اهداف مکاتب ایده آلیستی معاصر که در خدمت نظام سرمایه داری به کار گرفته می شود، بر خنثی ساختن نظرات کمونیسم علمی، تبلیغ اندیشه زبونی انسان در قبال جهان، توجیه سرشت تجاوزکار انسانی، توجیه و اجتناب ناپذیر و ابدی جلوه دادن تضادهای طبقاتی، بی اثر بودن پیکار طبقاتی، انکار نقش خلاق و سازنده انسان، تبلیغ قدرگرائی و ترسیم سرنوشتی محتوم و از قبل تعیین شده برای انسانها قرار دارد.

۳- تبلیغ آینده ای امیدبخش برای سرمایه داری. ایدئولوژی طبقه کارگر که بر پایه مبارزه طبقاتی استوار است، از مدتها قبل ناقوس فتنای ناگزیر سرمایه داری را به صدا در آورده است. در شرایط کنونی که سوسیالیسم در تمامی عرصه ها منجمله در عرصه ایدئولوژیک در حال تعرض است، سرمایه داری در هراس از این واقعیت سعی دارد در پیش چشمان زحمتکشان جوامع سرمایه داری یک دورنمای تاریخی امیدبخش برای جامعه سرمایه داری تصویر نماید و آن را بمثابة "سیستمی که راه آینده بر روی آن باز است" عرضه نماید تا از این طریق اولاً اجتناب ناپذیری گذار انقلابی به سوسیالیسم را مردود اعلام کند و ثانیاً سرمایه داری را با آینده ای عادلانه، امیدبخش و قابل انکاء جلوه دهد.

تصویر آینده مطلوب و امیدبخش اکنون در قالب تئوریها و نظریات مختلف ارائه می شود. تئوریسین های سرمایه داری سعی دارند نشان دهند که جامعه آینده سرمایه داری به عنوان یک جامعه "ماوراء صنعتی" جامعه ای است به مراتب بهتر از جوامع سوسیالیستی. جامعه ای

بقیه در صفحه ۲۵

استقلال - کار - مسکن - آزادی

رفیق "محمد رضا اکبری اسبق"

در جریان فتح ارتفاعات الله اکبر

به شهادت رسید

شهادت رفیق "محمد رضا اکبری اسبق" به همراه دیگر جانبازان راه آزادی و استقلال میهن در ارتفاعات الله اکبر، گواه دیگری است بر اراده توانای خلق‌های قهرمان میهنمان که مصمم‌تر از هر زمان دیگر بر آنست تا دست تجاوزگر امپریالیسم را برای همیشه از میهنمان کوتاه گرداند.

رفیق محمد رضا اکبری اسبق در مرند آذربایجان، در میان خانواده زحمتکش دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی را در مرند، دوره دبیرستان را در ارومیه و دوره دانشگاه را در تهران طی نمود. از بدو ورود به دانشگاه در جمع دانشجویان آگاه و مبارزی که پرچم ستیز با دیکتاتوری وابسته شاه را برافراشته بودند، قرار گرفت و شخصیت مبارزه جویش جلا یافت. در همان جمع با سوسیالیسم علمی، این مکتب رهایی انسان از بردگی و بندگی سرمایه آشنا شد، و زندگی سرشار از تلاش را با منافع کارگران و زحمتکشان میهنمان پیوند داد. در سال ۵۵ بخدمت سربازی

خوانده شد. اما در محیط "پادگان‌های آریامهری" نیز دست از تلاش برنداشت و با امکانات محدودی که بدست آورده بود به کمک جمعی از پرسنل انقلابی به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های دست‌نویس علیه شاه و نظام اطاعت کور کورانه حاکمه بر ارتش شاه پرداخت که بعد از مدتی تحت تعقیب قرار گرفت و ناچار به فرار شد و با شروع خیزش توده‌های و امکان فعالیت علنی در شهرها به زادگاهش مرند برگشت و دوشادوش مردم مبارز شهرش علیه رژیم شاه به مبارزه برخاست. با پیروزی انقلاب و گسترش تشکیلاتی سازمان رفیق محمد رضا اکبری اسبق

به سازمان پیوست و از آن تاریخ با شور و پیگیری زایدالوصفی به پیشبرد اهداف انقلابی سازمان پرداخت. هنوز هم دیوارهای شهر، شعارهای "مرگ بر آمریکا" و اتحاد اتحاد علیه امپریالیسم را که رفیق شهید ما ماهها قبل بر روی آنها نوشته است، فریاد می‌زند. همچنین رفیق در کنار دیگر فعالیت‌های سازمانی و انقلابی خویش در شهر مرند کتابفروشی "راه نو" را دایر نمود که علیرغم فشارها و تهدیدات عناصر قشری و ضدانقلابیون، مرکزی برای ارائه کتب علمی و آثار نویسندگان انقلابی و نشریات سازمان و نیز سنگری

برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلابیون وابسته بدان بود. این کتابفروشی پس از بارها حمله و غارت اموال آن، و بر پائی مجدد آن توسط رفیق که از کوشش خستگی ناپذیر او حکایت می‌کرد، بوسیله عناصر قشری و انحصار طلب تعطیل گردید.

با شروع جنگ تجاوز کارانه و تحمیلی رژیم مرتجع عراق علیه انقلاب مردم ما رفیق بر اساس رهنمود سازمان بطور داوطلب عازم جبهه از طریق بسیج با ارتش شد و سرانجام بعد از رشادتها و قهرمانی‌های فراوان که در راه دفاع از آرمان سترگ کارگران و زحمتکشان انجام داد، در آخرین لحظات تصرف ارتفاعات الله اکبر سوسنگرد به شهادت رسید.

جنازه رفیق شهید محمد رضا اکبری اسبق روز ۴ خرداد به مرند حمل شد و روز ششم خرداد به دعوت سپاه پاسداران طی تشییع جنازه باشکوهی به خاک سپرده شد. در جریان تشییع جنازه در حالیکه جنازه شهید گلگون کفن خلق چون درفش سرخی

بر شانه‌های زحمتکشان شهر در اهتزاز بود و مردم فریاد می‌زدند: "این سند جنایت آمریکا است"، عده‌ای عناصر قشری و انحصار طلب با طرح شعارهای انحرافی و تفرقه افکنانه سعی در وارونه جلوه دادن حقیقت نمودند. برای نمونه در جلو منزل رفیق و در جمع بستگان داغدار او باهای و جنجال "مرگ بر کمونیست"، "مرگ بر فدائی" موجب تاثر خاطر تشییع کنندگان شدند که از مدت‌ها قبل و از نزدیک با ایدئولوژی و تعلق سازمانی شهید آشنائی داشتند. عدم برخورد نهادهای قانونی با این دسته از قانون شکنان و علاوه بر آن حضور افراد منتسب به سپاه پاسداران و دیگر ارگان‌های انقلابی در بین آنان، موجب کمال تا سف ما و همه نیروهای ترقیخواه است.

یاد افتخار آفرین رفیق شهید، فدائی خلق! محمد رضا اکبری اسبق که در راه استقلال و آزادی میهن و در راه رهایی زحمتکشان به شهادت رسید همیشه در قلب پر طپش خلق زنده است.

ماهیت عوام‌فریبانه تبلیغات حکومت ژاپن و ناتوانی این رژیم در پاسخ‌گوئی به خواست‌های واقعی زحمتکشان پیوندهای اساسی ژاپن و امپریالیسم آمریکا را با وضوح بیشتری مشاهده کردند. در سال ۱۹۷۶ بزرگترین افتضاح رشوه خواری مقامات حکومتی ژاپن برملا شد که رشوه‌هایی به مبلغ چندین میلیون دلار از شرکت آمریکائی لاک هید دریافت کرده بودند. افشای این مساله تأثیری شایان در روشنگری توده‌های مردم برجای گذاشت. مردم ژاپن بارها اعتراضات خود را علیه اتحاد نامقدس حکومت ژاپن با امپریالیسم آمریکا ابراز داشته‌اند، که از آن جمله اعتراض به همکاری‌های حکومت ژاپن با آمریکا در جنگ ویتنام و همچنین اعتراض به تسلیم پایگاه‌های نظامی اوکیناوا به امپریالیسم آمریکا بوده است.

در دوره رونق بعد از آن که تا سال ۱۹۷۷ دوام یافت درآمد واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان کشور رو به کاهش گذاشت و در عین حال بیکاری به ارقامی سرسام‌آور رسید. طبق آمار رسمی دولت ژاپن تعداد بیکاران در فاصله سال‌های ۷۸-۱۹۷۶ بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰ نفر یعنی ۲۲ درصد کل نیروی کار بود.

در حال حاضر تعداد بیکاران این کشور براساس آمار منابع پژوهشی بالغ بر ۴/۵ میلیون نفر می‌باشد و قیمت کالاهای اساسی و خدمات به سرعت افزایش یافته و ورشکستگی موسسات کوچک و متوسط بازمه فزونی یافته است. بحران سال ۷۵-۱۹۷۴ و پیامدهای آن اسطوره ثبات و رشد بدون بحران در جامعه سرمایه‌داری را در هم نوردید و پوچی این تبلیغات را عیان ساخت. توده‌های مردم ژاپن در خلال این بحران از یکسو به

شدیداً رو به کاهش گذاشت و این کاهش تا پایان سال ۱۹۷۱ ادامه یافت و اقتصاد ژاپن را با بزرگترین و عمیق‌ترین بحران خود روبرو ساخت. نتایج بلافصل این بحران عبارت بود از افزایش شدید ورشکستگی موسسات کوچک و متوسط تولیدی و نیز افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم ژاپن.

دولت ژاپن با الغاء قانون کنترل بر اعتبارات بانکی و پائین آوردن نرخ بهره و اقدامات دیگری از این نوع توانست تا اندازه‌ای بر بحران فائق آید. اما در پایان سال ۱۹۷۳ بار دیگر بحران اقتصادی بی‌سابقه‌ای آغاز شد که مدت ۱۵ ماه بطول انجامید. بحران سیکلی ۱۹۷۵-۱۹۷۴ که تمام حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی ژاپن را در بر گرفت آسیب‌هایی جدی بر زندگی توده‌های زحمتکش ژاپن وارد ساخت. در خلال این دوره بحرانی و حتی

بقیه از صفحه ۱۱

امپریالیسم ژاپن...

همه این تلاش‌ها را نقش بر آب کرد. در آغاز دهه هفتاد، عوامل گذرای رشد اقتصادی از کارآیی باز ماندند و ژاپن به عرصه مشکلات روز افزون اقتصادی گام نهاد. در نیمه دوم سال ۱۹۷۵ نرخ رشد صنعتی

بحران سرمایه‌داری قلمداد نمایند. آنان تلاش داشتند که رشد اقتصادی سریع را یکی از ویژگی‌های عمومی جامعه سرمایه‌داری مدرن ارائه دهند. اما گذشت زمان و عملکرد مکانیسم‌های سرمایه‌داری در اقتصاد ژاپن

آنتی کمونیسم سلاح

است خالی از تضادهای طبقاتی دیمکراتیک و حلال تمامی مشکلات اجتماعی. به عبارت دیگر آنها سعی در تصویر یک نوع جامعه "سرمایه‌داری خلقی" دارند!

ادامه دارد

- (۱) ویلیام فاستر، تاریخ سه انترناسیونال، ج اول، ص ۳۴۹
- (۲) از کیاس پایوانو، برخی از خصائل و گرایش‌های آنتی کمونیستی در اواخر سال‌های ۷۰
- (۳) پونوماریف، انگیزه حملات به مارکسیسم - لنینیسم، ص ۹
- (۴) دومینیک اورپانی، آموزش‌هایی که واقعیت جهان را توضیح می‌دهند و ...
- (۵) از کیاس پایوانو، برخی از خصائل ...
- (۶) همانجا
- (۷) پونوماریف، جنبش‌های رهایی بخش شکست ناپذیرند
- (۸) کاسترو، به سوی سوسیالیسم ص ۱۸
- (۹) جان لوئیز، خرافات در کسوت حقیقت

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحمیم بخشیم

به مناسبت ۱۶ خرداد روز پاسدار

رژه پاسداران در برابر قانون اساسی نشانه پایبندی آنان

به قانون

★ تفنگ هر پاسدار همواره باید قلب امپریالیسم آمریکا را نشانه رود!

سپاه پاسداران باید از عناصر ضدانقلابی تصفیه شود و به عامل نیرومندی در جهت استقرار قانون بدل گردد.



دشمنان انقلاب از سوئی می‌کوشند تا با تبلیغ روی نقاط ضعف سپاه و برجسته کردن اقدامات انحصار طلبانه و ضد دمکراتیک آن توده‌های مردم را نسبت به این نهاد مردمی بدبین کرده و پاسدار را در برابر مردم قرار دهند. تبلیغات مخرب و ضدانقلابی رادیوها و نشریات امپریالیستی، لیبرالی و مائوئیستی در واقع در خدمت چنین هدفی قرار دارد.

از سوی دیگر ضدانقلاب داخلی در این جهت هم کوشش می‌کند که با نفوذ در سپاه پاسداران آن را از درون فاسد کرده و از مسیر ضد امپریالیستی خود خارج سازد. متأسفانه تلاش‌های ضدانقلابی این نیروها تا اندازه‌ای به بار نشسته و گروهی از عناصر ضدانقلابی روحانیون مرتجع و حتی ساواکی‌ها و... در این ارگان مردمی نفوذ کرده‌اند و در موارد متعددی سپاه را به نقض حقوق دمکراتیک مردم، دفاع از خوانین در برابر دهقانان، سرمایه‌داران و تجار در برابر کارگران و زحمتکشان و... گشاده‌اند.

گرایشات انحصار طلبانه موجود در جمهوری اسلامی نه تنها به چنین اعمال ضد انقلابی میدان داده بلکه خود زمینه‌ساز موارد نقض حقوق دمکراتیک مردم و در رو قرار دادن سپاه با زحمتکشان میهنان گردیده است. چنین عملکردهایی بسیار خطرناک است. کوشش‌های آگاهانه ضدانقلاب و ناآگاهانه برخی مدافعین انقلاب برای رو در رو قرار دادن پاسداران در برابر توده‌ها، موجب بی‌اعتباری این نهاد، تضعیف پایه محروم ساختن انقلاب از وفادارترین نیروی مسلح خویش می‌باشد.

مسئولین جمهوری اسلامی، فرماندهان سپاه و همه پاسداران مومن به انقلاب باید بطور جدی به عواقب چنین برخوردهائی بیاندیشند و اجازه ندهند پیوند سپاه با توده‌های مردم گسیخته شود. از جمله بقیه در صفحه ۲۷

کنید! "رام طرح کرد. استقبال پر شور مردم، پاسداران و برخی جریان‌ها و شخصیت‌های جمهوری اسلامی باعث شد که علیرغم کارشکنی‌های فراوان، جدیت بیشتری در جهت آموزش و تجهیز پاسداران به سلاح سنگین به عمل آمده و قدرت رزمی این نیروی ضد امپریالیست را در جبهه‌های جنگ بطور قابل ملاحظه‌ای بالا برد.

اکنون پاسداران که ایمان انقلابی خود را با ده ماه تجربه گرانبهای جنگ درهم آمیخته‌اند، به ستون نیرومند دفاع از مرزهای میهن انقلابی تبدیل شده‌اند و دوشادوش دیگر رزمندگان مستقر در جبهه از استقلال و آزادی میهن دفاع می‌کنند. به دلیل این ویژگی‌ها و نقش حساس سپاه در پاسداری از انقلاب، امپریالیسم آمریکا و ایادی و متحدان آن، ضدانقلاب داخلی، لیبرالها مائوئیست‌ها و... همواره توطئه‌گری علیه سپاه را در مرکز توجه قرار داده‌اند.

برای مقابله یا تهاجم ارتش اشغالگر دشمن بود، جانبازی‌ها و از خود - گذشتگی افراد سپاه پاسداران و دیگر نیروهای مردمی سد استواری در برابر یورش سیل‌آسای دشمن برپا کرد. افراد سپاه علیرغم کم - تجربگی و عدم مهارت در جنگ‌های منظم و کلاسیک، با از خودگذشتگی و نیروی ایمان به انقلاب در راه سد کردن نفوذ ارتش متجاوز صدام به بخش‌های بیشتری از میهن نقش برجسته‌ای ایفاء کردند و در ایفای همین نقش صحنه‌های شگوه‌مندی از فداکاری در راه خلق را آفریدند. پایداری حماسی پاسداران در خونین‌شهر، همواره در تاریخ مبارزات غرورآفرین مردم ایران علیه امپریالیسم جهانی در یادها و قلب‌ها باقی خواهد ماند. سازمان ما در نخستین روزهای آغاز جنگ تحمیلی با ارزیابی از نقش حساس سپاه پاسداران در این جنگ بدرستی شعار "پاسداران را به سلاح سنگین مجهز

در درهم شکستن بقایای ماشین حکومتی رژیم پیشین دستگیری سران ساواک، ارتش آریامهری و دیگر سرسپردگان رژیم امریکائی شاه، سرکوب اشرا و قاچاقچیان، کشف و سرکوب باندها و محافل سلطنت طلب و مقابله با دستجات مسلح ضدانقلابی نقشی جدی برعهده داشته است. پایبندی تشدیدتلاش‌های ضدانقلابی و براندازی امپریالیسم آمریکا اهمیت این ارگان مسلح توده‌ای نیز در دفاع از انقلاب افزایش یافت نقش سپاه در سرکوب شورش سال ۵۸ در آذربایجان که به رهبری روحانیون مرتجع و عناصر وابسته به امپریالیسم ایجادگردید و کوششی که در جریان حمله نظامی امریکای جهان‌خوار به طیس برای کشف اسرار این تهاجم از سوی پاسداران به عمل آمد و منجر به شهادت اسرارآمیز فرمانده سپاه در یزد گردید، نقش فعال سپاه را در کشف و سرکوب توطئه‌های ضدانقلابی بخوبی روشن می‌سازد. این نقش به‌ویژه در جریان کودتای نوژه بیش از پیش آشکار شد. کودتای امریکائی نوژه که در صورت موفقیت حداقل منجر به شکست کوتاه مدت انقلاب می‌گردید با هشیاری سپاه پاسداران و ارتشیان میهن‌پرست و انقلابی در نطفه خفه شد.

شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران جبهه جدید نبرد ضدانقلاب جهانی علیه انقلاب میهن ما بود. باید گفت که سپاه پاسداران از این عرصه نبرد نیز با موفقیت و سربلندی بیرون آمده است. در روزهای نخست جنگ که ارتش جمهوری اسلامی فاقد سازماندهی و آمادگی لازم

۱۶ خرداد، روز پاسدار با برگزاری مراسم پرشکوه و رژه مسلحانه پاسداران در سراسر کشور برگزار شد. در این مراسم واحدهای مختلف سپاه پاسداران از برابر مردم و قانون اساسی رژه رفته و این بازوی انقلاب را به نمایش نهادند. توده‌های استقبال کننده همه‌جا با شعارهای مرگ بر آمریکا و پاسدار می‌رزم، امریکا می‌لرزد پاسداران انقلاب را به تشدید پیکار علیه امریکای جهان‌خوار تشویق می‌کردند. این خواست مردم در پیام ۱۶ خرداد امام خمینی نیز متجلی شد که در پیام خود به پاسداران تاکید کردند:

" امریکای جهان‌خوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعش او را راحت نخواهند گذاشت." سازمان ما ضمن تهنیت به تمامی پاسدارانی که در جبهه‌های جنگ و در پشت جبهه به پیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن مشغولند، روز پاسدار را گرمای داشته و حمایت و جانبداری خود را از اقدامات ضد امپریالیستی و مردمی سپاه که منطبق بر مصالح و منافع خلق ماست اعلام می‌دارد.

فعالیت سپاه پاسداران از پیروزی انقلاب بدین سو، در کلیت خویش خصلت ضد امپریالیستی داشته و در راستای مقابله با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا و حراست از دستاوردهای انقلاب مردم میهن ما بوده است. "سپاه" که نهادی جوشیده از متن مبارزات خونبار مردم میهن ماست

درد مشترک

لیبرالهای ایرانی و فئودالهای افغانی!

دوستی با آمریکا بزند و مورد خشم و نفرت آنها قرار نگیرد. به همین دلیل دست‌اندرکاران میزان مجبور بودند در "مستقل" نشان دادن شورشیان افغانی بیش از منابع غربی هشیار باشند. آنها در این مورد چندان بی‌تجربه هم نیستند. چرا که مدت دو سال و نیم است در مورد خود چنین رفتاری دارند!

به منظور حفظ همین هشیری است که خبرنگار میزان بار سفر بست تا مقالات و "رپرتاژهای" به اصطلاح زنده که نتیجه مشاهدات نزدیک و مستقیم خودش است، در باره "مجاهدین" افغانی تهیه کند که هم به‌زعم آنان با روحیه مردم ایران همخوانی داشته باشد و هم برای همیشه به "شایعات" ناراحت‌کننده‌ای که در مورد رابطه شورشیان با امپریالیسم آمریکا وجود دارد، پایان دهد تا بلکه بتواند حمایت مردم ایران را نسبت به این "انقلابیون" جلب کند! خبرنگار میزان در طول سفر خود بسیار کوشیده است که مدارکی دال بر "استقلال" طلبی شورشیان "کشف" نموده و به مردم ایران ارائه دهد. مهم‌ترین دلیلی که این خبرنگار در طول سفر

چندی پیش لیبرالهای میزان نویس دست به یک اقدام "جسورانه زدند و با اعزام خبرنگار خود به افغانستان در صدد اثبات برخی حقایقی" که در آنجا می‌گردد، برآمدند! خبرنگار روزنامه پس از اینکه همراه تنی چند از "مجاهدین" افغانی به گشت و گذار میان شورشیان پرداخته، نتایج سفر خود را در ۳ شماره روزنامه فوق (۶، ۷، ۸ خرداد) تحت عنوان "دوهفته در کنار مجاهدین افغانی" به چاپ رسانده است.

روزنامه میزان که در پیشبرد سیاست عمومی امپریالیسم نسبت به افغانستان "محضوراتی" دارد، نمی‌تواند همیشه مقالات و اخبار منابع امپریالیستی را مو به مو نقل کند. در واقع از یک طرف با توجه به "شایعاتی" که مبنی بر "سازشکاری"، "تمایل به غرب" و... نسبت به این روزنامه بر سر زبانهاست، نمی‌شود پیاپی از مقالات روزنامه‌های غربی استفاده کرد و بی‌گدار به آب این "شایعات" زد و از سوی دیگر اخبار و مقالات روزنامه‌های امپریالیستی معمولاً در پنهان داشتن دخالت آمریکا در حوادث افغانستان و رابطه "مجاهدین" افغانی با امپریالیسم جهانی و کشورهای ارتجاعی دقت لازم را به خرج نمی‌دهند و به همین جهت نمی‌توان آنها را کاملاً "بسته‌بندی‌شده" در میهن ما به‌کار گرفت. زیرا در میان مردم ایران آنچنان شور ضد امپریالیستی زیاد و نفرت و تنفر از امپریالیسم آمریکا عمیق است که هیچ نیرویی نمی‌تواند دم از

افغانی را "بسیار مفید" نامید. پوزیدنت ریگان نیز در یک گفتگو با خبرنگار شرکت تلویزیونی ای.بی.سی اظهار داشت که ایالات متحده آمریکا قصد دارد تا با "ارسال اسلحه" به باندهای جانی مزدور کمک کند. فراموش نکرده‌ایم که چندی پیش نیز رادیوی بی.بی.سی اعلام داشته بود تعدادی از مزدوران انگلیسی و آمریکایی به پاکستان رفته‌اند تا از آنجا به کمک "انقلابیون" افغانی بشتابند...

حالا مانده است که روزنامه میزان توضیح دهد پس این سلاح‌های ارسالی به کجا می‌روند؟ آن کمک‌های کدائی از چه قماش است؟ این چگونه مبارزه "استقلال طلبانه" ای است که این چنین مورد حمایت بی‌دریغ امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و... قرار گرفته است؟ اما تصور نکنیم که ذکر این حقایق می‌تواند در روش لیبرالها تاثیر بگذارد. در واقع به خاطر همین وابستگی است که لیبرالهای وطنی این‌همه "مجاهدین" افغانی را دوست دارند و بخاطر رساندن صدای "مظلومانه" آنها به گوش مردم میهن ما رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند. دوستی لیبرالهای ایرانی و "مجاهدین" افغانی عمیق‌تر از آن است که با انتشار "خبرکوچکی" مبنی بر کمک امپریالیسم آمریکا نسبت به شورشیان از هم‌بگسلد. خبرنگار میزان این دوستی دو جانبه را در مقاله مورد بحث چنین تصویر کرده است: "مجاهدین افغانی قریب به اتفاق همه دوستدار روزنامه (میزان) بودند چرا که به اظهار آنها مسئولین میزان

بقیه از صفحه ۲۶

رژه پاسداران...

مداخلات مثبتی که در حفظ پیوندهای مردمی سپاه صورت گرفته است، علیرغم ضعف‌ها و نارسائی‌های آن، ادغام بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران به منظور گسترش پایه‌توده‌ای سپاه بوده است. این اقدام مثبت باید با اقدامات جدی دیگری تکمیل شود. به اعتقاد ما اقدامات زیر در جهت تحکیم و تثبیت سپاه به عنوان یک نهاد ضد امپریالیستی، مردمی و ضد انقلاب داخلی.

۳- قطع تصفیه عناصر ترقیخواه و ضد امپریالیست که به بهانه داشتن گرایشات "غیرمکتبی" تصفیه می‌شوند و بازگرداندن کلیه عناصر انقلابی که بدین بهانه اخراج شده‌اند.

۴- تجهیز و آموزش افراد سپاه به سلاح‌های سنگین به منظور بالا بردن توان رزمی و قدرت مقابله این نهاد مردمی در برابر توطئه‌های دشمنان انقلاب.

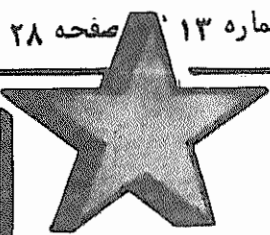
۵- گسترش همکاری بین افراد سپاه پاسداران با سایر نیروهای انتظامی به‌ویژه سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست به منظور تقویت مقاومت خلق در

مداخلات مثبتی که در حفظ پیوندهای مردمی سپاه صورت گرفته است، علیرغم ضعف‌ها و نارسائی‌های آن، ادغام بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران به منظور گسترش پایه‌توده‌ای سپاه بوده است. این اقدام مثبت باید با اقدامات جدی دیگری تکمیل شود. به اعتقاد ما اقدامات زیر در جهت تحکیم و تثبیت سپاه به عنوان یک نهاد ضد امپریالیستی، مردمی و ضد انقلاب داخلی.

جنگ تحمیلی و همچنین فراهم ساختن زمینه مناسب برای ایجاد یک ارتش ملی و مردمی واحد، مدرن و نیرومند که از منافع انقلاب با شایستگی دفاع کند. چنین اقداماتی سپاه پاسداران را بیش از پیش به توده‌های مردم نزدیک ساخته و آن را به سلاح نیرومند انقلاب در نبرد علیه امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داران وابسته، زمینداران بزرگ و همه دشمنان انقلاب و مردم ما بدل خواهد کرد. مردم ایران ضمن تقدیر از جانبازی و فداکاری پاسداران در سالروز ۱۶ خرداد به آنان چنین پیام می‌دهند:

تفنگ هر پاسدار همواره باید به قلب امپریالیسم جنایتکار آمریکا نشانه رود. هر تفنگی که به سوی سینه مردم برگردانده شود و هر گلوله‌ای که در دفاع از استثمارگران شلیک شود، در واقع انقلاب و شهیدان بخون‌خفته آن را هدف گرفته است!

ترکیب مردمی پاسداران بیانگر این حقیقت است که اکثریت افراد آن را زحمتکش شهر و روستا تشکیل می‌دهند که از بطن انقلاب بیرون آمده‌اند و نیز قهرمانی‌های بی‌دریغ آنان در راه دفاع از انقلاب باعث امیدواری مردم قهرمانان به این نیروی مردمی است.



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لایه گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مبین و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرح مقاومت، در عرصه‌های مبارزه با تجاوزگران، هرگز ساکت نبوده‌اند. هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. چون پاک رقص، دشتها و دره‌های مبین را گلگون می‌سازد و سارت می‌دهد. لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دگرگون کرد، فدائیان پهلوی رستگاران بر آن بنا می‌نهند.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای مبارزه با تجاوزگران

- اکبر بدلی
- اکبر فخور
- امیر افانی
- علی معاف
- جواد تجلی
- البر بوسی
- مریم رئیسی
- رحیم سفیدی
- سمید کوشش
- بهرام ورامینی
- محمود اجرو
- حسرو کریمی
- حسین شریعی
- عبدالله مرادی
- محمد بازر دار
- نمی اسکویی
- حسن صالحی
- عباس دبه‌دار
- اکرم غفاری
- علام عباس بخرد
- عباس‌الله زینسی
- محمد رضا آذربان
- سپیدال مستحمان زاده
- حبیب‌الله فرحبخش
- ابراهیم شکرچی
- عبدالحسن شاه میر
- محمود اشرفی آبادی
- فریدون مرتضی زاده
- محمد قائم قاجاری
- محمد مهدی نیک‌اندام
- محمد اسدالله نژاد رودبه
- محمد حسین صدرا آبادی
- رحم‌الله (اسر) اسمعیلی پور
- نوری نیساتان
- سعید (عباس) آهلیور
- علیرضا خلیلی
- افراسیاب (روین) سلمانی
- سیدرضا طالب موسوی
- کاظم عدی
- علیرضا کاظمی
- علی حامد راده
- ابرح حسین سا
- لطیف علیزاده
- بروز کریمیان
- اسحاق بابازاده
- مرتضی دارابی
- زهرا موسویون
- وحید نیک‌بیر
- شهریار باقرزاده
- کورس پاک‌بین
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفر نژاد
- محمد رضا جعفری
- منصور دهمانی
- سیداله اسماعیلی
- حسن دبه‌دار
- محمد رضا و صاف
- محمد رضا اکبری اسبق

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

پیرامون اطلاعیه مورخه ۱۴ خرداد دادستانی انقلاب اطلاعیه‌ای ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب باید بطور کامل اجراء شود

توقیف مطبوعاتی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند، مغایر با مفاد اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی کل انقلاب است.

روز چهاردهم خرداد ماه از سوی دادستان کل انقلاب اطلاعیه‌ای خطاب به سازمان‌های سیاسی انتشار یافت. در این اطلاعیه بار دیگر بر لزوم پذیرش و اجرای مفاد اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی از سوی کلیه گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب تصریح و تاکید گردیده است. سازمان ما همان‌گونه که روز چهاردهم خرداد ماه اجرای اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی را گامی در جهت تامین آزادی‌های سیاسی مردم ایران دانسته و ضمن پشتیبانی و حمایت از آن همه نیروهای سیاسی را نیز به استقبال از آن دعوت کرده است. ما در همان نخستین روزهای انتشار بیانیه فوق در نشریه کار نوشتیم:

قبلا نیز تاکید کرده‌است، انقلاب آزادی فعالیت‌های سیاسی همه نیروهای را که بخواهند بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت بپردازند، می‌پذیرد و بدیهی است که چنین اقدامی مورد استقبال همه نیروهای ترقیخواه مبین است.

(کار شماره ۱۰۵)
از آن پس تاکنون نیز بقیه در صفحه ۲

تیشه بر یکبار انقلاب

"عزیز صیدانلو فرزند عزت، ۲۲ ساله (بیگار و متاهل) اهل گلوگاه به جرم سرقت یک کیسه برنج، ۶ قوطی روغن نباتی و یک کیسه پودر رختشویی از گمته امام گلوگاه به بریدن ۴ انگشت بطوری که فقط کف دست و انگشت بزرگ (انگشت شصت) باقی بماند، محکوم گردید که حکم، شب پیش به مرحله اجرا در آمد."

در صفحه ۱۹

اعلامیه بی و یکمین اجلاس

شورای عمومی «فدراسیون سندیکائی جهانی»

در صفحه ۵

۲۳ خرداد روز اعتصاب قهرمانانه و خونین گوره پزخانه‌ها را گرامی بداریم

به علت نبودن هیچ قانونی ناظر بر روابط کارگران گوره پزخانه‌ها و کارفرمایان، این استثمارگران در استثمار هرچه بیشتر کارگران و ایجاد تضییقات گوناگون محدودیتی برای خود قائل نبوده و همواره سعی در یافتن استخدام ارزان ترین نیروی کار می‌نمایند. نمایندگان این کارفرمایان در روستاها و شهرهای دور افتاده و محروم، این نیروی کار ارزان را در بین دهقانان بی زمین و کم زمین یافته و آنان را روانه تهران می‌کنند.

در صفحه ۶

برای نگهداری فرزندان
زنان کارگر، باید در کنار
کارخانه‌ها مهد کودک ایجاد شود!

زنان کارگر میهن ما
همچون برادران هم طبقه‌شان
پشتشان زیر بار گران مسائل
روزمره جامعه مثل گرانی،
نبودن مسکن، بیمه،
بهداشت، بازنشستگی،
عدم رفاه و ایمنی دوتا شده
است.

در صفحه ۷

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر